

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دو فصلنامه علمی
مطالعات اسلام پژوه

فهرست

۵

سرمقاله

۱۱

شاخص‌های تربیتی خانواده مطلوب گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن کریم
عطیه برغم‌دی

۲۹

جایگاه زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
فاطمه سمواتی

۵۱

کرامت زن، تبلیغات صداوسیما و گام دوم انقلاب
سیده زینب توسلی

۷۵

جایگاه فرزند آوری در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر گام دوم انقلاب اسلامی
سیده زهرا عابدیان

۹۹

نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان در قرآن و بیانیه گام دوم
مقدسه معتمدی

۱۱۳


آسیب‌شناسی رفتار حاکمان اسلامی در مواجهه با مردم از منظر نهج‌البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
محبوبه میرانی

۱۳۳

Abstract

۱۴۱

خلاصه المحتویات



دوفصلنامه علمی مطالعات اسلام پژوه

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه علیها السلام

مدیر مسئول: سلیمه سایی

سر دبیر: هاجر شعبانی موسی کلایه

مدیر اجرایی: مریم حامدی

ویراستار: هاجر شعبانی موسی کلایه

صفحه آرا: منصوره شهاب

اعضای هیئت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

سیده زهرا امامی، طاهره حیاتی، سهیله خائفی، سلیمه سایی، معصومه شریفی،

فاطمه فرخنده، فاطمه قنبری

سال سوم، پیش شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

هیئت تحریریه در تلخیص، اصلاح و ویرایش علمی و ادبی مقالات آزاد است.
دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات، نماینده دیدگاه نویسندگان محترم آن‌هاست.
کلیه حقوق مادی و معنوی مطالعات اسلام پژوه محفوظ است.

نشانی: میدان بسیج، خیابان شیخ عباس قمی، مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه علیها السلام

پست الکترونیکی: Ameneqom@whc.ir

تلفن: ۰۲۵۳۷۲۳۹۸۸۴



مقام معظم رهبری در پایان چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی، بیانیه‌ای تحت عنوان گام دوم انقلاب اسلامی را مطرح کردند. با توجه به اینکه بیانیه از سوی شخصیت والا مقام و رهبر انقلاب اسلامی تدوین شده، پرداختن به موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. این بیانیه ابتدا با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی و گذشت چهل سال از آن، دومین گام انقلاب را «خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» معرفی کرده است.

با مخاطب قرار دادن جوانان به عنوان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد. مؤثرترین روش در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی ارائه شد، مسیر علم و پژوهش است. دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است.

جامعه علمی و نخبگانی بایستی به صورت پژوهش‌های فردی یا جمعی وارد مرحله راهکارهای تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در بیانیه شوند، تحقق این مهم کمک می‌کند تا فعالیت‌ها در مرحله تبیین، متمرکز یا متوقف نشوند؛ به همین دلیل نیاز است تا پژوهش‌ها و پروژه‌های مرتبط و استخراج شده از موضوعات و محورهای بیانیه را به سمت کار عملی پیش برد. مفاهیم پایه انقلاب باید با رویکرد علمی و حوزوی در حوزه‌های علمیه تبیین شود و روحانیت در عین این رسالت باید پرچم‌دار این بیانیه باشند.

پیش شماره سوم نشریه علمی «مطالعات اسلام پژوه» مدرسه علمیه عالی حضرت آمنه (علیها السلام) حاصل تلاش علمی بانوان پژوهشگر، در جهت اندیشه سازی و کارکردهای عملی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران است.

در این شماره شش مقاله پس از ارزیابی و اصلاح، مورد تأیید پذیرش نهایی

مورد بررسی قرار گرفته است و در آن اشاره شده است که منظور از رشد و تکامل اجتماعی این است که فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند یا رشد و نمو لازم برای برقراری در روابط اجتماعی را به دست آورده باشد. اگر به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است توجه کنید نکات بسیار مهمی در آن نهفته است شایسته این بیانیه به نقش جوانان در تمدن سازی نوین اسلامی اشاره می‌کند که نسل جوان مؤمن دانا و پرانگیزه باید محور پیشرفت اسلامی باشد توبه و بازگشت به سوی فطرت الهی دری از درهای رحمت خداوند است که تنها به انسان اختصاص داده تا همه در هر مرتبه‌ای که هستند به اندازه بهره وجودی خویش از آن استفاده کنند.

در مقاله ششم رفتار حاکمان جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است. در این جستار اشاره شده است که حضرت علی (علیه السلام) بهترین حاکم اسلامی را حاکمی با سه ویژگی مهم علم و عدالت و توانمند در اجرای اوامر الهی می‌داند. مقام معظم رهبری هم در متن بیانیه گام دوم چهار مرتبه از صفت کارآمد در ترکیب‌هایی چون جوان کارآمد، نیروی انسانی کارآمد، مدیر کارآمد و دستگاه کارآمد استفاده می‌کند و کارگزاران حکومت زمانی دچار آسیب می‌شوند و جوامع را به نابودی می‌کشانند که از سه عنصر اصلی علم و عدالت و توانمندی در اجرای اوامر الهی فاصله بگیرند چراکه عدم علم مساوی با جهل است که بسیار مخرب و آسیب‌زا است و عدم عدالت مساوی با ظلم و عدم توانمندی در اجرای فرمان‌ها الهی مساوی با ضعف نظارت، ایجاد و گسترش فساد در جامعه است.

امید است، در جهت اندیشه‌سازی و کارکردهای عملی بیانیه گام دوم، از انظار و افکار محققان و پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بتوان استفاده کرد و با تداوم رشد علمی، شاهد جهاد چشمگیری برای ساختن ایران اسلامی بزرگ در زمینه علمی باشیم که این مطالبه مقام معظم رهبری هم به حساب می‌آید.

و آخر دعوانا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

هاجر شعبانی موسی کلایه

تابستان ۱۴۰۰

قرار گرفته‌اند. در مقاله اول شاخص‌های تربیتی خانواده مطلوب موجود در گام دوم از منظر قرآن کریم مورد تفحص قرار گرفته است که شامل مواردی از جمله پرورش افراد خودساخته، توجه به فطرت و ارزش‌های فطری، پرهیز از تکبر و پذیرش استکبار است و خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد شکل‌دهی شخصیت فرد، نقش مؤثری در ایجاد جامعه متعالی و بهبود شرایط حاکم بر آن دارد. این امر در بیانیه گام دوم مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته است.

در مقاله دوم جایگاه زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشتار بانوان ارکان اساسی هر جامعه قلمداد شده‌اند زیرا مسئولیت‌های مادری، همسری و انسان‌سازی را بر عهده دارند، سلامت و رشد هر جامعه وابسته به خانواده‌هاست و رشد و تعالی خانواده وابسته به زن خانواده است، بنابراین برای تعالی جامعه، نقش‌های مادری و همسری زن اهمیت دارد هم‌چنین حضور زن در جامعه ملزم به رعایت مؤلفه‌هایی است؛ بنابراین با توجه به اهمیت مسئله‌ی اخلاق و معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب، این مقاله بررسی می‌کند که رعایت چه مؤلفه‌هایی توسط زن به مثابه مادر، همسر و فرد حاضر در اجتماع موجب رشد و تعالی اخلاقی و معنوی جامعه می‌شود؛ یعنی مادری اخلاق مدارانه، همسری اخلاق مدارانه، حضور اخلاق مدارانه زن در اجتماع و مادری معنوی، همسری معنوی، حضور معنوی زن در اجتماع.

در مقاله سوم کرامت زن، تبلیغات صداوسیما و گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. حوزه زن و خانواده یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از سوی رسانه‌ها در آن معرفی شده است. در کشور ما وضعیت زنان و خانواده با حاکمیت گفتمان اسلامی پیوند دارد و زن به عنوان نیمی از پیکر جامعه و رکن اصلی خانواده، همواره کانون توجه اندیشمندان و متفکران جامعه اسلامی بوده است. در این میان صداوسیما به عنوان یک نهاد فرهنگ‌ساز که تحت حاکمیت اسلامی قرار دارد، کارکردهای ویژه‌ای از جمله بسترسازی و فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت رسیدن زن به جایگاه واقعی که چارچوب آن در آموزه‌های دین مبین اسلام مشخص شده دارد و بدیهی است که برای رسیدن به این هدف راهبردهایی را در پیش گیرد. از جمله این راهبردها می‌توان به توجه به بعد انسانی زن، الگوسازی جهت تبیین اهمیت و تکریم نقش همسری زنان، باور به وجود تفاوت بین زن و مرد و تقویت ویژگی‌های زنانه، باور و تشویق به حضور جدی و مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در کنار توجه به وظیفه مادری در خانواده، اشاره کرد.

در مقاله چهارم جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تبیین شده است. در این پژوهش عنوان شده است که حکومت‌های اسلامی به منظور تشکیل تمدنی با اقتدار و قدرتمند، نیازمند ایجاد قدرت در ابعاد مختلف حکومت اسلامی از جمله بعد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی ... می‌باشد.

در مقاله پنجم نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی



مقالات

شاخص‌های تربیتی خانواده مطلوب گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن کریم

عطیه برغم‌دی^۱

چکیده

خانواده در جایگاه محوری‌ترین عنصر در شکل‌گیری شخصیت، افکار و رفتار افراد، نقش بسزایی در آرمان‌سازی و جریان‌سازی در جامعه دارد. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سرشار از مواردی است که خانواده می‌تواند در زمینه‌سازی برای آن مؤثر باشد. ازجمله این موارد می‌توان ورود انقلاب به مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، حفظ آرمان و مقابله با وسوسه‌ها، جهانی‌اندیشیدن و آرزو کردن، بازگشت به فطرت، منفعل نبودن، پذیرش خطا و قدرت اصلاح، ساختن گذشته برای داشتن آینده‌ای بهتر و مدیریت جهادی اشاره کرد. پرورش افراد خودساخته، تقویت ویژگی‌های زمینه‌ساز ایجاد آرمان‌شهر مهدوی، برجسته‌سازی ویژگی‌های اخلاقی متعالی و ارزش‌های فطری، تلاش برای اصلاح خطاها، پرهیز از تکبر و پذیرش استکبار و تلاش برای این آینده بهتر ازجمله شاخص‌های شناسایی‌شده برای خانواده مطلوب در گام دوم انقلاب اسلامی است.

واژگان کلیدی: خانواده مطلوب، شاخص‌ها، قرآن، گام دوم انقلاب اسلامی.

۱. دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه عالی حضرت آمنه (ع) قم. atibarghamadi1367@gmail.com

می‌کنند. ۳. مجموعه خویشاوندان، خاندان. ۴. تیره، خاندان (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۹۴). خانواده از نظر اصطلاحی نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولیدمثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو اسلام که برنامه‌ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است (ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱). خانواده واحد نشئت‌گرفته از ازدواج یک زن و مرد است که فرزندان پدید آمده از آن‌ها آن را تکمیل می‌کنند (همان، ص ۲۰).

بیانیه گام دوم

«بیانیه گام دوم انقلاب» یا بیانیه گام دوم نوشته سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر شد و با مخاطب قرار دادن جوانان، ضمن بیان پیشینه وقوع انقلاب و دشواری‌های آن، به دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران پرداخت و چشم‌انداز آینده انقلاب را در بخش‌های مختلفی از جمله علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، عدالت و مبارزه با فساد تبیین کرد (شیعه دانشنامه مجازی اهل‌بیت).

شاخص‌های خانواده مطلوب در قرآن کریم

برای ایجاد، شناسایی و توسعه شاخص‌ها روش‌های مختلفی وجود دارد، از برترین روش‌ها می‌توان به متون دینی اشاره کرد. فعالیت‌ها و تحقیقات مربوط به حوزه تربیت بر اساس متون دینی در کشورها و ادیان مختلفی صورت گرفته است و چون معانی، تعاریف و حدود مختلفی برای آن توسط اندیشمندان مطرح شده است، روش‌های تعلیم و تربیت بر اساس آن متفاوت می‌شود، به علاوه قدرت ادیان تا حدودی ناشی از تفاوت در میزان موفقیت در تربیت دینی است.

در کشور ما، قوانین بر پایه احکام دینی پی‌ریزی شده است، به همین دلیل دین به عنوان راهی متعالی و کاربردی در جهت راهنمایی و رشد و سعادت افرادش نقشی بسزا دارد.

فرض بر این است با توجه به مقبولیت دین و اسلامی بودن حکومت، روش‌ها و معیارهای دینی در تربیت افراد، بخصوص در نهاد خانواده جهت تأثیرگذاری بر روند جامعه مؤثر است. قرآن معجزه پیامبر گرامی اسلام بهترین کتاب اثبات حقانیت دینی است چراکه علاوه بر عدم نیاز به معجزه‌ای دیگر تمام نیازهای بشری را در ابعاد مختلف اعتقادی (رعد: ۱۶، جمعه: ۲)، عبادی (لقمان: ۱۷)، اخلاقی (آل عمران: ۱۵)، عرفانی (انعام: ۹۱)، تربیتی (نور: ۲۸)، اقتصادی (بقره: ۲۷۵) و سیاسی (نساء: ۱۴۱) در بر گرفته است.



مقدمه

نهاد خانواده یکی از ارکان حیاتی و زیرساختی هر جامعه و هسته اولیه دیگر نهادها به شمار می‌رود که علاوه بر تکثیر نسل و ابقای بشری وظایفی چون تولید، اقتصاد، تعلیم و تربیت و رشد و تعالی افراد را بر عهده دارد.

با توجه به وجود ادوار مختلف این نهاد دچار تغییرات آشکاری شده است. به همین دلیل جوامع مختلف برای ایجاد و برجسته کردن شاخص‌های الگویی خانواده مطلوب متناسب با شرایط جامعه هستند تا بدین وسیله با ایجاد افراد شایسته در همه جهات جامعه‌ای مترقی را ایجاد کنند، جامعه‌ای که مسیر رشد و بالندگی را همراه رضایت افراد و تعاون پشت سر می‌گذارد.

برای ایجاد، شناسایی و توسعه شاخص‌ها روش‌های مختلفی وجود دارد، از برترین روش‌ها جهت معرفی شاخص‌ها می‌توان به متون دینی اشاره کرد. قرآن در بطن خود منبع عظیمی از دستورات تربیتی، هم برای افراد و هم برای خانواده جای داده است. در بیانیه گام دوم سیر فکری و حرکتی جامعه اسلامی ترسیم و به گذشته با چشمان مفتخر و به آینده با چشمانی امیدوار نگاه شده است.

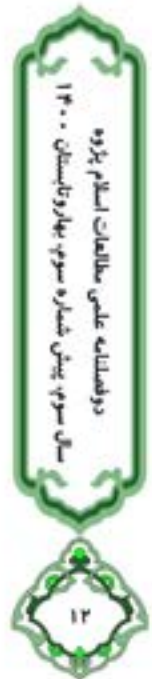
با عنایت به تحقیقات انجام شده به طور جداگانه مقالاتی در مورد شاخص‌های خانواده از نظر قرآن و مقالاتی در مورد گام دوم منتشر شده است (تقی پور، محمدرضا، خانواده تراز اسلامی و صفورایی، محمدمهدی، شاخص‌های خانواده کارآمد) ولی مقاله‌ای که به تنهایی به بیان ویژگی‌های مطرح شده در بیانیه - که خانواده در ایجاد و تعالی آن مشخصه‌ها نقش داشته باشد - و بررسی آن‌ها از منظر قرآن پردازد به رشته تحریر درنیامده است.

این مقاله بر آن است با توجه به نقش و جایگاه مهم خانواده در تکامل افراد و ایجاد جامعه‌ای شکوفا، با معرفی شاخص‌های تربیتی خانواده مطلوب گام دوم انقلاب اسلامی قرار گرفته است و بررسی آن‌ها از منظر قرآن الگویی برای رشد و تکامل افراد در نهاد خانواده فراهم آورد و روش صحیحی برای زندگی به سبک اسلامی ایرانی را بیان کرده که در نهایت منجر به تعالی جامعه می‌شود. جامعه‌ای که با توجه به افراد و سازمان‌دهی‌ها، زمینه طلوع خورشید امامت، حضرت بقیه‌الله عجل الله تعالی فرجه را فراهم کند. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و پردازش آن از طریق تحلیلی - استنباطی است.

مفهوم شناسی

خانواده

در تعریف لغوی خانواده به صورت خاندان، دودمان، خیل خانه و تبار آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ ص ۸۲۹۲). معین نیز برای خانواده این تعابیر را استفاده کرده است: ۱. اهل خانه، اهل البیت. ۲. مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی



گذاشته شده توسط نسل‌های گذشته جهت ایجاد و باروری انقلاب اسلامی، گام دوم را ساخت تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند و برای رسیدن به این مهم ویژگی‌هایی را طرح می‌کند که غالباً ریشه در شخصیت افراد دارد، شخصیتی که در گام نخست توسط خانواده ساخته می‌شود.

در ادامه تلاش می‌شود با بررسی سند و آیات مصحف شریف شاخص‌هایی را برای خانواده مطلوب معرفی کند که این شاخص‌ها به شرح ذیل است:

شاخص اول؛ پرورش افراد خودساخته

آنچه بر سر یک انقلاب می‌آید در وهله نخست برگرفته از افکار و رفتار و اعمال سازندگان انقلاب و در وهله بعد نگهبانان انقلاب است، افرادی که با ایدئولوژی و عملکرد خود سیر حرکت انقلاب را به سوی تعالی و یا انحطاط مشخص می‌کنند.

با توجه به گذشت چهل سال از انقلاب و روبرویی افراد زیادی با مفاهیم و اهداف انقلاب جمهوری اسلامی ایران، نقش خانواده در پیشبرد انقلاب بر همگان مبرهن است. در بیانیه گام دوم آمده است انقلاب وارد مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی شده است، ورود انقلاب به این مرحله نیاز به افراد خودساخته دارد، خودشناسی مقدمه خودسازی است، خودشناسی یعنی درون‌نگری، خودکاوی در خود که منجر به کشف عیوب و استعدادها و کمالات می‌شود که به وسیله آن انسان می‌تواند به ارزیابی و تحلیل درستی از صفات و استعدادهای خود دست یابد و در نتیجه آن، خصلت‌های ناروا را از خود دور کرده و درصدد تقویت جنبه‌های مثبت خود باشد. ﴿مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهِدَهَا وَ مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا﴾: کسی که نفس خود را شناخت با آن جهاد می‌کند و کسی که آن را نشناخت از خودسازی کوتاهی می‌کند.

مراحل خودسازی عبارت‌اند از: مشارطه (شرط کردن که برخلاف فرمان خدا رفتار نکند)، مراقبه (انسان همواره اعمال و گفتار خویش را تحت نظارت و کنترل خویش درآورد از خویش مراقبت کند تا در دام گناه نیفتد و از صراط مستقیم خارج نگردد)، محاسبه (آن است که انسان باید وقتی را برای محاسبه آنچه انجام داده تخصیص دهد تا در آن از خویش پیرسد که چه کرده‌ای)، مراقبه (آن است که اگر انسان بعد از مرحله محاسبه معلوم شد آنچه را که با خود و خدای خود شرط کرده بود انجام دهد و یا ترک کند، در آن کوتاهی و تقصیر کرده خود را سرزنش و مواخذه نماید تا بتواند بدین وسیله بر نفس خود مسلط شود) (طه: ۹۹ - ۱۰۰).

هر عملی از اعمال و رفتار آدمی برای دو منظور انجام می‌گیرد: یا برای رسیدن به عزت و سربلندی آن عمل را انجام می‌دهد و یا به خاطر ترس از نیرویی آن را انجام می‌دهد تا از شر آن نیرو در امان بماند. قرآن کریم هم عزت را منحصر در خدا می‌داند:





بشر در برابر این مصحف شریف وظایفی بر عهده دارد از جمله اینکه در آیات شریفش تدبر ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند؟ و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند. تفکر ﴿أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾: آیا هیچ‌یک از شما خواهد که او را باغی باشد از درخت خرما و انگور و زیر آن درختان جوی‌های روان و در آن هرگونه میوه موجود باشد، آنگاه ضعف و پیری بدو فرارسد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد، پس در باغ او بادی آتشبار افتد و همه بسوزد؟ (حال کسی که به ریا اتفاق کند بدین ماند). خداوند آیات خود را برای شما این چنین روشن بیان کند، باشد که (در مال کارها و حقیقت احوال) فکر کنید؛ و تشکر ﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَوْ لِبَسَاءٌ أَوْ كَسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾: خدا به قسم‌های لغو بیهوده، شما را مؤاخذه نخواهد کرد، ولیکن بر (شکستن) آن قسمی که از روی عقیده قلبی یاد کنید مؤاخذه خواهد نمود؛ و کفاره آن قسم طعام دادن ده فقیر است از آن طعام متوسط که بر اهل خود غالباً تهیه می‌کنید، یا جامه‌بر آن‌ها پوشانده و یا یک بنده آزاد کنید و هر کس توانایی آن ندارد سه روز روزه بدارد. این است کفاره (شکستن) سوگندهایی که یاد می‌کنید؛ و باید (حرمت) سوگندهای خود را نگاه‌دارید. خدا بدین گونه روشن آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید که شکر او به‌جای آرید؛ و تعلیم ﴿مَّا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُوتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾: هیچ بشری را نرسد که خدا وی را به رسالت برگزیند و به او کتاب و حکمت و نبوت بخشد آنگاه به مردم گوید: مرا به‌جای خدا بپرستید، بلکه (پیغمبران بر حسب وظیفه خود به مردم گویند) خداشناس و خداپرست باشید چنانکه این حقیقت را از کتاب به دیگران می‌آموزید و خود نیز می‌خوانید قرار دهد؛ و با تمسک به آن ﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾: و آنان که متوسل به کتاب آسمانی شوند و نماز به‌پادارند، ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت؛ راه سعادت را بپیماید.

بیانیه گام دوم در سال ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای منتشر و مورد استقبال مردم ایران و سایر مسلمانان و هر فرد آزاداندیش قرار گرفت.

در این بیانیه که مخاطب اصلی آن جوانان است ضمن بیان دشواری‌های پشت سر

أَنْتَ وَلِيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿۱۰۱﴾: پروردگارا بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما (یوسف: ۱۰۱).

همانطور که ملاحظه می‌شود آمالی که انبیا - آرزو خردمندان نیز در همین جهت حرکت می‌کند - (آل عمران: ۱۹۴-۱۹۳) به عنوان الگوی بشریت به دنبال آن بوده‌اند، همگی در جهت سیر تکاملی خود و افراد خانواده‌شان بوده است.

گروه دوم: آرزوهای کافران و منافقان

در مقابل دسته اول، کفار و آرزوهای آنان قرار گرفته است.

﴿وَدُّوا لَوْ تُكْفَرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾: آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند

ایشان کافر شوید و یا مساوی یکدیگر باشید (نسا: ۸۹).

﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾: کافران آرزو دارند که شما از سلاح‌ها و متاع‌های خود غافل شوید و یک‌باره به شما هجوم آورند؛ و اگر از باران ناراحتید و یا بیمار (مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاح‌های خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده‌ای برای کافران فراهم ساخته است (نسا: ۱۰۲).

﴿وَلَيْتُمْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾: و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آن‌ها دوستی و مودتی نبوده، می‌گویند: ای کاش ما هم با آن‌ها بودیم و به رستگاری (پیروزی) بزرگی می‌رسیدیم (نسا: ۷۳).

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾: و آن‌ها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آن‌ها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! درحالی‌که این عمر طولانی، او را از کفر (الهی) بازخواهد داشت؛ و خداوند به اعمال آن‌ها بیناست (بقره: ۹۶). در تقابل آرزوی انبیا و خردمندان با کفار و منافقین مشاهده می‌شود که سلسله خواست انبیا در جهت تکامل و نیل به فرمان‌ها الهی است که در نهایت آرامش نفس و سعادت فرد و جامعه را به دنبال دارد، برخلاف کفار که به دنبال پایین کشیدن دیگران در حد خودشان و یا گمراهی آنان هستند و هم‌چنین است که هر گروه آرزوهایشان را بسط داده و سعی در نفوذ در دیگری دارند که مصداقی بر جهانی خواستن و اندیشیدن است. لذا

﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾: تمام عزت از آن خداست (یونس: ۶۵) و هم قدرت و نیرو را منحصر در او کرده و فرمود: ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾: تمام نیرو از آن خداست (بقره: ۱۶۵). اگر کسی با علم و اعتقاد به این دو نکته، عملی را انجام دهد، هرگز انحرافی در رفتار و اخلاقش آشکار نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵۵). پس ساده‌ترین راه برای اصلاح اخلاق این است که با شناخت، معرفت، اعتقاد و ایمان به خالق متعال، مانع ورود رذایل اخلاقی در دل شوند؛ یعنی نگذارند رذایل اخلاقی در قلب جای گیرد و سپس به فکر زدودن و پاک کردن آن برآیند.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: با اقتدار و عزم کافی و با تهذیب نفس و خودسازی علمی و خودسازی اخلاقی پیش بروید. ان‌شاءالله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدت‌های شما در اوج افتخار و در قله‌ی اقتدار باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش آموزان، دانشجویان و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۸/۱۲).

با توجه به نقش بیان‌شده برای خانواده در ابتدای بحث، یکی از شاخص‌های این نهاد باید اصل خودسازی قرار داده شود تا علاوه بر پرورش افراد خودساخته، دیگر سازی بر اساس اصل الگوسازی رخ دهد.

شاخص دوم؛ پرورش افراد مطابق با ایدئولوژی آرمان‌شهر مهدوی مورد دیگری که در بیانیه به آن اشاره شده است شناخت و حفظ آرمان‌ها و مقابله با وسوسه‌ها است. نهاد خانواده در ایجاد، پرورش و تثبیت آرمان‌ها نقش مهمی دارد چراکه از طریق والدین اولین مواجهه فرزندان باهدف، منطق و آرمان‌ها رخ می‌دهد. در قرآن کریم این آرمان‌ها تعریف شده‌اند به‌طوری‌که در جوامع امروزی قابل تشخیص و پیگیری هستند و آن‌ها را در دو گروه دسته‌بندی می‌کند:

گروه اول: آرزوها و درخواست‌های پیامبران و خردمندان که شامل موارد زیر است: ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾: پروردگارا، مرا و از ذریه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان و بار الهی دعای مرا بپذیر (ابراهیم: ۴۰).

علت چنین دعایی آثاری است که بر نماز - به‌عنوان رکن اصلی عبادات - مترتب می‌شود، ازجمله اینکه ناهی فحشا و منکر (عنکبوت: ۴۵)، از بین برنده گناهان (هود: ۱۱۴)، عامل رستگاری (اعلی: ۱۴) و خشنودی (مریم: ۹) خداوند است.

به‌علاوه در قرآن در کنار اقامه دین خدا (شوری: ۱۳) و اقامه قرآن (مائده: ۶۸) از اقامه نماز (انعام: ۷۲) نام برده است که می‌توان نتیجه گرفت اقامه دین خدا در پرتو اقامه نماز و تمسک به قرآن است.

﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾: دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفز (طه: ۱۱۴). ﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

دچار رکود نشده است، البته این اصلاح به نحوی نبوده که متناقض ارزش‌های اسلامی باشد و از نظریه نظام انقلاب دفاع کرده است.

اصلاح درجایی به کار می‌رود که در چیزی استعدادی یافت می‌شود و تنها نیاز به بازپروری و پرورش دارد تا به فعلیت خود برسد، قرآن در آیات مختلفی از ضرورت اصلاح سخن به میان آورده است (احقاف: ۱۵- حجرات: ۱۰- انفال: ۱۰).

﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾: ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد؛ و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش؛ و (آن‌ها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما (اعراف: ۱۴۲). در فرهنگ قرآن اصلاح انواع مختلفی دارد:

• اصلاح فرد

اصلاح فرد یعنی خودسازی و تهذیب نفس که در تعالیم پیامبران فراوان بر آن تأکید شده است. ﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾: ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، نمی‌فرستیم آن‌ها که ایمان بیاورند و (خویشتر را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمگین می‌شوند (انعام: ۴۸)؛ و ﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾: اما آن‌کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد؛ و از این مجازات معاف می‌شود، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است (مائده: ۳۹).

• اصلاح خانواده

﴿وَلِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾: و اگر از ناسازگاری میان آن‌ها بیم داشتید داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن انتخاب کنید، اگر این دو قصد اصلاح داشته باشند خداوند آن‌ها را به توافق خواهد رساند؛ زیرا خدا دانای آگاه است (نسا: ۳۵).

• اصلاح اموال یتیمان

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ﴾: و از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است (بقره: ۲۲۰).

• اصلاح اجتماعی

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيَّ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾: و هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها

می‌توان گفت یکی از شاخص‌ها در خانواده‌های اسلامی، تعیین اهدافی در جهت تکامل و هدایت افرادش به سوی سعادت است.

شاخص سوم؛ برجسته‌سازی ویژگی‌ها و ارزش‌های فطری در بیانیه وارد شده است، شعارهای جهانی چون آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، برادری به یک نسل و برهه زمانی خاص اختصاص ندارد چراکه این امور فطری هستند و هرگز افراد از این امور دل‌زده نمی‌شوند و از تلاش برای دستیابی به آن‌ها دست برنمی‌دارند.

در قرآن کریم نیز از فطرت خداجوی انسان سخن به میان آمده است که گاهی به علت غفلت از ذات خود و دل‌بستگی به دنیا، از پروردگارش غافل می‌شود و باز به هنگام شدايد به سمت او بازمی‌گردد.

حال این فطرت که طالب خداست، طالب هر آنچه در وجود خدا هست نیز است و در وجود واجب تعالی، جز کمالات نمی‌توان یافت.

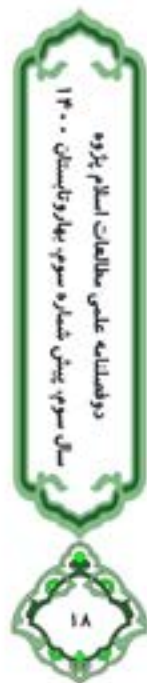
﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند (روم: ۳۰) به‌علاوه که دین یک حقیقت فطری است و دین هادی و واجب‌الاطاعه دینی است که خلقت به آن دعوت و فطرت به سویش هدایت می‌کند فطرتی که تبدل ناپذیر است (همان).

تناسب بین آنچه فطرت می‌خواهد و آنچه فرد به سویش حرکت می‌کند، سبب ایجاد آرامش خاطر، تصمیم‌گیری صحیح، عمل به‌موقع، عدم پشیمانی و صلابت و اطمینان خاطر می‌شود. پرورش افرادی که از مسیر فطرت خارج نشده‌اند به تمرکز خانواده بر استعدادها و حفظ قابلیت پذیرش توحید و حقیقت آن وابسته است چراکه ذات اقدس الهی این سر الهی را به‌صورت یک حس درون‌ذاتی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته، هم در عقل و خردشان به‌صورت یک حقیقت خودآگاه (دهقان، ۱۳۸۹: ص ۴۲).

خدا مردم را بر اساس فطرت خدایی آفریده است (روم: ۳۰) و والدین موظف هستند این فطرت را که در ابتدا مظهر پاکی است، حفظ و دوام بخشند. چراکه کودک از ارزش و ضد ارزش تصویری در ذهن ندارد و آنچه به دست می‌آورد از کانون خانواده است.

شاخص چهارم؛ پرورش افراد فعال و کوشا در اصلاح خطا

در بیانیه آورده شده ست انقلاب اسلامی انقلابی منفعل نیست بلکه همواره پویا و منعطف بوده است و با پذیرش خطاهایش، با قدرت دست به اصلاح امور زده است و



صاحبان اندیشه بود (یوسف: ۱۱۱).

خانواده می‌تواند با عبرت دهی از طریق بیان نقاط مثبت و منفی پیشینیان خط‌مشی سیاسی و تعاملات اجتماعی جوانان را جهت‌دهی کند. چنان‌که در قرآن کریم به خواندن تاریخ و عبرت گرفتن از آن سفارش شده است.

امام علی (علیه السلام) در سخنان‌شان تاریخ را به منزله چراغ راهنما در تاریکی‌های سیاسی و اجتماعی دانسته و فرزندان‌شان را به عبرت گرفتن از تاریخ وصیت کرده‌اند. لذا انسان‌ها با شناخت سرگذشت اقوام گذشته، آداب و سنن نیک و جریان‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند بینش سیاسی و عملکرد اجتماعی خود را تقویت کنند.

سه شاخص برای عبرت دهی معرفی شده است. (موسوی کاشمری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹):

۱. یادآوری تاریخ اقوام پیشین

تاریخ اقوام مختلف با وجود زمان‌های مختلف تابع اصول و قوانین خاصی است. چنان‌که حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌کنند که شرایط شبیه یکدیگر هستند و آخرشان پیرو اول آن‌ها بوده است. پس آگاه کردن جوانان از تحولات اجتماعی و سیاسی گذشته در روشن شدن راه آن‌ها و تصمیم‌گیری درست مؤثر است.

۲. یادآوری آداب و سنن نیکوی گذشتگان

همان‌طور که آداب و فرهنگ کنونی میراث گذشتگان ماست وظیفه خانواده است که آداب و سنن نیکو را گلچین کرده و به نسل بعد انتقال بدهد؛ و جوانان را به وسیله آن جامعه‌پذیر سازند. چراکه این تغذیه ارزشی برای نسل‌های آینده است. چنان‌که امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر وی را توصیه به آموختن ویژگی‌ها و روش‌های پسندیده و بالارزش درگذشتگان می‌کنند. از نظر تربیتی یادآوری سنت‌های نیکو زمینه نهادینه شدن آن و گرایش فرزندان به آن و دوری از ناهنجاری‌ها و سنن ناروا را فراهم می‌کند.

۳. یادآوری جریان‌های سیاسی و اجتماعی گذشته

بازخوانی جریان‌های سیاسی و اجتماعی گذشته شناخت کامل‌تر‌تری را از جریان‌های سیاسی و اجتماعی موجود تسهیل می‌کند؛ و عبرت گرفتن از آن فرد را در برابر شبهات و صف‌بندی‌های سیاسی و اجتماعی آگاه کرده و در تصمیم‌گیری به وی یاری می‌رساند. امام علی (علیه السلام) در خطبه قاصعه با همین روش جریان موسی و فرعون را جریان حق و باطل معرفی کرده و از دو جبهه مؤمنان و مستکبران نام برده‌اند و مشخصات سیاسی و اجتماعی آن‌ها را نیز معین فرموده‌اند.

پس با تمرکز بر این مسائل و ایجاد بستر مناسب در خانواده، کودکان استفاده از تجربه دیگران را جایگزین تجربه کردن‌های مدام کرده و این ویژگی در وجود آن‌ها نهادینه می‌شود.

در مورد توجه به سیر آینده جهان در قرآن می‌توان به آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ



را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد.

• اصلاح جامعه

﴿وَوَاعِدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و (آن‌ها) را اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی منما (اعراف: ۱۴۲).

قرآن اصلاح در امور مختلف را مورد بیان قرار داده است که از سویی دارای آثار فراوانی چون آموزش الهی (نساء: ۱۲۹) و توفیق الهی (نساء: ۳۵) دارد و از سویی نشان دهنده اهمیت استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و استعدادها است، به پیروی از قرآن باید این ویژگی را در افراد جامعه به کمک تمامی نهادها از جمله خانواده تقویت کرد.

قرآن راهکارهایی برای اصلاح شامل موعظه (نسا: ۳۴)، تعیین داور (همان: ۳۵) و تقوا و سخن استوار (احزاب: ۷۰ - ۷۱) است و برای آن موانعی چون پیروی از مفسدان (اعراف: ۱۴۲) و تقلید کورکورانه (هود: ۸۷ - ۸۸) را نامبرده است.

شاخص پنجم؛ تلاش برای ایجاد آینده‌ای بهتر با توجه به گذشته

در بیانیه وارد شده است که با ورود به فصل جدیدی از انقلاب، باید از آن حراست کرده و مسیری در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی فراهم آوردند، در غیر این صورت رهنان حق، دروغ را جایگزین حقیقت می کنند و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.

در متون دینی نیز عبرت گرفتن از گذشته و توجه به آینده و آماده سازی زمینه ظهور مورد تأکید قرار گرفته است.

یکی از اهداف نقل تاریخ و داستان گذشتگان در قرآن، عبرت و پند برای مسلمانان است. در بسیاری از آیات الهی، داستان‌های پیامبران بزرگ الهی بیان شده است. در این داستان‌ها، هرگز هدف قرآن داستان سرایی محض نیست، بلکه هدف ارائه رهنمود از رهگذر این داستان‌های سازنده است. بر همین اساس است که در هیچ یک از داستان‌های پیامبران، از مسائل بی فایده یا کم فایده‌ای که نقشی در هدایت ندارد سخن به میان نیامده است. برای مثال از تاریخ ولادت، تاریخ وفات، عدد اولاد و همسر انبیاء و... سخنی به میان نیآورده است.

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛ در سرگذشت آن‌ها درس عبرتی برای

ما برای مردم می‌زنیم و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند (عنکبوت: ۴۳)؛ و سپس می‌فرماید فقط باید از عالم پیروی کرد: «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا»؛ ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. آیات مذکور بیان‌کننده ارزش علم در دین اسلام است.

• عزت

خداوند کمال مطلق است و هر آنچه نزد اوست از بدی و نقص به دور است خداوند در آیاتی عزت را در پرتو اعتقاد به حق و عمل صالح «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»؛ کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چراکه) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به‌سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد (فاطر: ۱۰) و عزت مؤمن را در پرتو ایمان «وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا»؛ و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی!)؛ و خودش را عزت بخش مؤمن معرفی می‌کند (آل‌عمران: ۱۲۳ منافقون: ۸- فاطر: ۱۰)؛ و به معرفی افراد عزیز می‌پردازد که خدا، انبیا و اهل ایمان هستند (منافقون: ۸). قرآن عزت را به دو نوع تقسیم می‌کند:

عزت خیالی که از غیر خدا طلب می‌شود «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُوا عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ همان‌ها که کافران را به‌جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ بالینکه همه عزت‌ها از آن خداست (نسا: ۱۳۹) و عزت واقعی که شامل عزت فردی و اجتماعی است.

عزت فردی در سایه ایمان و عمل صالح و ترک معصیت محقق می‌شود (فاطر: ۱۰) و عزت اجتماعی زمانی است که جامعه در پرتو نور امام معصوم باشد. «ان الامه الزمان الدين و نظام المسلمين و صلاح الدنيا و عز المؤمنين» (مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۲۳) و از آن بهره‌بردار محقق خواهد شد.

طبق آیات بررسی‌شده ابتدا باید خانواده در تلاش برای پرورش افراد عزیز همت بگمارد که درنهایت منجر به سوق آن‌ها به سمت مبدأ پایین عزت که امام معصوم و ولی الامر می‌باشد، شود و درنهایت جامعه‌ای عزتمند به وجود خواهد آمد.

یکی از روش‌های عزتمند پیروی از افراد عزیزی است که خداوند آن‌ها را در قرآن عزیز خوانده است که انبیا و اهل ایمان هستند «يَقُولُونَ لَنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ آن‌ها می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند درحالی‌که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند (منافقون: ۸).

روش دومی که طبق آیات می‌توان از آن بهره‌گرفت بررسی عوامل ایجاد ذلت و نهی



بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿۳۳﴾: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراحت داشته باشند (توبه: ۳۳)؛ اشاره کرد.

این آیه در دو سوره فتح و صف نیز آمده است، هرچند اسلام از نظر منطق همواره پیروز است ولی این آیه تأکید دارد که وعده حاکمیت کلی اسلام محقق خواهد شد که آن‌هم با ظهور منجی موعود حضرت صاحب‌الزمان خواهد بود، حکومت مستضعفان که آن وعده خداوند به مؤمنان و صالحان است.

هم‌چنین آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت؛ و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند (نور: ۵۵). این آیات بیان‌کننده سرانجام عالم و عالمیان است و به فرد کمک می‌کند تا مسیر درست را انتخاب و امیدوار در آن گام بردارد، البته که نقش خانواده و روش‌های انتخابی آن برای تربیت در این زمینه مشهود است.

شاخص ششم؛ توجه به ارزشمندی برخی صفات و تقویت آن‌ها در بیانی‌ه آمده است کلمه انقلاب اسلامی در کنار کلماتی چون صداقت و صراحت و اقتدار معنا شده است. هرگز منفعل و مردد نبوده و درگیر افراط نشده است، سیاست آن دفاع بود نه جنگ. نتیجه ظهور چنین انقلابی وجود افرادی پایبند به ارزش‌های اسلامی و اخلاقی است که مسلماً در دامن خانواده‌هایی مقید به ارزش‌ها رشد کرده‌اند. در قرآن کریم ارزش‌های نفسانی بیشتر از جسمانی مورد تکریم قرار گرفته است ﴿وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾ در این آیه که در زمان انتساب طالوت به فرماندهی سپاه بنی اسرائیل نازل شده است صفت علم را بر جسم مقدم کرده است. از ارزش‌های نفسانی می‌توان به عزت، علم، صداقت اشاره کرد.

• علم

قرآن علم را مقدمه‌ای برای رسیدن به هدف می‌داند و می‌فرماید علم چون سرپلی است که باید فرد را به مثل برساند و تذکر می‌دهد که فقط دانشمندان این مسیر را طی می‌کنند. ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاصِرٍ لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾: این‌ها مثال‌هایی است که

است، باید با استعانت ﴿اَسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوا﴾: از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید؛ از او مسیر درست را پیمود.

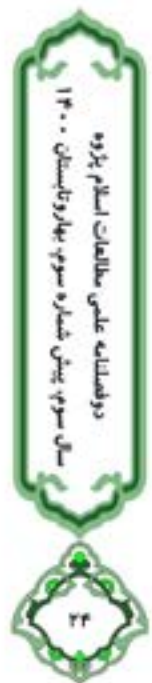
• صبر

در کلام الهی آن چنان دارای اهمیت است که ۹۳ بار در قرآن به کار رفته است، فرمان به صبر در آیات زیادی به چشم می خورد.

در اهمیت صبر همین بس که از خدا و برای خداست: ﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾: صبر کن و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و به خاطر (کارهای) آن ها، اندوهگین و دلسرد مشو و از توطئه های آن ها، در تنگنا قرار مگیر (نحل: ۱۲۷).

و وصفی کلیدی است: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾: به آنان می گویند: سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان (رعد: ۲۴)؛ و صابران مورد تمجید خدا قرار گرفته اند، ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾: قطعاً همه شمارا با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و ژوئن ها و میوه ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان (بقره: ۱۵۵). ﴿وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾: خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد (آل عمران: ۱۴۶). ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾: ای افرادی که ایمان آورده اید از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.

صبر آثاری چون ایمنی از دشمنان (آل عمران: ۱۲۰)، رسیدن به نعم بهشتی (نحل: ۹۶ - مؤمنون: ۱۱۱)، تکریم فرشتگان (رعد: ۲۴)، پیروزی بر دشمنان (انفال: ۶۵)، امداد غیبی (آل عمران: ۱۲۵) را به دنبال دارد. صبر و استقامت عصاره همه فضیلت ها و خمیرمایه همه سعادت ها و ابزار وصول به هرگونه خوشبختی است که برای آن راه های مختلفی وجود دارد که می توان به تقویت پایه های ایمان، تقویت رابطه با خدا، شناخت راز و رمز مشکلات، توجه به آثار اخروی صبر، توجه به گذرا بودن بحران ها، توجه به افراد پایین دست، الگوپذیری از اولیای خدا، آمادگی روحی، توجه به آثار جسمانی صبر و عدم آن اشاره کرد (دیلمی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵).



از آن امور است، در آیات مصحف شریف بنی اسرائیل که تحت سلطه فرعون بود با ایجاد حکومت مستقل حضرت موسی علیه السلام عزت یافته و خداوند در مورد آن‌ها فرمود: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾: ای بنی اسرائیل! نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یادآورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم (بقره: ۴۷). دچار ذلت شده و قهر و عذاب الهی دامن‌گیر آنان شد ﴿وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ﴾: آنان پیوسته مستحق خشم خدا و اسیر بدبختی و ذلت شدند (آل عمران: ۱۱۲). از جمله علل ذلت بنی اسرائیل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

علما و دانشمندان یهود قانون آسمانی را تغییر دادند ﴿يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾: سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند (مانده: ۱۳) در حقیقت با تحریف اصل و فرع، درست و غلط، ارزش و ضد ارزش را جایگزین کرده و راه درست زیستن را به انحراف می‌کشاند.

تجار و بازرگانان آنان به دنبال ربا رفتند «أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ»؛ و (همچنین) به خاطر ربا گرفتن، درحالی‌که از آن نهی شده بودند که آثار و تبعات آن‌هم بر فرد و هم اجتماع عیان است.

گروهی جذب گوساله سامری شدند و به دنبال او رفتند و گوساله پرست شدند ﴿إِنْكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَادِكُمُ الْعِجَلِ﴾: ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید.

عموم مردم رفاه طلب شده و از جنگ و دفاع پرهیز داشتند ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾: ما هرگز وارد نخواهیم شد تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم (مانده: ۲۳).

در آیاتی از قرآن در مورد قدرت الهی سخن به میان آمده است، ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾: بگو: بارالها مالک حکومت‌ها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری (آل عمران: ۲۶).

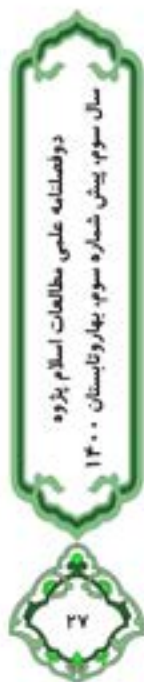
این آیات بیان می‌کند تمام قدرت از آن خداست و هر که را بخواهد عزت می‌دهد و هر که را نخواهد ذلت می‌دهد. هر امری برای خدا آسان است، طبق مسلک قرآنی نباید از ارزش‌ها و آنچه صواب است، به بهانه وجود حکومت‌های استعماری و سلطه‌گر و قدرت زیاد آن‌ها فاصله گرفت.

از آنجاکه قدرت مطلق از آن خداوند است ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾: قدرت خاص خدا

منابع

- قرآن کریم

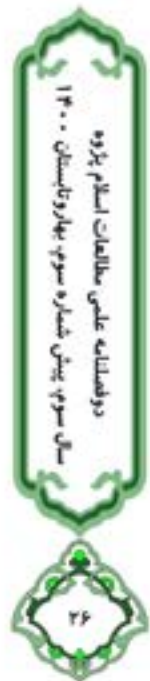
۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول (دوره جدید)، ۱۳۷۳.
۲. دهقان، اکبر؛ هزار و یک نکته از قرآن کریم، قم: موسسه انتشارات حرم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. دیلمی، احمد؛ اخلاق اسلامی، قم: نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۴. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، نشر اسلامی، سیزدهم، ۱۳۸۰.
۵. محمدی ری شهری، محمد؛ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث (ترجمه حمیدرضا شیخی)، قم: نشر دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۶. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (جلد اول)، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۸.
۷. موسوی کاشمری، سید مهدی، روش های تربیت، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ سوم، ۱۳۹۴.



نتیجه گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی شاخص‌های تربیتی خانواده مطلوب گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش شاخص‌های تقویت و توسعه جامعه اسلامی که خانواده در پرورش و تقویت آن‌ها مؤثر است، مورد شناسایی قرار گرفت و این شاخص‌ها باهم ترازهای قرآنی تطبیق داده شد. شاخص‌های شناسایی شده شامل پرورش افراد خودساخته، پرورش افراد مطابق با ایدئولوژی آرمان‌شهر مهدوی، برجسته‌سازی ویژگی‌ها و ارزش‌های فطری، پرورش افراد فعال و کوشا در اصلاح خطا، تلاش برای آینده با توجه به گذشته و توجه به ارزشمندی برخی صفات و تقویت آن‌ها است.

در قرآن هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده مورد تأیید و توجه قرار گرفته است که نشان‌دهنده تبعیت سند راهبردی آینده جامعه اسلامی از قرآن کریم و هماهنگی با آن است. به‌علاوه این تطبیقات تأییدی برای به‌کارگیری محتوای سند در جهت نیل به اهداف جامعه اسلامی است، چراکه هماهنگی ظاهرشده باعث تقویت مقبولیت و عمل به آن است. موضوع مورد بررسی نیاز به تحقیقات بیشتری در زمینه‌های دیگر از جمله شناسایی شاخص‌ها در زمینه اجتماعی، روان‌شناختی، مدنی و... دارد. به‌علاوه اینکه می‌توان راهکارهایی برای رشد شاخص‌های مطرح‌شده معرفی کرد.



جایگاه زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

فاطمه سماواتی^۱

چکیده

زنان در جامعه نقش بسیار مؤثری دارند. به تنهایی نیمی از جمعیت جامعه هستند اما در جایگاه مادر و همسر که قرار می‌گیرند گویی کل جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. تعالی جامعه در گرو تعالی افرادی است که از خانواده وارد جامعه می‌شود. در بیانیه گام دوم ضمن تبیین پیشینه انقلاب، چشم‌انداز آینده تشریح و در چند محور بیان شده است. معنویت و اخلاق دومین محور مورد تأکید است. هدف نوشتار، بررسی جایگاه زن در اسلام و جایگاه زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه به مثابه مادر، همسر و فرد حاضر در اجتماع، با تأکید بر بیانیه گام دوم و فرمایشات رهبر معظم بود. مطالب و اطلاعات این نوشتار به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و به صورت توصیفی - تحلیلی پردازش گردید. نتایج نشان داد زن با تعالی اخلاقی و معنوی فرزندان و همسر و هم‌چنین با رعایت مؤلفه‌های اخلاق و معنویت در هنگام حضور در اجتماع، جایگاه ویژه در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه دارد.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، زن، اخلاق، معنویت

۱. دانش‌آموخته سطح دو، حوزه علمیه عالی حضرت آمنه (ع) قم f.sama1377@gmail.com

روحیات جامعه، مسیر اصلی جامعه و تکامل انسانی را تعیین می‌کند؛ بنابراین، زنان در هر جامعه‌ای تعیین‌کننده مسیر حرکت آن جامعه‌اند. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها به‌طور یکسان در نظر گرفته است برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد و محیط خانواده گرم‌تر و باصفا تر خواهد شد و جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد (آونج، ۱۳۹۶).

در خصوص اخلاق و معنویت کتب و مقالاتی نوشته شده است. نظیر؛

- کتاب اخلاق و معنویت در آئینه نگاه مقام معظم رهبری که در ۶ فصل به مطالب ایمان و معنویت، اخلاق، تقوا، اخلاص، ذکر و نماز، مناجات و استغفار می‌پردازد.
- کتاب اخلاق و معنویت فطری تألیف گندم آبادی؛ که به انسان‌شناسی اسلامی، فطرت و معنویت فطری و سیستم ایمنی معنوی می‌پردازد.

- مقاله شکوفایی اخلاق و معنویت در جامعه سلامت نوشته‌ی نیکنام در سال ۱۳۹۸ که اخلاق پزشکی و سلامت معنوی بحث موردنظر آن است.

- مقاله جایگاه زن در ارتقاء معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله نوشته‌ی شریفی در سال ۱۳۹۰ که به مباحثی نظیر زن در نگرش اسلام، زن در جوامع غربی و مؤلفه‌های حضور زن مسلمان در اجتماع مثل؛ خودباوری، الگودهی، تعلیم و تعلم، حجاب، تهذیب و تقوا و انسان بودن پرداخته است.

بنابر تبیین جایگاه زن مسلمان و ضرورت نقش او در خانواده و جامعه؛ سؤال پیش می‌آید که نقش زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چیست؟ به تعبیر دقیق‌تر رعایت چه مؤلفه‌هایی توسط زن به‌مثابه مادر، همسر و فرد حاضر در اجتماع مؤثر در تعالی اخلاقی جامعه است؟ و هم‌چنین رعایت چه مؤلفه‌هایی باعث تعالی معنوی جامعه خواهد شد؟

مفهوم شناسی

اخلاق

اخلاق در لغت به معنای خلق و خوی و طبیعت باطنی و سرشت درونی آمده و در اصطلاح ملکه است که در نفس انسان پدیدار می‌شود و موجب می‌گردد افعال نفس با سهولت و بدون نیاز به فکر صادر شود. از نظر اسلام اخلاق جزئی از دین است و دین سرچشمه و منشأ اخلاق است و انسان‌ها با عمل به دین می‌توانند در کسب معرفت‌های اخلاقی و عمل به آن‌ها توفیقات لازم را به دست آورند (اخوی، ۱۳۹۰، ش ۱۶).

مقام معظم رهبری حفظه الله در بیانات بسیاری به اخلاق اشاره نموده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها بیانیه گام دوم انقلاب است که در آن اخلاق را این‌گونه تعریف می‌کنند: «اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی،



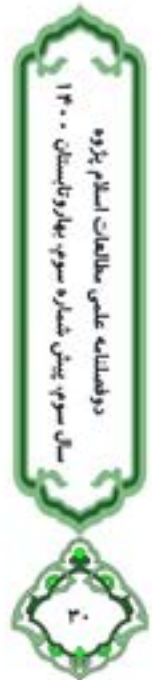
مقدمه

بانوان از ارکان اساسی جوامع بشری‌اند و سبب قوام و دوام خانواده و جامعه هستند؛ زیرا نقش همسری و مادری و وظیفه انسان‌سازی را بر عهده‌دارند. خداوند متعال جلوه‌ای از جمال خود را در وجود زن به تجلی آورده است. اسلام به زن ارزش و مقام داده و به شخصیت او احترام گذاشته و او را عضو کامل و مستقلی در جامعه می‌داند. اما نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ زیرا آن‌ها علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. تعالی جامعه درگرو تعالی روحی افرادی است که از خانواده وارد جامعه می‌شود و شمع فروزان محفل خانواده زن است و اگر خانواده سالم باشد مسلماً جامعه نیز رو به صلاح و ترقی می‌رود. همچنین همسر داری نیکو توسط زن هنری است که اگر آن را هنرمندانه در صحنه زندگی به اجرا بگذارد، به ایفای بهتر نقش مرد در جامعه کمک می‌کند. در گام دوم انقلاب و افق ترسیم‌شده، زنان جایگاه بسیار ویژه‌ای دارند. گام دوم انقلاب در حقیقت بازهم بر نفس گرم مادرانه و شور و عاطفه همسری و عظمت غیرقابل‌انکار زنان مسلمان، بسیار تأکید کرده است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ ضمن تبیین اجمالی پیشینه انقلاب اسلامی، چشم‌انداز آینده آن را تشریح و این چشم‌انداز را در چند محور بیان می‌کنند. «معنویت و اخلاق» دومین محور مورد تأکید مقام معظم رهبری حفظه الله در بیانیه گام دوم است که بلافاصله بعد از مبحث علم و پژوهش مطرح شده است و این حاکی از اهمیت و ضرورت توجه به معنویت و اخلاق است. ایشان در این بیانیه می‌فرمایند:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند... شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

طبق فرموده‌ی مقام معظم رهبری «زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد... برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در جامعه بالنده و رشید خواهند شد» (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله زن نه فقط با حضور مثبت و سازنده خود در جامعه، بلکه با حضور در روان و ذهن مردان و فرزندان در خانواده و در نهایت با حضور در



شیوهی برخورد اخلاقی با فرزند موجب پرورش فضیلت‌هایی در او می‌شود که با ورود به جامعه و بنا بر نیازهای اخلاقی در رشد اخلاقی جامعه تأثیر می‌گذارد. محبت به فرزند نیازی ذاتی و اساسی است. این نیاز باید از طریق والدین به خصوص مادر برطرف شود زیرا مادر سرچشمه‌ی محبت و تجلی عشق الهی است. آرامش، شادابی و سلامت روان کودک و جامعه درگرو تأمین نیاز محبت است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: کودکان را دوست بدارید و به آن‌ها اظهار محبت کنید (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۲۱، ص ۴۸۳). محبت به فرزند چنان اهمیت دارد که از نظر مقام معظم رهبری موجب سلامت و عزت نفس فرزند می‌شود:

بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند... یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، بادل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی -چه دختر و چه پسر- وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

مادر با اظهار محبت به فرزندان خود، نیاز اساسی آن‌ها را پاسخ داده است. در نتیجه افرادی وارد جامعه خواهند شد که علاوه بر نداشتن کمبود و عقده، مهربانی و محبت را به هم نوعان خویش هدیه می‌دهند و این فضیلت اخلاقی در جامعه رواج می‌یابد.

«صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است که در آموزه‌های اسلامی از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیکبختی انسان‌ها شناخته شده است» (احسانی، ساجدی، ۱۳۹۲). جامعه سالم و اخلاق‌مدار نیاز به انسان‌هایی صادق دارد. انسان‌هایی که صداقت را در دوران کودکی از والدین خود آموخته‌اند. امام کاظم (علیه السلام) می‌فرمایند: «هرگاه به کودک وعده دادید به آن وعده عمل کنید زیرا آن‌ها شمارا روزی دهنده‌ی خود می‌بینند» (حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۵، ص ۲۰۱). «نخستین تأثیر این فضیلت جلب اطمینان و اعتماد است. مادر اگر با فرزندان، همسر و اطرافیان خود صادق نباشد نفوذ و ارزش خود را از دست می‌دهد» (هوشیاری، صفورایی، ۱۳۹۴، ص ۶۷). رهبر کبیر انقلاب صداقت را رمز پیروزی جامعه می‌دانند و می‌فرمایند:

انسان اگر صادق باشد، حرف و کار و راه او، در عالم واقع و خارج برکت پیدا می‌کند. صدق یک ملت و یک امت، می‌تواند آن‌ها را در میدان‌های گوناگون پیروز کند. امام بزرگوار ما در راه خود صادق بودند که توانستند ایمان مردم را جلب کنند و مردم نیز صادق بودند که توانستند نهضت را به اینجا برسانند و الا اگر آن صدق و صفا و ایمان



شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). «به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آن‌ها در عمل خود است» (۱۳۸۵/۱/۶). «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند» (۱۳۸۸/۴/۲۹).

معنویت

معنویت نزد اندیشمندان مسلمان معاصر عبارت است از شناخت خداوند و قرب به او. قرب الی الله یعنی رابطه حقیقی بین خدا و انسان به گونه‌ای که روح انسان بر اثر درک، باور و اعمالی خاص رابطه وجودی و آزادانه با خدای متعال برقرار و به‌طور مداوم آن را تشدید می‌کند و در نتیجه، مراتب کمال در وجود او محقق می‌شود. این ارتباط واقعیت تکوینی است ولی حصول آن امری اکتسابی و اختیاری است و این ارتباط وجودی با خداوند دارای مراتب و درجات است که می‌تواند تشدید یا تنزل یابد. معنویت امری ذاتی است، در ارتباط با وجود خالق معنا می‌یابد و دستیابی به معنویت باید از طریق راهنمایی‌های دین باشد (کیانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت را این‌گونه تعریف می‌کنند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

یافته‌ها

اول) جایگاه زن در تعالی اخلاقی جامعه

از نظر مقام معظم رهبری حفظه الله « هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن است؛ در واقع سازه‌ی اصلی برای یک اجتماع، شاکله‌ی اخلاقی آن جامعه است و همه چیز بر محور آن شکل می‌گیرد» (۱۳۸۵/۱/۶). بانوان نقش عظیمی در دستگاه خلقت دارند. آنان با ارزش‌مداری اخلاق اسلامی به هنگام حضور در اجتماع و با شیوه برخورد اخلاق‌مدارانه در جایگاه مادر و همسر، سهم بزرگی در رشد و تعالی جامعه بر عهده دارند.

الف) تعالی اخلاقی فرزندان، آینده‌سازان ایران اسلامی

در نظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، اخلاق مادر تأثیر بسزایی در فرزندان، قوم و جامعه دارد. ایشان می‌فرمایند:

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است... مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، باروح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند (۱۳۸۴/۵/۵).

یک بچه‌ی کوچک آن کار را می‌کند؛ وزنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند (۱۳۷۰/۱۰/۴).

این را شما خانم‌ها بدانید، وجود شما آن تحولی را در روحیات مرد به وجود می‌آورد که گاه هیچ عاملی نمی‌تواند آن تحول را ایجاد کند. شما می‌توانید دل مرد را گرم کنید و به او امیدواری به زندگی و شوق ادامه کار بدهید. اصلاً این توان در شما هست که در وجود مرد نیرو بدمید. وجود شما این قدر مهم است (۱۳۸۱/۷/۱۱).

بنابراین وجود زن و برخوردهای اخلاق مدارانه‌ی او با شوهرش، تأثیر زیادی در تعالی اخلاقی مرد دارد.

جامعه‌ی اخلاقی اسلامی، به افرادی محترم و باکرامت نیاز دارد. تکریم و احترام به مرد زندگی و حفظ اقتدار او، از فضائل مهم اخلاقی برشمرده در بیانات رهبر امت اسلامی است که در زندگی دنیوی و اخروی تأثیر بسزایی دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر زنی که به شوهرش احترام کند و آزارش نرساند خوشبخت و سعادت‌مند خواهد بود» (مجلسی، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳). احترام و درک ویژگی‌های شخصیتی همسر، درک تفاوت‌ها، احترام به نظرها و سلاقی او، احترام به حس استقلال‌طلبی، مدیریت و مالکیت مرد از مصادیق احترام به شوهر است. احترام زن به همسرش نه از روی ضعف و ذلت بلکه از روی عقل و محبت است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «زن و شوهر باید به یکدیگر احترام بگذارند، نه احترام ظاهری و تشریفاتی، بلکه احترامی واقعی» (۱۳۸۰/۱/۲).

احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند (این هم هست) بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگهدارید، برای هم حرمت قائل باشید. این در اداره‌ی زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد (۱۳۷۱/۹/۱۹).

بانوان با حفظ کرامت و احترام همسر خود، افرادی را روانه‌ی جامعه‌ی اخلاقی ایران می‌کنند که جامعه به آن‌ها با چنین ویژگی‌هایی نیاز دارد. تعاون، همکاری و همراهی زن با همسر خود، فضیله‌ی دیگری است که در تعالی اخلاقی شوهر، خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد. رهبر کبیر انقلاب می‌فرمایند: مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیابد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد (۱۳۷۵/۲/۱۰).

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجان‌های بی‌مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و همزیستی و همراهی بگذارند...



نمی‌بود، این نهضت محکوم به شکست می‌شد... صدق لازم است. صدق یعنی این که گفتار انسان به وسیله‌ی عمل و کردارش تأیید شود (۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

از نظر ایشان اساس در همه‌ی مسئولیت‌ها تدین، امانت و صداقت است (۱۳۸۵/۹/۲۲). مادر اخلاق مدار، با راست‌گویی و صداقت خود در رفتار با فرزندان این فضیلت را به آن‌ها می‌آموزد و افراد راست‌گو و درستکار را روانه‌ی جامعه اسلامی می‌کند؛ بنابراین این فضیلت در جامعه زیاد شده و تعالی اخلاقی جامعه را در پی خواهد داشت.

صبر طبق فرمایشات مقام معظم رهبری از دیگر فضائل اخلاقی است که موجب تعالی اخلاقی و پیشرفت و پیروزی جامعه می‌شود. ایشان صبر را موجب پیروزی، پیشرفت و بیداری امت اسلامی می‌دانند:

قرآن به ما آموخته است که اگر شما صبر و ایستادگی کنید، جای خودتان را تغییر ندهید، جهت خودتان را تغییر ندهید، شما پیروزید؛ این درس قرآن است. اگر ملتی صبر و تحمل و استقامت کند، نه فقط دشمن را ناکام، بلکه پیشرفت خواهد کرد؛ این اتفاقی است که در کشور ما افتاده است (۱۳۹۱/۴/۴). شما ملت ایران در این سال‌ها صبر و مقاومت کردید، مقاومت را از نسلی به نسل دیگر منتقل کردید؛ و این‌ها امروز اثر بخشیده است، امت اسلامی بیدار شده است (۱۳۹۰/۷/۲۵).

تعدادی از مادران خدمت رسول اکرم ﷺ مراجعه و از بازیگوشی و آزار و اذیت‌های فرزندان‌شان شکایت کردند. حضرت آنان را به صبوری توصیه و فرمودند: «بازیگوشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است» (پاینده، ۱۳۳۶، ص ۵۶۴). صبر در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی، دشواری‌های تربیت و اذیت‌های فرزندان و نیز صبر در برابر خواسته‌های نفسانی خویش. صبر و تحمل بر شیطنتها و کنجکاوای‌های کودک افزون بر این که مایه آرامش خانه و خانواده خواهد شد با روش الگو گیری صبر و تحمل را آموزش می‌دهد و کودک را برای تحمل سختی شکست ناکامی و ایفای نقش والدینی در آینده آماده می‌سازد (هوشیاری و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۳، ص ۷۴). با ورود انسان‌های صبور به جامعه، تعالی اخلاقی جامعه رخ خواهد داد.

ب) تعالی اخلاقی همسر

در نگاه مقام معظم رهبری «مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه‌ی خودشان است. آن‌ها اگر از خلقیات ویژه‌ی خود به‌طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند» (۱۳۷۵/۶/۲۸)؛ اما در این میان طبیعت مرد خام‌تر و شکننده‌تر است، چنانکه ایشان می‌فرمایند:

شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است حتی نه نوازش مادر؛ باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای

وفاداری کنید، امانت نشان بدهید... هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند (۱۳۷۶/۱۲/۱۹). وفاداری یعنی رعایت حقوق شوهر، امانت‌داری موهبت ازدواج که خداوند به زن هدیه کرده است، عمل بر طبق وجدان، توجه به خانواده، احساس مسئولیت و شکر نعمت خداوند متعال. این‌ها فضائلی است که جامعه برای تعالی اخلاقی خود به آن‌ها نیاز دارد. زن وفادار، مردی را روانه جامعه می‌کند که از این فضائل غنی است آن‌ها را در فعالیت‌های اجتماعی‌اش اعمال می‌کند که باعث تعالی اخلاق اجتماع خواهند شد. در محور اقتصاد خانواده، زن نقش کلیدی دارد. «این‌که زن در ضمن همراهی با شوهر برای بهبود وضع زندگی، روحیه قناعت و سپاسگزاری داشته باشد و به مقدار ناچیزی از وسایل زندگی در حد ضرورت و نیاز اکتفا کند؛ در استحکام بنیان خانواده بسیار مؤثر خواهد بود» (علایی رحمانی، معتمد لنگرودی، ۱۳۹۴).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر کس به مال اندک حلال راضی باشد؛ هزینه‌های زندگی وی کاهش می‌یابد، خانواده‌اش نعمت می‌یابند، خداوند او را به درد و درمان دنیا مبتلا نسازد و او را سالم از دنیا به بهشت ببرد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۳۴۷). آیه الله العظمی خامنه‌ای در خصوص ضرورت فضیلت اخلاقی قناعت در کشور اسلامی می‌فرماید: «یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم» (۱۳۸۳/۹/۱۱). هم‌چنین ایشان در توصیه به زوج‌های جوان می‌فرمایند:

اول زندگی را ساده بردارید، هر چه می‌توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت‌گیری‌های تنگ‌نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند (۱۳۷۷/۹/۱۲).

ایشان قائل‌اند که بسیاری از هزینه‌ها بیهوده و اسراف است و می‌تواند به‌جای آن در کشور سرمایه‌گذاری و موجب تعالی جامعه شود (۱۳۸۸/۱/۱). بانوان بیشتر از مردها به دنبال صرف هزینه برای تجملات هستند زیرا حس زیباگرایی در آنان قوی‌تر است، ولی توجه داشته باشند هر چیزی در حد معتدل و در حد نیاز مصرف شود و دچار مصرف‌زدگی نشوند. با تقویت ارزش قناعت در زندگی مشترک می‌توان هزینه‌های مصرف‌گرایی را بر کشور تحمیل نکرد و هزینه‌های زیادی را صرف پیشرفت و آبادانی کشور کرد. هم‌چنین با تقویت این ارزش در خانواده‌ی خود، آن را به جامعه نیز منتقل کرد و مایه‌ی تعالی اخلاقی و اقتصادی جامعه شد.

ج) تعالی اخلاقی اجتماع

رهبر کبیر انقلاب می‌فرماید: اگر در جامعه‌ای فضایل اخلاقی بر دل‌وجان مردم حاکم



اگر خدای ناکرده در محیط خانواده بی محبتی و عدم اطمینان و صمیمت باشد، رنج مال هر دو طرف است (۱۳۷۶/۹/۶).

هم چنین ایشان قائل هستند که اگر مرد موفقیت و فضیلتی کسب می کند، نیم سهمش برای زن است؛ چراکه همراهی و همکاری او با مردش بوده که به این نقطه از موفقیت رسیده است. مخصوصاً میدان جهاد و تلاش برای زمینه سازی تمدن نوین اسلامی؛ اگر همسر یک کسی که وارد میدان است - وارد میدان مجاهدت و کار و تلاش - با او همراه نباشد - یا تق بزند یا مزاحمت کند یا زندگی با او را سخت بداند، همراهی نکند با او - او نمی تواند کار بکند. اگر خوب می توانید کار کنید، ناشی از برکات وجود این همسر خوب و مهربان است... مردی را که در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی نوین - که ان شاء الله زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است - نقش دارد، شما قدر بدانید. این مردی که همسر شماست (۱۳۹۱/۶/۲۸).

بانوان با تعاون و همراهی با شوهر خود؛ از طرفی این فضیلت - که مورد نیاز جامعه است - را به آن ها می آموزند و از طرف دیگر موجب پیشرفت کشور و تمدن اسلامی خواهند شد.

وفاداری و لزوم عمل به عهد از جمله خصایص فطری نهادینه شده در بشریت است. خداوند در قرآن کریم خویشتن را با وفاترین معرفی می نماید: و من اوفی بعهده من الله... و چه کسی بهتر از خداوند به عهد خود وفا خواهد کرد؟ (توبه: ۱۱۱)

افرادی که خود را در چارچوب ازدواج و خانواده قرار می دهد باید پایبند یکسری تعهدات اخلاقی گردد و خود را ملزم به رعایت تعهدات خاصی نماید و در این راه باید بسیاری از رفتارها و حتی چشم و گوش و قلب خود را مهار کند تا مبدا دچار لغزش شود. وفاداری زن در نقش همسری تنها در حوزه امور جنسی منحصر نمی شود؛ بلکه وفاداری همسر کارکرد گسترده در خانواده دارد و امور عاطفی و مالی و تربیتی را شامل می شود. به گونه ای که می توان گفت وفاداری همسر از کارکرد اخلاقی و ارشادی برخوردار است (علایی رحمانی، معتمد لنگرودی، ۱۳۹۴). امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «بزرگ ترین موهبتی که نصیب بنده خدا می گردد این است که همسری شایسته داشته باشد که هرگاه مرد او را می بیند شاد شود و در غیاب شوهر حافظ عفت خویش و اموال وی باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

هم چنین در نظر مقام معظم رهبری، وفاداری یعنی جامه ی عمل پوشیدن به محبت: محبت ورزیدن، یک امری است که در اوّل کار خدای متعال این را به شما می دهد، سرمایه ای است که در اوّل ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می کند. به یکدیگر محبت پیدا می کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید همسرتان به شما آن محبتش محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. بایستی

آن‌ها تعبیر به ثروت عظیم کشور می‌کنند. توجه به این مطلب ضروری است که بانوان فی‌نفسه نیمی از پیکره‌ی جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند اما وقتی در جایگاه مادری و همسری قرار می‌گیرند گویی کل جامعه به دست آن‌هاست. بنابراین بانوان کشور با انجام راهکارهای پنج‌گانه‌ی موجود در کلام رهبری معظم، علاوه بر اینکه فضائل اخلاقی را در خود ایجاد کرده، آن‌ها را وارد جامعه اسلامی کرده و موجب تقویت و تعالی اخلاقی جامعه می‌شوند.

نکته‌ی دیگر این است که در تعاملات اجتماعی، بردباری لازم است. رهبر امت اسلامی ضرورت بردباری را این‌گونه بیان می‌کنند:

یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی احتیاج داریم، روحیه‌ی بردباری است؛ حلم. اینکه در اسلام و در اخلاق اسلامی این‌قدر حلم ذکر شده، به این خاطر است. نبود بردباری، بسیاری از مشکلات را در سطوح پائین و سطوح فردی و سطوح اجتماعی به وجود می‌آورد. نوع برخورد، موردنظر است؛ «ادع الی سبیل ربّک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» مجادله‌ی با دیگری آن‌هم «بالتی هی احسن» باشد (۱۳۹۱/۷/۲۰).

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزوجل... بردباری که به‌وسیله آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پارسایی که او را از نافرمانی خدا بازدارد» (شیخ صدوق، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵، ح ۱۷۲).

زنان به دلیل روحیه لطیف و حساس‌تری که نسبت به مردان دارند -که این روحیه یک هدیه الهی است و برای مادری و همسری لازم است- و همچنین نمود نگرانی آن‌ها برای تربیت فرزندشان بیشتر است، در بحث‌های اجتماعی گاهی زودتر ناراحت شده و تمام زحماتی که کشیده بودند نابود می‌شود. به‌خصوص اگر با وجهه و چهره‌ی مذهبی وارد این عمل شده باشند چهره‌ی دین نیز لطمه می‌بیند؛ بنابراین بانوان ایران اسلامی، هنگام برخورد با اقشار مختلف جامعه باید حلم و بردباری بیشتری نشان دهند و نحوه جدال احسن را در خود تقویت کنند. این امر هم موجب تقویت دین‌داری و پذیرش مسائل دینی مردم جامعه شده و هم اخلاق‌مداری را در جامعه ترویج می‌دهد.

مسئله‌ی مهم دیگر، تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی است. رهبر کبیر انقلاب برای این مسئله دستوراتی بیان می‌فرمایند:

۱. پرهیز از غیبت

بعضی از آیات هست که مربوط به تنظیم مناسبات اجتماعی است؛ این دستورهای کاربردی مربوط است به مناسبات اجتماعی. فرض بفرمایید: وَلَا یَغْتَب بَعْضُکُمْ بَعْضًا غیبت نکنید؛ این [دستور]، مناسبات اجتماعی را تنظیم می‌کند. شما وقتی غیبت می‌کنید، دل



باشد، مردم نسبت به یکدیگر مهربان باشند، نسبت به یکدیگر گذشت و عفو و اغماض داشته باشند، نسبت به مال دنیا حرص نورزند، نسبت به آنچه دارند بخل نورزند، به یکدیگر حسد نورزند، در مقابل راه پیشرفت یکدیگر مانع تراشی نکنند و مردم آن دارای صبر و حوصله و بردباری باشند، این جامعه حتی اگر از لحاظ مادی هم پیشرفته‌ای زیادی نداشته باشد، باز مردم در آن احساس آرامش و آسایش و سعادت می‌کنند؛ اخلاق، این است. ما به این احتیاج داریم. ما باید در دل خود، خلیقات اسلامی را روزبه‌روز پرورش دهیم. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود، وسیله‌هایی برای سعادت بشرند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد. برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزش‌های اخلاقی. بنا بر فرمایشات حضرت آقا، فرد و جامعه بدون اخلاق پیشرفت حقیقی نمی‌کند حتی اگر از لحاظ مادیات و امکانات به سر حدّ اعلی رسیده باشد (۱۳۸۵/۱/۶).

ایشان برای ترویج اخلاق و تعالی جامعه راهکارهایی را بیان می‌فرمایند:

۱. پروراندن صفات نیکو و خلیقات فاضله در دل‌وجان خود و نیاز به تمرین و مجاهدت در این راه
۲. انعکاس این فضائل اخلاقی در جامعه
۳. آموزش فضائل اخلاقی به مردم و اجتماع
۴. محبت خدا و پیامبر و معصومین (علیهم‌السلام) الگو گیری از آن‌ها
۵. تهیه‌ی فهرستی از فضائل اخلاقی و رذایل نفسی و سعی در ایجاد، تقویت یا برطرف نمودن آن‌ها (۱۳۸۵/۱/۶).

هم‌چنین نکته‌ی مهم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی این است که خطاب رهبر معظم به آحاد جامعه است. این نشان می‌دهد که نقش زنان در تمام متن بیانیه وجود دارد. نشان می‌دهد که این اعتماد، بصیرت و خودآگاهی به جامعه زنان وجود داشته است. نیز در قسمت‌های مهمی از بیانیه، خطاب ایشان برای ادامه راه رسیدن به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران به جوانان کشور است:

{این راه} باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

هم‌چنین مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ و در ادامه آمار جمعیت جوان کشور و افراد با تحصیلات عالیه آن را بیان می‌کنند و از

درعین حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پُربرکتی می‌توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد. این، معنای ارزش زن و تشخیص زن است؛ چیزی که مغز متحجر مادی غربی‌ها نمی‌تواند آن را بفهمد. کسانی که از دین و معنویت بهره‌ای نبرده‌اند، نمی‌توانند چنین عظمتی را درک کنند... زینب کبری برای زنان ما در طول تاریخ یک الگوست؛ عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور و احساس عاطفی، صراحت زبان، متانت دل، استواری روح؛ درعین حال، مادرانه، خواهرانه، با همه‌ی انسان‌ها برخورد کردن، در محیط خانه شمع محبت را روشن نگاه داشتن، همسر و فرزندان را بر سر سفره‌ی محبت و عاطفه‌ی خود دورهم جمع کردن؛ این‌ها خصوصیات زن مسلمان است.

امروز در جامعه‌ی ما خوشبختانه از این نعمت بزرگ، سهم وافری باقی است... اما در کشورها و جوامعی که زن چنین هویتی ندارد، می‌بینید پایه‌های تربیت مردم می‌لنگد و فضای اخلاقی و معنوی جامعه هم دچار مشکل می‌شود. همه‌ی ارزش‌های معنوی را می‌توان از درون کانون گرم خانواده بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند. امیدواریم دختران جوان و زنان جامعه‌ی ما در الگوی زینب کبری دقت کنند و هویت و شخصیت خود را در آن ببینند (۱۳۸۸/۳/۲۵).

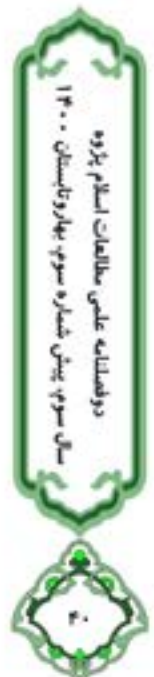
در این قسمت از مقاله، به نقش زن در تعالی معنوی فرزند، همسر و اجتماع می‌پردازیم.

الف) تعالی معنوی فرزندان

فرزندی که در محیط خانواده متولد می‌شود در ابتدا نسبت به معنویات بی‌طرف است و قدرت تشخیص خوب و بد را ندارد؛ اما به تدریج و با الگوگیری از والدین، رفتارهای معنوی او شکل می‌گیرد. فرزند به خاطر محبتی که به والدینش دارد از آن‌ها تقلید می‌کند ولی نسبت به مادر الگوگیری بیشتری دارد زیرا مادر نمود محبتی بیشتری دارد و به فرزند اظهار محبت بیشتری می‌کند؛ بنابراین مادر باید مراقب اعمال و رفتار خود باشد و اگر می‌خواهد فرزندان معنوی تربیت کند باید به مسائل معنوی توجه بیشتری داشته باشد و آن‌ها را در خود تقویت کند و به آن‌ها عمل کند.

ایمان و تقوای مادر اولین ارزش معنوی تأثیرگذار در تربیت معنوی فرزند است. «ایمان و تقوا افزون بر این که در مقام زن و همسر بودن ضروری است، در ایفای نقش مادری ضرورت مضاعف دارد و از ویژگی‌های پایه‌ای مادر است. مادر باید خود فردی سالم و صالح باشد تا بتواند افرادی پاک و شایسته و پرورش دهد» (هوشیاری، صفورایی پاریزی، ۱۳۹۳، ص ۶۰).

تلاش مادر برای اعتلای معنوی خود در تعالی معنوی فرزندان بسیار مؤثر است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «مهم‌ترین کار برای اعتلای معنوی و روحی، پرهیز از



خودتان را چرکین می‌کنید، دل مخاطبتان را چرکین می‌کنید، واقعیت پنهان یک برادر مؤمنی، خواهر مؤمنی را هم بیخودی به رخ این‌وآن می‌کشید؛ یک کار غلط و نادرست. او هم نسبت به شما ممکن است که همین کار را بکند. این کار، زندگی را، روابط اجتماعی را از نظم صحیح خارج می‌کند (۱۳۹۹/۲/۶).

۲. پرهیز از شایعه‌پراکنی و تهمت

پرهیز از قول به غیر علم، از غیبت، از تهمت... به این مسئله هم اهتمام داشته باشید. اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، خب این می‌شود تهمت. اگر چنانچه چیزی را بگوییم که به آن علم نداریم؛ مثلاً یک شایعه است - یک نفری یک حرفی را از قول یکی نقل می‌کند، ما هم همان را دوباره تکرار می‌کنیم - خب، این کمک کردن به شایعه است، این شایعه‌پردازی است؛ قول به غیر علم است. قول به غیر علم، خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد (۱۳۹۱/۵/۱۶).

امام حسین (علیه السلام) می‌فرمایند: «وقتی که برادر دینی‌ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر این که دوستداری او در پشت سر تو آن را بگوید» (مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۲۷). هرچند خطاب رهبر معظم در این صحبت‌ها تفکیک جنسیتی نشده اما زنان باید بیشتر به آن توجه کنند. زیرا آن‌ها با توجه به ویژگی‌های متفاوت از مردان و ساختار ذهنی مخصوص خود، تمایل بیشتری به ابراز احساسات، هم‌صحبتی، درد دل گفتن، درک شدن، به اشتراک گذاشتن تجارب و استفاده از تجارب دیگران دارند؛ بنابراین احتمال خطا در گفتارشان بالاتر است. بانوان ایران اسلامی، برای تعالی اخلاقی جامعه، باید سعی کنند تا در گفتارشان غیبت، تهمت و شایعه‌پردازی وجود نداشته باشد. از این طریق علاوه بر اینکه طرز صحیح گفتار اخلاقی را به فرزندانشان و به خانواده‌شان آموزش می‌دهند موجب از بین رفتن این گونه رذایل در جامعه می‌شوند و روابط اجتماعی صحیح و منظمی را در سطح جامعه اسلامی شکل می‌دهند.

دوم) جایگاه زن در تعالی معنوی جامعه

معنویت به معنای رو به سوی خدا داشتن در تمامی امور زندگی است. طبق بیانیه گام دوم انقلاب، ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان می‌باشد. برای درک اهمیت جایگاه زن در تعالی معنوی جامعه باید به این سخن رهبر معظم توجه کرد که می‌فرمایند:

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکا به خداوند و همراه با عفت و پاک‌دامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این‌گونه ایفا کند... مثل کوه استواری از ایمان،

رعایت کنید، شما اعتلای روحی پیدا خواهید کرد» (۱۳۹۴/۴/۲۰).

فرزند از مادر خود در امور عبادی تقلید می‌کند، همان‌گونه که امام حسن (علیه السلام) از مادرش الگو گرفته بود. رهبر کبیر انقلاب عبادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را این‌گونه بیان می‌کنند:

عبادت فاطمه زهرا (علیها السلام) یک عبادت نمونه است. «حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است، درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تورمت قدامها». پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت، ورم کرد! امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌گوید: شبی - شب جمعه‌ای - مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حتی انفجرت عمود الصبح». تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن (علیه السلام) می‌گوید - طبق روایت - شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا امّاه!» «مادرم!» «لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغيرک»؛ «یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟!» در جواب فرمود: «یا بنی، الجار ثم الدار»؛ «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه والا است. (۱۳۷۱/۹/۲۵).

نحوه‌ی رفتار در نماز با کودک بسیار مهم و تأثیرگذار است. جواز شیر دادن طفل در نماز و آرام کردن حالت گریان او مؤید این مطلب است. پرهیز از عصبانیت و بردباری در شیطنت کودک در نماز از مصادیق رفتار صحیح در نماز با کودک است.

راوی می‌گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در هنگام یکی از دو نماز ظهر یا عصر به نزد ما آمد و یکی از دو فرزندش حسن و حسین (علیهما السلام) را به همراه خود داشت، پس آن حضرت در جلوی صفوف ایستاد و آن دو کودک را نزد پای راست خود گذارد، سپس به سجده رفت و سجده را طولانی کرد. راوی گوید: پدرم گفت: من از میان مردم سرم را از سجده بلند کردم و دیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سجده است و آن کودک بر پشت آن حضرت سوار شده، من به حال سجده برگشتم و چون نماز آن حضرت تمام شد مردم عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این نمازی که امروز خواندی سجده‌ای طولانی داشتی که در نمازهای دیگر نداشتی، آیا دستوری به شما در این باره رسیده بود یا وحی بر شما نازل گردید؟ فرمود: هیچ‌یک از این‌ها نبود، بلکه پسر من سوار شده بود و نخواستم او را ناراحت کنم تا هر کاری که می‌خواهد انجام دهد (طبری، ۱۳۹۲، ص ۶۵).

محیط تربیت نیز در تربیت معنوی فرزندان مؤثر است. فراهم کردن فضای معنوی در منزل، اهتمام و بزرگداشت مناسبات معنوی، همراه بردن کودک به اماکن مقدس و معنوی و مساجد با بازی و شادی برای کودک و شرکت دادن او در انجام امور معنوی و عبادی، همگی از جمله امور مؤثر در تعالی معنوی فرزندان است که از عهده‌ی مادر برمی‌آید و با



گناه است... گناه‌ها را بشناسید، خودتان را مراقبت کنید. تقوا! تقوا یعنی همین؛ تقوا یعنی مراقبت... از گناه پرهیز کنید؛ این مهم‌ترین راه اعتلای معنوی است» (۱۳۹۴/۴/۲۰).

توکل مادر و اعتماد او بر خداوند متعال، که هیچ کاری به غیر اراده‌ی او انجام نمی‌شود، در تربیت فرزندان و تعالی معنوی آن‌ها بسیار مؤثر است. توکل مانند یک نیروی محرک در سختی‌ها و مشکلات به مادر نیروی مقاومت می‌دهد و سبب شجاعت، بردباری و آرامش معنوی مادر است. توکل سبب بی‌نیازی انسان از غیر خدا می‌شود. مادر متوکل بر خدا افزون بر استقرار ناشی از اتکا به خداوند، توکل را به فرزندان خود آموزش می‌دهد و باعث می‌شود فرزندان‌ش به کسی غیر از خدا تکیه نکنند و عزت نفس‌شان را حفظ کنند. این امر در جهت تعالی معنوی جامعه بسیار مؤثر است.

توسل مادر به اهل بیت (علیهم‌السلام) در تربیت فرزندان، راهکار دیگری در تعالی معنوی آن‌هاست؛ زیرا آن‌ها والدین معنوی شیعیان هستند و تمام تلاش‌شان در عمر بابرکت خویش در جهت تربیت و هدایت انسان‌ها بوده است. همان‌طور که در آیه ۳۵ سوره مائده، راه رستگاری معنوی انسان بعد از ایمان به خداوند متعال، توسل معرفی شده است. ﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و (برای تقرب) به سوی او وسیله بجوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. بنابراین سزاوار است مادر برای تربیت معنوی فرزندان خویش، متوسل به ائمه (علیهم‌السلام) بشود و از آن‌ها بخواهد تا واسطه‌ی فیض الهی شده و بهترین طریق تربیت را در مقابل او قرار دهند.

عبادات نمود معنویات هستند و در دین اسلام، معنویت همواره با عبادت همراه بوده است. اهتمام والدین به خصوص مادر در انجام عبادت و بندگی تأثیر زیادی در تعالی معنوی فرزندان دارد.

اهتمام مادر به نماز که مهم‌ترین عمل عبادی است، به نماز شب، نماز جمعه و نماز اول وقت از مصادیق آن است. به گونه‌ای که مادر هنگام شنیدن صدای اذان، مقدمات نماز را فراهم کند و نماز گزارد. عبادت‌های پدر و مادر در محیط خانه و در مقابل چشمان کودک برای وی بسیار شگفت‌انگیز و جالب است. کودک به سجود و قیام و تمامی حرکات نماز مادر دقت می‌کند و این تصویر در ذهن کودک زنده و فعال می‌گردد و به تدریج در دل و جان و رسوخ می‌کند. تکرار و تمرین موجب تقویت رفتار عبادی در کودک می‌شود به طوری که اگر این روند ادامه یابد روحیه عبادت و پرستش فرزند پرورش یافته و بسیار قوی خواهد شد (احسانی، ساجدی، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

رهبر امت اسلامی به نقش نماز برای اعتلای روحی و معنوی تأکید کرده و می‌فرماید: «بلافاصله بعد از این [پرهیز از گناه]، انجام فرایض است؛ در میان فرایض هم از همه مهم‌تر نماز است؛ نماز اول وقت، با حضور قلب... حتی المقدور نماز به جماعت، این چیزها را

تربیت کرده، تربیت کند... آیا این‌ها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مشرف به خانه‌داری الگو باشد؟ (۱۳۷۷/۲/۷).

حقیقتاً که زنان مسلمان ایرانی مفتخرند که الگویی والا در تمام زمینه‌ها دارند که با نگاهی به زندگی ایشان می‌توانند پایه‌های معنویت را در جان همسر خود و در نهاد خانواده محکم و استوار سازند و از این راه در تعالی معنوی جامعه‌ی خود عمیقاً مؤثر باشند.

زن و شوهر پس از ازدواج متوجه تفاوت‌های یکدیگر می‌شوند. گاهی برای یک زن سخت است که این تفاوت‌ها را بپذیرد یا برای حل اختلاف از موضع فکری خود کوتاه بیاید. در این هنگام اخلاص و نیت قرب الهی اوست که به کمکش می‌آید و او را مطمئن می‌کند که با اخلاص و نیت قرب خدا همراه با عمل طبق نظر همسر و ایثار، علاوه بر اینکه خشنودی خدا و ثواب الهی را به دست آورده، رضایت همسر را در پی دارد و خداوند متعال در جای بهتر برای او جبران خواهد کرد. در تنگنا قرار ندادن همسر و عدم فشار بر روی او، خشمگین نکردن شوهر و حفظ آرامش همسر و محیط خانواده از عوامل مهم پایبندی همسر به معنویات است. امیرالمؤمنین درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: «ما اغضبنی و لا خرج من امری». یک‌بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یک‌بار از دستور من سرپیچی نکرد (۱۳۷۱/۹/۲۵)؛ بنابراین زن با تقلید از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در جهت نیک همسر داری کردن، می‌تواند همسر را در جهت معنویات تعالی دهد. هنگامی که چنین مردی وارد جامعه می‌شود؛ آرامش، استواری، اخلاص، توکل و سایر ارزش‌های معنوی همراه با خود را که در محیط خانوادگی‌اش به‌وفور یافت می‌شود که این شاهکار زنش است، به جامعه منتقل می‌کند. هم‌چنین برقراری ارتباط با انسان‌های اهل معنویت و دین‌دار و ایجاد ارتباط خانوادگی با آن‌ها تأثیر بسزایی در جهت تحکیم پایه‌های معنویت در همسر و خانواده دارد.

ج) تعالی معنوی اجتماع

رهبر عزیزمان می‌فرماید: «خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست... در هر میدانی که زن وارد شود زنی که خانم و کدبانوی یک‌خانه است در حقیقت همه‌ی آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند» (۱۳۷۶/۷/۳۰).

طبق فرمایشات مقام معظم رهبری زنان مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی خود باید زندگی فاطمه زهرا (علیها السلام) را الگو و سرمشق خود قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسر داری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر (علیها السلام) پیروی کند (۱۳۷۲/۹/۱۷). بنابراین یک زن مسلمان می‌تواند علاوه بر اینکه مادری و همسری کند در اجتماع



برنامه‌ریزی او و تسهیل انجام امور توسط مادر رخ می‌دهد.

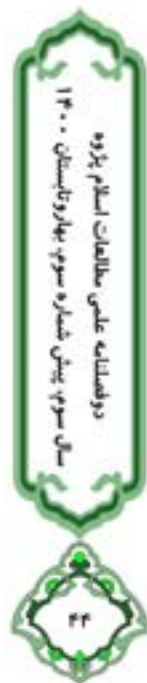
ب) تعالی معنوی همسر

زنان مسلمان ایرانی باید در همه‌ی جهات زندگی به‌خصوص جنبه‌ی معنویت از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) الگو بگیرند. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

اسلام، فاطمه را به‌عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن زندگی ظاهری او، جهاد او، مبارزه‌ی او، دانش او، سخنوری او، فداکاری او، شوهرداری او، مادری او، همسری او، مهاجرت او، حضور او در همه‌ی میدان‌های سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابل او به خضوع وادار می‌کرد؛ این هم مقام معنوی او، رکوع او، سجود او، محراب عبادت او، دعای او، صحیفه‌ی او، تضرع او، ذات ملکوتی او، درخشندگی عنصر معنوی او و خلاصه هم‌پایه و هم‌وزن و همسنگ امیرالمؤمنین و پیغمبر بودن او است؛ زن، این است؛ الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد این است (۱۳۶۸/۱۰/۲۰).

یکی از شئون الگو گیری از حضرت فاطمه (علیها السلام) همسرداری ایشان است. آن هنگام که پیامبر ﷺ از تازه‌داماد می‌پرسد همسرت را چگونه یافتی و امیرالمؤمنین در جواب می‌گوید برای طاعت و بندگی خدا یاور بزرگی است. روحیه معنوی قوی حضرت فاطمه (علیها السلام) همکاری و همراهی و تشویق همسر، تجهیز معنوی امام علی (علیه السلام) و دل آرام بودن برای شوهرش باعث پیشرفت و تعالی امیرالمؤمنین در میدان معنویت و جهاد فی سبیل الله که یکی از مصادیق معنویت و عبادت است شده بود. چنانکه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌فرمایند:

یک‌وقت انسان فکر می‌کند که شوهرداری، یعنی انسان در آشپزخانه غذا را بپزد، اتاق را تروتمیز و پتو را پهن کند و مثل قدیمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید! شوهرداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهرداری فاطمه زهرا (علیها السلام) چگونه بود. در طول ده سالی که پیامبر در مدینه حضور داشت، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند که در اغلب آن‌ها هم امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ مهم‌اند... ازلحاظ زندگی هم وضع رویه‌راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ﴾ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند؛ درحالی‌که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسؤولیت هم می‌کند. ببینید انسان چقدر روحیه قوی می‌خواهد داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند؛ دل او را از وسوسه اهل‌و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی دهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او



باشند، برای شوهران خودشان خود را آرایش و زینت دهند، در میان نامحرمان و در جامعه عقیف باشند» (احمدی جلفائی، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

حجاب و حریم عفت زن، سنگر محکمی است که راه فساد و هرزگی‌ها می‌بندد. در جامعه‌ای که زنانش باحجاب و عفاف باشند، جوانان و مردان هم با خاطری آسوده و بدون تهییج غرایز به کار خود مشغول می‌شوند و در زمان مناسب با رضایت و خرسندی به تشکیل خانواده علاقه‌مند می‌گردند و ازدواج می‌کنند. خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره احزاب در آثار عفت و رزی زنان می‌فرماید زنان با عفت به این خصیصه شناخته‌شده و از تعرض و جسارت در امام می‌مانند. رهبر امت مسلمان رعایت عفاف و حجاب را راهی برای ورود آزادانه زنان به اجتماع و به خصوص میدان علم می‌دانند (۱۳۶۸/۱۰/۲۶)؛ بنابراین نیکوست زن مسلمان با توجه به نهاد معنوی خانواده، رعایت عفاف و حجاب، عدم تبرج و آرایش، عدم رفتارهای جالب‌توجه؛ سبب تعالی معنوی جامعه شود.

هم حضور داشته باشد؛ اما قابل توجه است که برای تعالی معنوی جامعه؛ در همین حضور در اجتماع توجه حداکثری زن به نهاد خانواده اش لازم است و خانواده را باید بر هر امر دیگری ترجیح دهد؛ زیرا چنانچه اهمیت به نهاد خانواده که یک نهاد ارزشمند معنوی و دینی است، در سراسر جامعه رواج پیدا کند و مردم جامعه پایبند به خانواده خود باشند در پیشرفت معنوی جامعه مؤثر است.

چنانکه رهبر امت اسلامی می فرمایند: دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می کند و با وعده های توهم آمیز بیرون می کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه ی جامعه، بی پناه و بی دفاع می کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می کند، هم زن را تضعیف می کند، هم خانواده را نابود می کند، هم نسل های آینده را به خطر می اندازد... اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت های زن در داخل خانواده تکیه می کند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت های عمومی مردم منع کند... هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند... (۱۳۸۴/۵/۵).

زنان واسطه ی آفرینش خداوند متعال و انسان سازهای جامعه ایران اسلامی اند. تمام پیشرفت های مادی و معنوی کشور از مرکز نهاد خانواده شروع می شود. پس حضور زنان در اجتماع نباید لطمه ای به این نهاد ارزشمند وارد کند.

همچنین بانوان هنگام حضور در اجتماع، عفت و حجاب خود را حفظ کرده و تبرّج به معنای خودنمایی و جلوه گری نداشته باشند. چنانکه خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾؛ و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید (و بی حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خودآرایی بیرون نیایید.

زنان مسلمان باید به غریزه ی طبیعی زیبا گرایی که در وجودشان است رسیدگی کنند ولی نه اینکه موجب فتنه و فساد و تبرج بشود که ضررهایش تا نسل های متمادی گریبان گیر خانواده ها شود.

طبق فرموده رهبر عزیزمان رکن اصلی تمام حرکات مدافع حقوق زن؛ رعایت عفاف است. عفت زن مهم ترین عنصر برای شخصیت زن و وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتّی در چشم خود مردان شهوت ران و بی بندوبار است. عفت زن، مایه ی احترام و شخصیت اوست. مسئله ی حجاب هم پیرو عفاف زن است (۱۳۷۶/۷/۳۰).

اهمیت عفت زن به قدری است که عَلَيْهَا السَّلَامُ زنان عفیف را بهترین زنان می دانند: «بهترین زنان شما کسانی هستند که... با حجاب و پوشیده باشند، در بین طایفه خودشان با عزت

منابع

۱. آونج، مینا، جایگاه زنان در منظر امام خمینی، پرتال پژوهشی و اطلاع‌رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، <http://www.imam-khomeini.ir/>، کد ۱۵۵۷۷۶، ۱۳۹۶.
۲. آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، پایگاه تنظیم و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به نشانی: Khamenei.ir.
۳. احمدی جلفائی، حمید، چهل حدیث پیرامون حجاب و عفت زنان، قم، زائر، ۱۳۸۲.
۴. اخوی، اصغر، روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، راه تربیت، سال ۶، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
۵. احسانی، محمد؛ ساجدی، ابوالفضل، بررسی تطبیقی عوامل رفتاری تربیت معنوی فرزند در خانواده از دیدگاه اسلام و رفتارگرایی، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۹۴، ص ۷۱-۸۵، ۱۳۹۲.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، جاویدان، ۱۳۳۶.
۷. جوهری، شکبیا سادات، معماران تربیت، منزلت زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۷.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ پنجم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۹. خامنه‌ای، سید علی، اخلاق و معنویت در آیین نگاه مقام معظم رهبری، تهران، موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۶.
۱۰. خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلام، ۱۳۷۴.
۱۱. شریفی، صالحه، جایگاه زن در ارتقای معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی، طهورا، سال ۴، شماره ۱۱، ۱۳۹۰.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مترجم محمدباقر کمره‌ای، تهران، کتابچی، ۱۳۸۱.
۱۳. طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲.
۱۴. علایی رحمانی، فاطمه؛ معتمد لنگرودی، فرشته، تعامل و نقش زن در خانواده به مثابه همسر و مادر در پرتو آموزه‌های رضوی، حسنا: فصلنامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، سال ۷، شماره ۲۵، ۱۳۹۳.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. کیانی، معصومه و دیگران، مفهوم شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ۷، شماره ۲، ص ۹۷-۱۱۸، ۱۳۹۴.
۱۷. گندم آبادی، محبوبه، اخلاق و معنویت فطری، مشهد، ایوار، ۱۳۸۴.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۹. نیکنام، محمدحسین و دیگران، شکوفایی اخلاق و معنویت در جامعه سلامت، نشریه علمی پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی، سال دوم، شماره چهارم، ص ۵۱۰-۵۲۲، ۱۳۹۷.
۲۰. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، ویژگی‌های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روانشناسی، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره سوم، ص ۸۶-۵۷، ۱۳۹۳.



نتیجه‌گیری

جایگاه زن در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه بسیار مهم است؛ زیرا آنان در همه‌ی جوانب به‌خصوص اخلاق و معنویت که دومین محور مورد تأکید در بیانیه گام دوم است، بر فرزندان و همسر خود تأثیر می‌گذارد. حضور زن در جامعه اگر همراه با امور اخلاقی و معنوی باشد در تعالی اخلاقی و معنوی جامعه مؤثر است. جامعه برای تعالی و پیشرفت خود، به افراد اخلاق مدار و معنوی نیازمند است. زن با اعمال محبت، صداقت و صبر در رفتار با فرزند، با احترام و تکریم، تعاون و همراهی، وفاداری، قناعت و شکرگزاری در رفتار با همسر، با پروراندن صفات نیکو و خلیقات فاضله در دل و جان خود، انعکاس این فضائل اخلاقی در جامعه، آموزش آن‌ها به اجتماع، روحیه بردباری، پرهیز از شایعه، تهمت و غیبت در فضای خانواده و جامعه، در تعالی اخلاقی جامعه مؤثرند.

هم‌چنین مادر با تلاش در جهات اعتلای معنوی خود، ایمان، تقوا، توکل، توسل، اهتمام به عبادات، فراهم کردن فضای معنوی در منزل، بزرگداشت مناسبات معنوی، همراه بردن کودک به اماکن مقدس و معنوی و مساجد با بازی و شادی برای کودک و شرکت دادن او در انجام امور معنوی و عبادی در تعالی معنوی فرزندان مؤثر است. زن در تعامل با شوهرش ضمن الگوگیری از حضرت زهرا (علیها السلام)، باروحیه معنوی، همکاری و همراهی و تشویق همسر، تجهیز معنوی، دل آرام بودن برای شوهر، در تنگنا قرار ندادن همسر و عدم فشار بر روی او در تعالی معنوی همسر تأثیر می‌گذارد. زنان هنگام حضور در اجتماع با نهایت توجه به نهاد خانواده، حفظ عفت و حجاب، عدم تبرج و جلوه‌گری سبب پیشبرد جامعه به‌سوی معنویات شوند.

کرامت زن، تبلیغات صدا و سیما و گام دوم انقلاب

سیده زینب توسلی^۱

چکیده

موضوع کرامت و ارزش زن مسئله‌ای است که در برخی از جوامع بشری به فراموشی سپرده شده است. در این گونه جوامع با زنان در حکم یک جنس دست دوم رفتار می‌شود و حتی پایین‌تر از آن در حکم یک ماشین و ابزار بهره‌کشی. حفظ کرامت زن از مفاهیمی است که در گفتمان اسلامی و در بیانیه گام دوم بر آن تأکید فراوانی شده است. ارزش‌های که باید مورد توجه خاص قرارگیری، چراکه شناخت دقیق آن و کشف رابطه‌اش با سایر عناصر، توجه به نقش کلیدی و حساس زن در خانواده و جامعه، توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، جهت رسیدن زنان به جایگاه واقعی و حفظ کرامت انسانی خود و نیز نقش مهم سازمان صداوسیما در مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه، ضرورت پرداختن به این موضوع را روشن می‌کند. در این مقاله سعی شده چالش‌های موجود در تبلیغات کالاها توسط زنان در صدا و سیما ملی و حفظ کرامت انسانی زن بررسی شود. محوریت بعد انسانی زنان، تأکید بر وظیفه‌های اساسی زنان در خانواده در برنامه‌سازی و نیز تشویق به حضور جدی و مؤثر آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با توجه به وظایف زن در خانواده و همچنین توجه به تأثیرگذاری زنان در پیشرفت جامعه و تمدن در امر برنامه‌سازی و... از راهکارهای پیشنهادی در این زمینه است. این پژوهش به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی نگاشته شده است. واژگان کلیدی: کرامت اسلامی، گام دوم انقلاب اسلامی، زن، صداوسیما، تبلیغات.

۱. دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه عالی حضرت آمنه (علیها السلام) قم somita708@gmail.com

هنوز در اعطای حقوق بانوان کوتاهی کرده و از آنان مثل دوران عرب جاهلی به عنوان یک کالای تبلیغاتی و ابزاری استفاده می‌کنند. استفاده از بانوان در مدل‌های لباس و شوهای تبلیغات کالاهای جنسی که فقط شهوت مردان عیاش را فراهم می‌کند علاوه بر تضییع حقوق بانوان و ظلم به آن‌ها، از ادعاهای میان‌تهی و خالی از حقیقت این جوامع پرده برمی‌دارد.

صداوسیما با نقش محوری در نقل و تزریق فرهنگ به جامعه، در تمامی این موارد نقش مهمی دارد. اینکه صداوسیما در بیان حفظ کرامت زن، داستان‌ها، فیلم‌ها و ... منتشر کند و آموزش خانواده‌ها و جامعه را در دست بگیرد از یک سو و همچنین از سویی دیگر اینکه صداوسیما همتش را در شکستن حرمت زن و کرامت الهی آن سعی بکار گیرد و برای مثال فیلم‌هایی را در بی‌عفتی دامن زنان پخش کند همان‌طور که در شبکه‌های ماهواره‌ای دیده می‌شود نیز مؤثر بوده است. بدین بیان، صداوسیما برای حفظ کرامت زن از اسباب مؤثر و به تبع در شکل‌گیری جامعه و تمدن اسلامی نقش دارد. صداوسیما می‌تواند با معرفی الگوی صحیح یک زن و بیان راهکارهای مناسب برای رسیدن به این موقعیت در پیشرفت جامعه نقش محوری ایفا کند.

این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه اشکالاتی در تولیدات صداوسیما ملی در زمینه کرامت بخشی به زنان وجود دارد و برای رفع آن، راهکارهای پیشنهادی کدام‌اند؟ نگارنده این مقاله تلاش کرده بر اساس برخی از مهم‌ترین جلوه‌های تکریم زن در قرآن مواردی از چالش‌های موجود در کرامت بخشی به زن در سیما را استخراج و راهکارهایی در جهت برنامه‌سازی در این زمینه ارائه کند. این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به این نیاز است که چگونه یک صدا و سیما می‌تواند کرامت زن را بیان کرده و زمینه‌ساز گام دوم انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی شود.

هر موضوع پیشنهادی دارد که درخور اهمیت است. در خصوص اخلاق در صداوسیما و رابطه تبلیغات صداوسیما با زندگی زن ایرانی مسلمان کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است از جمله:

۱. کتاب زن در نگاه روشنفکری از خانم زهرا تشکری (۱۳۸۱) که در این کتاب به جایگاه زنان و شخصیت آنان در مکتب‌های روشنفکران غربی یا حتی مسلمان بررسی می‌شود. تفاوت این نوشته با کتاب زن در نگاه روشنفکران در چگونگی پرداختن به مسائل مهم و کرامتی زن می‌باشد.

۲. کتاب درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام اثر محمدرضا زیبایی‌نژاد و محمدتقی سبحانی (۱۳۷۹) که در بخش اول این کتاب مبانی فکری غرب در نگرش به شخصیت زن و تفاوت آن با مبانی اسلامی در نگرش به شخصیت زن پرداخته می‌شود و سپس در بخش‌های بعدی به جریان‌شناسی نهضت زنان در



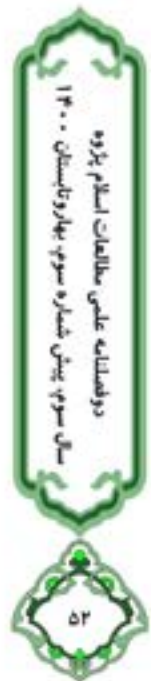
مقدمه

در دین مبین اسلام زنان و بانوان جایگاه ویژه‌ای در گفتمان مذهبی، سیاسی و اجتماعی داشته‌اند. در مقاطع مختلف، پیامبر اسلام ﷺ درباره زنان سخن گفته و بارها از این گروه تمجید می‌کرده‌اند: ﴿عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَالطِّيبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ﴾ (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۵). بی‌تردید این سخن پیامبر ﷺ از روی شهوت بیان نشده است و می‌توان از بزرگ‌ترین دلایل برای مطرح‌شدن این روایت را این مطلب دانست که در جامعه‌ی سخیف عرب جاهلی، زن از بی‌اهمیت‌ترین موجودات بوده و در زمره حیوانات قرار داشته است. بیان تاریخ و شهادت آن، گواه این مطلب است که آن‌ها زنانشان را به مثال بهایم و اموالشان خرید و فروش می‌کرده‌اند و به مثال مال فرد در هنگام موتش به ورثه‌ی او ارث می‌رسیده است. حضرت رسول ﷺ برای بالا بردن جایگاه زنان، پیاپی و در مقاطع مختلف از این گروه مستضعف که ظلم‌های متعددی بر ایشان روا شده است تعریف و سخنان بسیاری را بیان کرده است و در روایت فوق زنان را در ردیف نماز قرار داده است که نشان از اهمیت و شأن زنان دارد. حفظ کرامت بانوان به‌طور کل و کرامت زن مسلمان به‌طور خاص دغدغه‌ی ائمه‌ی طاهرین و علمای اسلام بوده است و در این خصوص اوامر متعددی را صادر نموده که در همگی مسائل وارد شده است. در این دوران بیان و حفظ کرامت زن بر عهده‌ی تمام افراد است ولی صدا و سیما نقش ویژه‌ای در این خصوص ایفا می‌کند.

معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) دریانی می‌فرماید: «زن باتربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و باتربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۱۸۶). این رابطه بین تربیت انسان و آبادی کشور را همگی عقول سالم و منصف به آن حکم می‌کنند. این تربیت صحیح جز از دامن یک مادر و زن وارسته اتفاق نمی‌افتد. مقام معظم رهبری در کلام‌های متعدد این حفظ کرامت را گوشزد کرده و در دستورات متعددی در پی رساندن جایگاه مهم زنان در جامعه به همگی مردم بوده است (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹). این نوع از تعبیر همان دستورات و آموزه‌های رسول مکرّم اسلام ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) است.

مقام معظم رهبری در ورود به چهل سالگی انقلاب بایان گام دوم انقلاب و پیشبرد انقلاب به تمدن نوین اسلامی، انتظار فراهم کردن بستر این تمدن را داشته و با تطبیق به سخنان امام راحل این تمدن در گرو بیان حقوق و کرامت زن است. مادامی که این کرامت به نحو احسن محقق شود، پیشرفت انقلاب و ایجاد تمدن نوین اسلامی و بستر مناسب برای ظهور منجی نیز محقق خواهد شد.

هرچند در ملل غربی و غیر اسلامی، علیرغم ادعاهایی همچون آزادی زنان و داشتن حقوق مساوی با مردان در کار و مناسبات سیاسی و یا ادعاهای گزافی مثل فمینیسم،



بزرگواری می‌شود. درخت به خاطر میوه دادنش، اسب به سبب سواری دادنش و ابر به علت باران مفید آن مُثْمِر ثمر هستند. گوهر معنایی کرامت، انعام کسی یا چیزی است. گاهی دادن چیز باارزشی مثل باران از جانب ابر است و گاهی مثل ثمره و میوه از جانب درخت است و گاهی فضل و بخشش چیزی است به مخلوق است از جانب پروردگار (ابن فارس، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۵۶۷).

آنچه متعلق اکرام قرار می‌گیرد، چیز باارزشی است: «وَكُلُّ شَيْءٍ شَرَفٌ فِي بَابِهِ فَإِنَّهُ يُوصَفُ بِالْكَرَمِ». کرامت در عرف زبان ما گاهی اضافه به فاعل می‌شود (کرامت الهی) و گاهی اضافه به مفعول (کرامت انسانی)؛ و معنای مورد بحث ما، معنای اخیر است که از جانب خداوند به انسان می‌شود.

خداوند متعال نیز اکرم الاکرمین است و کرامت از صفات خدای متعال است و رب الکریم نیز به معنای بزرگ‌منش و دارای عزت است، هم چنان‌که کرامت و کریم بودن زیربنای همه خیرات و خوبی‌ها و از جمله بخشش و بزرگواری و بلندنظری است. اطلاق صفت کریم به رسول خدا و قول و فعل ائمه اطهار را ناشی از این است که این صفت سرچشمه همه خوبی‌ها بوده، لذا خداوند نیز بنیاد انسان را بر پایه کرامت قرار داده است (همان).

خداوند در تعریف عباد الرحمن می‌فرماید: «وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» که به معنای بخشنندگی تنها نیست، بلکه عباد الرحمن افرادی هستند که وقتی که با آن‌ها برخورد جاهلانه می‌شود، برخورد ایشان جاهلانه نیست و بدی را باکرامت و بزرگواری و بزرگ‌منشی جبران نمی‌کنند. در روایات نیز وقتی بزرگ‌منشی یعنی چشم‌پوشی و انتقام نگرفتن بعد از قدرت یافتن می‌گویند (همان).

با اندک توجه به کرامات و نعمت‌های خداوند، دو گونه کرامت را می‌توان برای انسان متصور شد. نخست کرامت عامه که تمام موجودات را در برگرفته و اشاره به رحمت عام پروردگار دارد و همگان در برخورداری از آن حق یکسانی دارند. نوع دیگر کرامتی است که تنها کسانی را شامل است که قدمی بیش از دیگران در مسیر سعادت خویش برداشته‌اند و از آن تعبیر به کرامت اکتسابی می‌شود؛ یعنی همت و تلاش انسان در راه تقرب خداوند تعیین‌کننده آن است که تا چه حد در ظل این نوع کرامات قرار گیرد. این نکته‌ای است که در طول تاریخ توسط برخی از جوامع بشری به یاد فراموشی سپرده شده یا - از روی آگاهی - برای نیل به اهداف استعماری خود به آن بی‌توجه‌اند. همواره حاکمان جور بر پایه تعصبات قومی و نژادی، حقوق اولیه انسان‌های دیگر را نادیده گرفته و آن‌ها را از نعمت‌هایی که با هموعان خود در استفاده از آن‌ها مشترک بوده‌اند، محروم ساخته‌اند (همان).

غرب و ایران می‌پردازد و نقش صداوسیماها در شکل‌گیری این جریانات را تبیین می‌کند. تفاوت کتاب مذکور با مقاله این محقق در این است که محقق به کرامت زن و تبلیغات صداوسیماها به‌طور خاص پرداخته است.

۳. مقاله کرامت اسلامی زن و صداوسیما ملی از خانم فریده پیشوای (۱۳۹۲) است که در این مقاله نقش صداوسیماها در تبیین کرامت انسانی زن ایرانی بررسی می‌شود. ولی در مقاله این نگارنده از چالش‌های که صداوسیما می‌تواند جهت حفظ نشدن کرامت زن به را بی‌اندازد سخنی نیامده است.

مفهوم شناسی

معانی لغوی و اصطلاحی کرامت

کرامت در مقابل لثامت و کریم در مقابل لئیم هست و به معنای بزرگواری، بزرگ‌منشی، بلندنظری، مردانگی، فتوت و جوانمردی است. منظور از کرامت انسان این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به‌طور محترمانه زیست کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد (عمید، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۶۲۶). کرامت از ریشه کرم به معنای شرافت و عزت، در مفاهیمی همچون بزرگی، ارجمندی و شرافت دادن به کار می‌رود (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۰۳).

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید:

الکرم إذا وصف الله تعالى به فهو اسم لاحسانه وإنعامه المتظاهر نحو قوله «إن ربی غنی کریم» وإذا وصف به الانسان فهو اسم للاخلاق والافعال المحموده التي تظهر منه، وكل شيء شرف فی بابه فإنه یوصف بالکرم، قال تعالى: «وأنبتنا فیها من کل زوج کریم - إنه لقرآن کریم - وقل لهما قولاً کریماً» و الإکرام والتکریم أن یوصل إلى الانسان إکرام أي نفع لا یلحقه فیهِ غَضاضَةٌ، أو أن یجعل ما یوصل إلیه شیئاً کریماً أي شریفاً.

از عبارت راغب روشن می‌شود که صفت کرم وقتی متصف به خداوند می‌شود اسمی است که از احسان و انعام پروردگار خبر می‌دهد؛ و وقتی متصف به انسان می‌شود اسمی است که خبر از اخلاق و رفتار پسندیده انسان می‌دهد؛ و به‌طور کلی هر چیز شریفی در محدوده جنس خودش با وصف کریم بیان می‌شود. راغب درباره اکرام و تکریم که موضوع مورد بحث ماست می‌گوید: اکرام و تکریم یعنی اینکه اکرام و نفعی به انسان برسد که در پی آن سختی و حرجی نباشد. یا آنکه آنچه به انسان می‌رسد چیز باارزشی باشد (راغب اصفهانی، بی تا ۱۷۹).

دو گونه کرامت وجود دارد. کرامت ذاتی و کرامت عرضی. کرامت ذاتی آن است که چیزی فی ذاته و به‌خودی‌خود دارای شرافت و بزرگواری باشد «شرف فی الشئ» فی‌نفسه». نوع دوم کرامت عرضی است که به‌واسطه داشتن صفتی دارای شرافت و

پاسخی داده باشیم (همان).

۱. مؤلفه‌های تکریم زن در نگاه قرآن

در قرآن مجید خداوند بلندمرتبه دو نوع کرامت را برای انسان‌ها اشاره کرده است:

الف) کرامت ذاتی

آن است که خلقت انسان به‌طور تکوینی به‌گونه‌ای است که استعدادها و توانایی‌های ویژه‌ای به او بخشیده شده است و به خاطر این ویژگی‌ها، در مرتبه‌ای برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات جهان قرار گرفته است. در آیه ۷۰ سوره نساء همه انسان‌ها از این نظر مورد تکریم خداوند قرار گرفته‌اند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾

و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا سیر دادیم و از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم (اسراء: ۷۰).

در آیه چهاردهم سوره مؤمنون و آیه چهارم سوره تین نیز از این‌که انسان در بهترین نوع خلق شده، اشاره شده است. در آیات دیگر بر این‌که هر چه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان تسخیر یا برای او آفریده شده، تأکید شده است (جاثی: ۱۳). این نوع کرامت، نشان‌دهنده عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از آن برخوردارند، از این‌رو هیچ‌کس نمی‌تواند به سبب داشتن این کرامت بر موجود دیگری فخر فروشد یا مورد ستایش قرار گیرد، زیرا این کرامت به اراده و اختیار انسان ربطی ندارد، بلکه باید خداوند را بر آفرینش انسان با چنین جایگاهی ستایش کرد.

ب) کرامت اکتسابی

رسیدن به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح ارادی خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش انسان در راه کسب ارزش‌های معنوی و ملاک نزدیکی در درگاه خداوند است. همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی از آن بی‌بهره‌اند (رجبی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶). تفاوت کرامت ذاتی با اکتسابی این است که کرامت ذاتی عام است، شامل همه انسان‌ها می‌شود، اما کرامت اکتسابی خاص است و اختصاص به عده‌ای خاص از انسان‌ها دارد (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵).

برخی آیات قرآن کریم به کرامت اکتسابی اشاره دارند، مانند:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا

بِالصَّبْرِ﴾ (عصر: ۲ - ۳)

واقعاً انسان در زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کردند و

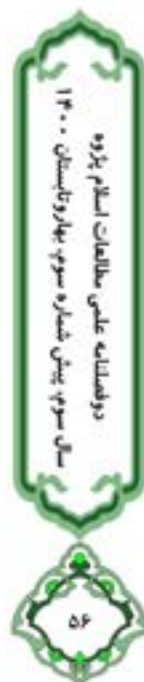


مفهوم تکریم زنان در اسلام

مراد از تکریم زن در اینجا، قرار گرفتن او در جایگاه انسان و رعایت شئونی است که خداوند متعال با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی و ظرافت‌های خلقت او در جنبه‌های شناختی، ارزشی و تکلیفی برایش پیش‌بینی کرده است. جایگاهی که تعالی، کمال، آرامش و امنیت روانی زن را در افقی فراتر از ابعاد مادی تصور می‌کند و زمینه‌ساز عروج معنوی و تجلی توانمندی‌ها و کمالات انسانی اوست. روشن است که پیش‌فرض این نگره، اعتقاد به خلقت هدفمند و حکیمانه جهان هستی است که خالق آن در کنار جنبه‌های مشترک انسانی متناسب با انتظار خاصی که از هر جنس داشته، توانمندی‌ها و استعداد‌های متفاوتی به وی عطا کرده است و او را در جایگاهی متمایز قرار داده است (تشکری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸).

ملت‌های استعمارگر برای نیل به اهداف استعماری خود از هیچ ظلم و ستمی نسبت به انسان‌های دیگر دریغ نمی‌ورزند. نعمت‌هایی چون عقل، حق حیات و استفاده طبیعی از آنچه خداوند مسخر انسان قرار داده حق مسلم هر انسانی است. این تعامل گونه‌ای از رویکرد تفریطی نسبت به کرامت انسانی است که برخی از جوامع بشری در دام آن گرفتارند. افراط و تفریط در حوزه ارزش و کرامت انسان، ضرورت تبیین کرامت واقعی انسان را بیش‌ازپیش روشن‌تر می‌سازد. کسانی که گرایش اومانیستی دارند و برای انسان ارزش خاصی (افراطی) قائل‌اند و همراه دم از حقوق بشر و کرامت ذاتی وی می‌زنند، چنین وانمود می‌کنند که انسان آن‌قدر شرافت دارد که هیچ انسانی تحت هیچ شرایطی نباید مورد توهین واقع شود و به‌طریق‌اولی نباید به حیاتش لطمه‌ای وارد شود. از این‌روست که در بسیاری از کشورهای دنیا مجازات اعدام را برداشته‌اند و نیز مجازاتی را که توأم با توهین باشد، به هیچ صورت جایز نمی‌دانند و غالباً به حبس یا پرداخت جریمه‌ای - آن‌هم با کمال احترام - اکتفا می‌شود (همان، ۱۶۹).

از آن‌رو که انسان شرافت ذاتی دارد و نباید شرافتش ذره‌ای لکه‌دار شود. این گرایشی افراطی در ارزشیابی انسان است. البته ناگفته نماند که خداوند به‌صورت تکوینی تمامی انسان‌ها را با نعمت‌هایی که بر او ارزانی داشته، مورد کرامت خویش قرار داده اما این بدان معنا نیست که این کرامت تکوینی برای او تا ابد وجود دارد و در صورت انجام هرگونه عملی از جانب انسان پایدار خواهد بود یا به دیگر سخن کرامت تشریعی نیز در کنار کرامت تکوینی برای او حفظ خواهد شد. از این‌رو تبیین مقام و ارزش انسان و کرامتی که خداوند برای انسان قائل شده است، از جایگاهی بس مهم برخوردار است که در این گفتار به مدد خداوند سعی نمودیم در حد توان با استفاده از آیات قرآن و روایات، کرامت اصیل انسانی و اینکه چه کراماتی از سوی خداوند به او عطا شده و جایگاه انسان در بین مخلوقات خداوند را تبیین نماییم؛ و در حد توان بتوانیم به رویکرد اشتباه این دو گروه



آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.

در این نوع کرامت به تعبیر قرآن کریم زن و مرد با یکدیگر برابرند و کرامت و ارزش هر یک از زن و مرد، در دنیا و آخرت، در گرو اعمال و رفتار خوب خودشان است. در آیات دیگری از جمله آیه ۳۵ سوره احزاب ۳ و آیه ۴۰ سوره غافر نیز این مفهوم با تعبیر دیگری بیان شده است. طبق این دیدگاه زن می‌تواند بالاترین درجات معنوی را طی کند. بالاترین مقامی که انسان سالک در پی دستیابی به آن است، خلیفه‌الله شدن است و خلافت به مقام انسانیت مربوط است نه شخص یا صنف خاص و در این مقام انسانی، زن و مرد یکی هستند. بر این اساس زن نیز می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد و چنانکه زنانی همچون مریم علیها السلام، خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام به مقامات عالی نائل شدند.

۱-۴. توصیه در مورد نقش همسری و مادری زنان

قرآن کریم در آیه‌های فراوان برداشتن برخورد نیکو با زنان تأکید دارد: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۱۹). با آن‌ها با نیکی رفتار و زندگی کنید؛ و حتی در مواقعی همچون جدایی نیز رعایت این مسئله ضروری می‌داند (طلاق: ۲). معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل و حکم شرع به فضیلت و خوبی‌های خلق نیکو و داشتن رفتار پسندیده در عواطف و احساسات و ادای حقوق و تأمین نیازهای زندگی است (طبری، ۱۳۸۰: ۴، ص ۷۷۶). در روایات نیز مردان به نیکی کردن و حسن معاشرت با همسرانشان سفارش شده‌اند. سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز نشان می‌دهد که ایشان در نهایت احترام با زنان به‌ویژه دختر گرامی‌شان و همسرانشان رفتار می‌کردند. در قرآن کریم بر نقش مادر و سختی‌های او در دوران بارداری و بزرگ کردن فرزند نیز تأکید جداگانه‌ای صورت گرفته است.

۱-۵. داشتن حجاب مناسب و حیا در برابر نامحرمان

عفت ورزی و رعایت پوشش اسلامی وظیفه شرعی زن است و کرامت انسانی وی نیز در سایه آن تأمین می‌شود. از دیدگاه قرآن کریم حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶). قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوِجَكُ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾ (احزاب: ۵۹). ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمن بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط) نزدیک‌تر است.

در این آیه شریفه علت و فلسفه ضرورت حجاب، شناخته نشدن و در امان ماندن از آزار و اذیت بیان می‌شود. آنجا که آدم و حوا به سبب عدم اطاعت از سفارش الهی دچار برهنگی شدند، آیات شریفه حکایت از دور شدن آن دو از شأن و منزلت انسانی

همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)

همانا گرامی‌ترین شما نزد پروردگار باتقواترین شماست

علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بر روی زمین کسی نزد خدای سبحان، کریم‌تر از کسی نیست که تسلیم اوامر پروردگار باشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۴۲ ج ۵، ص ۹۲).

۱-۱. نمونه‌های از تکریم زنان در قرآن

قرآن کریم، برای زن کرامت و ارزش زیادی قائل شده است و جایگاه ارزشمندی برای او به تصویر کشیده است. روشن است که تبیین کلی جایگاه زن در نگاه اسلامی بحث مفصلی است و در این مقاله مجال پرداختن به همه آن وجود ندارد، به همین جهت به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱-۱. بعد انسانی زن و مرد در خلقت

از دیدگاه قرآن کریم زن و مرد از یک گوهر و سرشت، بدون هیچ‌گونه برتری از نظر خلقت نسبت به یکدیگر آفریده شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۳۸) و جوهر خلقت زن و مرد از امر واحد است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء: ۱) این نکته در آیات قرآن کریم بارها تکرار شده است: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (اعراف: ۱۸۹). اوست که همه شمارا از یک تن بیافرید و از آن یک تن زنش را نیز بیافرید. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (روم: ۲۱) و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تعبیر «من نفس واحد» و «من انفسکم» در آیات یادشده، نشان از همین مطلب دارد (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۳۶).

۱-۱-۲. همسانی زن و مرد در کرامت ذاتی

در نگاه قرآنی، انسان چه زن و چه مرد، در میان همه مخلوقات عالم در بهترین شکل از نظر صورت و سیرت آفریده شده است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین: ۴) هرآینه انسان را در بهترین صورت ممکن آفریدیم. قرآن کریم در داشتن کرامت ذاتی، هیچ تفاوتی بین مرد و زن نمی‌گذارد، بلکه به‌طور مطلق می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء: ۷۰). ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم. عبارت «بنی آدم» تصریح در نوع انسان است که به مرد و زن به‌صورت تساوی اطلاق می‌گردد.

۱-۱-۳. همسانی زنان با مردان در ایمان و بندگی

از دیدگاه اسلام، در عرصه تکامل و رشد معنوی، زن به جهت نقش مهم تربیتی در خانواده می‌تواند و باید به مقامات عالی معنوی برسد. خداوند در آیه ۹۷ سوره نحل به این مضمون اشاره می‌کند: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷). هرکس از زن و مرد کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات (حقیقی) می‌بخشیم و مسلماً به

و محدوده اسلام و اصول شرعی از زن و خانواده بوده و در این زمینه تولیدات خوبی نیز صورت گرفته است، اما به دلیل اهمیت و حساسیت و ظرافت‌های خاص طرح این موضوع، به برخی چالش‌های برنامه‌های سیما در حوزه زن با توجه به کرامت و جایگاه قرآنی وی اشاره می‌شود:

۱-۲. نبودن الگوی مناسب و مطلوب زن مسلمان ایرانی

الگوی مناسب شخصیت زن، نخستین و مهم‌ترین پیش‌نیاز برای هرگونه برنامه‌ریزی و اصلاح وضعیت جامعه زنان به سمت نقطه‌های مطلوب است و تا زمانی که این امر تحقق نپذیرد، هرگونه تلاش در این زمینه با رکود و ایستایی مواجه خواهد شد. از سوی دیگر پس از دستیابی به الگوی شخصیت زن در اسلام، این پرسش مطرح است که با شرایط حاکم بر جامعه و کشور چگونه می‌توان به اجرای این ارزش‌ها و آرمان‌ها پرداخت. طبیعی است که این نیاز در حوزه برنامه‌سازی نیز وجود دارد. ارائه الگوهای کلیشه‌ای، غیرواقعی و دور از دسترس بودن الگوهای مثبت ارائه‌شده از زنان در برنامه‌ها می‌تواند ناشی از این کمبود باشد (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱).

۲-۲. به کارگیری جذابیت‌های ظاهری و جنسی زنان

یکی از زیباترین و پرکشش‌ترین تمایل‌های انسانی - بنا بر ساختار طبیعی و خلقت وی - جذابیت‌های جنسی است. استفاده از این ابزار جذب در رسانه‌های خارجی به‌ویژه فیلم‌های غربی از ظریف‌ترین و پنهان‌ترین شکل آن تا سرحد ابتذال بر کسی پوشیده نیست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولی اساسی در کشور ما در نگاه به این مسئله به وجود آمد، با این حال گاهی به شکلی ظریف و غیر محسوس از این ابزار جذب بهره‌برداری می‌شود و حضور زنان زیبا و بزرگ شده در نقش‌های مختلف به همراه لباس‌های جذاب از نظر رنگ و مدل و گاه با طرح مضامین عشقی در سریال‌های تلویزیونی دیده می‌شود. علاوه بر این، استفاده از زیبایی‌های زنان در پیام‌های بازرگانی نیز تا حدی زیاد شده و دائماً در حال تکرار شدن است (پیشوایی، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

این نوع نگاه ابزاری به زن در حقیقت با شخصیت انسانی زن، روح حیا و کرامت او در تضاد کامل است و معمولاً ناشی از این نگاه است که اصل، جذب مخاطب به هر قیمت است و جاذبه جنسی از همه ابزارها برای جذب مخاطب ارزان‌تر و سهل‌تر است. همچنین در تولیدات نمایشی به نظر می‌رسد توجه به زیبایی‌های ظاهری زنان بر بازی هنرمندانه آن‌ها غلبه دارد. این در حالی است که بسیاری از ویژگی‌ها و خصائص عاطفی زنان مانند محبت مادری یا فداکاری برای حفظ خانواده، تربیت فرزندان و کمک به موفقیت شوهران، قابلیت تبدیل شدن به محور جذابیت فیلم و سریال را دارند و البته این مسئله نیازمند خلاقیت و ابتکار هنرمندان است (محبی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).



و به عبارت دیگر نزول از درجه کرامت دارد (اعراف: ۲۰- ۲۴) و گویای این مطلب است که پوشیدگی و حیا به معنای داشتن کرامت و ارزش است.

۱-۱-۶. نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه

قرآن کریم همان‌طور که مردان را در نتایج کار و فعالیتشان صاحب حق می‌داند، استقلال اقتصادی زنان را به رسمیت می‌شناسد: لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ﴿۱﴾. برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی (نساء: ۷).

علاوه بر آزادی اقتصادی زن در اموال خود، اسلام برای زن مهریه (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۲۳۵- ۲۳۶) و نفقه (همان: ۲۶۰- ۲۶۱) قرار داده است. همچنین در اسلام هیچ منعی برای شرکت زنان در مسائل اجتماعی و در فعالیت‌های گروهی مانند شهادت دادن، حق امر به معروف و نهی از منکر و... وجود ندارد: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی بر برخی ولایت سرپرستی دارند. به معروف یکدیگر را امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند، خدا اینان را رحمت خواهد کرد، خدا پیروزمند حکیم است (توبه: ۷۱).

البته اسلام حضور زن در اجتماع را مشروط بر حفظ حجاب و پوشش کامل او و حفظ حریم محرم و نامحرم و عدم حضور با مردان دانسته است و این به معنی محدود کردن زن نیست. به عبارت دیگر اسلام با حضور اجتماعی زن مخالف نیست؛ بلکه با بی‌بندوباری و بی‌پروایی و بی‌عفتی اجتماعی مخالف است. حجاب در اسلام به معنی حضور تحت شرایطی است که خداوند برای حفظ کرامت زن قرار داده است.

۲. موانع و آسیب‌ها در کرامت بخشی به زنان در تبلیغات صداوسیما

به تعبیر امام خمینی پایه‌گذار انقلاب اسلامی، اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه وسایل ارتباط جمعی است و باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت شوند (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۲۰۳). در جامعه ما بیش از اکثر جوامع دیگر از صداوسیما ملی انتظار می‌رود به مسائل فرهنگی تربیتی توجه کند. یکی از اهداف و اولویت‌های تولید و تأمین برنامه گروه خانواده، حفظ و گسترش منزلت زن در جامعه اسلامی است (مرکز طرح و برنامه‌ریزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، ص ۷۲). در این راستا گرچه تلاش متصدیان صدا و سیما ملی همواره در جهت ارائه تصویری مطابق با آموزه‌های دینی

تبلیغات بازرگانی در مورد کالاهای مختلف به‌ویژه کالاهای لوکس خانگی و جلوه دادن آن‌ها به‌عنوان کالاهای ضروری، زیبا و مفید برای زندگی و ایجاد رغبت شدید در زنان از طریق تیزرهای بسیار جذاب، از مصادیق ترویج مستقیم مصرف‌گرایی است که روش وارداتی ویرانگر غربی است. علاوه بر این پیام‌های بازرگانی مستقیم، نمایش مکرر ویلاها و کاشانه‌های بسیار شیک، همراه با دکورها و اثاثیه‌های خیره‌کننده در فیلم‌ها و سریال‌ها در ترویج مصرف‌گرایی و رو آوردن به زندگی تجملی تأثیر دارد و بهتر است چنین صحنه‌هایی برای نقش‌های منفی در نظر گرفته شود تا از آثار سوء آن کاسته شود (مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۸۴).

طبیعی است تکرار این صحنه‌ها توقعات زنان را از سطح زندگی بالا برده، در آنان نیازهای غیرواقعی ایجاد می‌کند. همچنین مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، با آموزه‌های دینی از جمله توجه به فضائل و ارزش‌های اخلاقی، قناعت، انفاق، ساده زیستی و الگوی زندگی بزرگان دین ما که از راه‌های رسیدن به کرامت اکتسابی انسان‌هاست، در تعارض کامل است.

۵-۲. زیاده‌روی زنان در مشاغل بیرون از خانه

در دو دهه اخیر به دنبال تغییر نگرش در جامعه و فراهم شدن زمینه‌های اجتماعی مناسب در کشور اشتغال زنان نیز رو به گسترش نهاده است. رسوخ الگوهای غلط غربی نظیر کم‌ارزش دانستن نقش مهم همسری و مادری، مصلحت‌گرایی فردی و استقلال‌طلبی اقتصادی، برابری خواهی و گاه کمک به تأمین معاش خانواده از جمله عوامل عمده گرایش زنان به اشتغال خارج از منزل است. در این میان رسانه‌ها با نشان دادن زندگی‌های زنان شاغل به‌عنوان زندگی‌های موفق، در مقابل نمایش سرد و بی‌روح یا پردردسر بودن زندگی با مردانی تک درآمد، ناخودآگاه ارجحیت مشاغل اجتماعی برای زنان را تلقین می‌کنند و در نتیجه فاصله گرفتن از نقش و جایگاهی واقعی، به تدریج به هنجار تبدیل می‌شود. البته توانمندی‌های زنان ایرانی بر کسی پوشیده نیست، اما باید به این مسئله توجه کرد که نمایش اشتغال زنان نباید موجب تضعیف نقش‌های همسری و مادری شود. در غالب فیلم‌ها زنان خانه‌دار زنانی درگیر با رشته‌ای بی‌پایان از کارهای منزل نشان داده می‌شوند که بدون هیچ‌گونه احساس خوشایندی، آن‌ها را تکرار می‌کنند؛ زنانی که حسرت تحصیلات دانشگاهی و استقلال مالی، آن‌ها را فرسوده است. نمایش چهره بی‌نشاط، عقب‌مانده، با سطح فهم و سواد پایین از زنان خانه‌دار، احساس بی‌فایده بودن را به این قشر القا می‌کند. همچنین نمایش زنان خانه‌دار به‌عنوان کارگران خانه که تجربه‌های ارزشمندی در تربیت فرزند و مدیریت امور داخل خانه ندارند، شرکای عاطفی دل‌چسبی برای شوهرانشان نیستند و پیوسته به خاطر انجام کارهای بی‌پایان منزل غر می‌زنند، هرگونه رغبت را در دختران جوان برای گزینش این موقعیت تهدید

۲-۳. ترویج روحیه رفاه‌طلبی و مادی‌گری

اصلت دادن به رفاه و آسایش زندگی، در برنامه‌ها آثار نامطلوبی بر نهاد خانواده بر جای می‌گذارد. به‌طور مثال روحیه رفاه‌زدگی و آسایش‌طلبی منجر به کاهش تعداد فرزندان می‌شود که در نتیجه کشور با بحران جمعیتی مواجه خواهد شد. البته این مسئله عوامل مختلفی دارد ولی یکی از زمینه‌های ذهنی همسرانی که در زندگی به آوردن یک یا دو فرزند اکتفا می‌کنند، اصلت دادن به رفاه و افراط در این باره است. ترویج روحیه رفاه‌زدگی و آسایش‌طلبی، انسان را از یاد خدا و عبودیت و رسیدن به کمالات معنوی غافل می‌سازد و حال آنکه هدف نهایی انسان در این دنیا این نیست که از هرگونه سختی فرار کند و رفاه را سرلوحه تلاش خود قرار دهد. نگاه افراطی و تک‌بعدی به زندگی مادی و قائل شدن نقش بیش‌ازحد برای مادیات در تأمین آرامش خاطر انسان، پیامدهای منفی به دنبال دارد. چراکه هرگاه انسان با تکیه به علل مادی خود را غنی می‌یابد، غرور خطرناکی نسبت به داشته‌هایش پیدا می‌کند و نسبت به خداوند احساس بی‌نیازی می‌کند: ﴿كُلُّ إِنَّا لَإِنْسَانٌ لَّيْطَعَىٰ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْغَىٰ﴾ (علق: ۷-۶) نه این‌طور نیست، یقیناً این انسان طغیان و سرکشی می‌کند، گاهی که خود را بی‌نیاز بنگرد.

علاوه بر این، وقتی چنین فردی راه افزایش روزی را به روی خود را بسته می‌بیند، به‌طور کلی ناامید می‌شود (عباسی، ۱۳۹۲، ص ۹۱). درحالی‌که قرآن کریم و روایات بر مسئله اعتماد و تکیه بر خداوند به‌ویژه در کسب رزق و روزی تأکید کرده‌اند: ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه خروج از مشکلات را قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند (طلاق: ۲-۳).

۲-۴. ترویج مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی

رهبر انقلاب در زمینه پرهیز از تجمل‌گرایی بانوان می‌فرمایند: «در لباس، در آرایش، در زورزیورها و طلا و جواهرات، خانم‌ها بایستی خیلی اهمیت بدهند که امساک بشود و بی‌اعتنائی به این چیزها انجام بگیرد تا شاید ان‌شاءالله به درخشندگی‌ها و زیبایی‌های واقعی‌تر بیشتر توجه بشود تا به این زیبایی‌های ظاهری» (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی ۱۳۷۰/۱۰/۴).

ازجمله ارزش‌هایی که در سال‌های گذشته در سریال‌های فارسی ماهواره پخش شده، ترویج مصرف‌گرایی به سبک دنیای مادی‌گرایی غربی است. تبلیغات متعدد و متنوع که توسط روان‌شناسان و سازندگان برنامه‌های تبلیغاتی برای داشتن حداکثر تأثیر در مخاطب ساخته می‌شوند، به دنبال قانع کردن افکار افراد به‌ویژه زنان برای خرید کالا یا خدمات خاص و تغییر نگرش و انتخاب سبک زندگی خاص هستند تا از طریق ایجاد نیاز کاذب در مخاطبان، محصولات صنعتی خود را به فروش برسانند. حجم گسترده

۲-۳. تبیین کرامت زن در سخنان مقام معظم رهبری

به طور کلی زنان هر قومی در شکل‌گیری تاریخ، تمدن و فرهنگ آن قوم نقش مؤثر دارند و بر همین اساس بنیان‌گذار کبیر انقلاب می‌فرماید: سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۱۶۰). همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: مسئله زن؛ یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدن، هر جامعه و هر کشوری است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ۱۳۹۰/۳/۱). از منظر اسلام، زنان می‌توانند علاوه بر ایفای نقش پرارزش همسری و مادری در خانواده، در تمامی امور جامعه نیز نقش‌آفرین باشند. در این دیدگاه، یکی از تکالیف زنان، همچون مردان، اصلاح جامعه است. رهبر انقلاب اسلامی، در این باره می‌فرماید: در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و دیگر فعالیت‌ها، زنان مسلمان، همانند مردان، حق دارند با توجه به شرایط زمانی، به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند. زنان، همانند مردان، موظف هستند تا در جامعه حضور یابند تا دردهای جامعه را درک کرده و در درمان آن‌ها بکوشند. البته روشن است که زن در تمدن اسلامی، بیش از آن‌که جلوه و تکلیف بیرونی داشته باشد، در خانه حضور داشته و به اجرای سیاست‌های تربیتی در خانواده همت گماشته و با تأمین پشتوانه امنیت، آرامش و استحکام خانواده، هر زمانی که نیاز به حضور و ظهور در صحنه‌ها و میدان‌ها اجتماعی را احساس کند، همپای مردان به وظیفه خود عمل خواهد کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب در کنفرانس زنان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۴/۲۸).

۳-۳. آگاه‌سازی نسبت به آسیب‌های اجتماعی زنان در غرب

یکی از مهم‌ترین علل آسیب‌های اجتماعی در موضوع زنان و خانواده، وجود فاصله میان الگوهای بومی و اسلامی با حاکمیت گفتمان نظام سرمایه‌داری در حوزه مسائل جنسیتی (زنان و خانواده) است. اقتدار این گفتمان در مجامع علمی و محافل رسانه‌ای به گونه‌ای است که امکان طرح دیدگاه‌های رقیب را در عمل منتفی می‌سازد و این تصور را دامن می‌زند که گویی دیدگاه دیگری درباره مسائل جنسیتی بیرون از اصول نظام سرمایه‌داری مطرح نیست. در گفتمان حاکم بر جوامع غربی، زن از انسانی با ویژگی‌های متعالی به کالای جنسی سودآور، مشتری محصولات رنگارنگ صنایع بهداشتی، آرایشی، پوشاک جهان سرمایه‌داری و ابزاری برای عرضه و فروش هر چه بیشتر کالاهای تولیدی شرکت‌های بزرگ ملی و فراملیتی بدل شده است.

زمینه‌سازی صداوسیما برای از بین بردن اقتدار گفتمان نظام سرمایه‌داری در حوزه مسائل زنان و خانواده باید به دو صورت شکل گیرد:

اول، بیان چالش‌های عینی و آسیب‌های اجتماعی زنان در کشورهایی که به عنوان پایگاه اصلی نظام سرمایه‌داری مطرح‌اند. تبعیض‌های جنسیتی، آمار بالای سقط‌جنین، تجاوز، ناامنی و... بخش‌هایی از واقعیت‌های کشورهای غربی در حوزه مسائل مربوط به

می‌کند (علاسوند، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در مقابل، گاهی تمام مقوله‌های مندرج تحت فرهنگ، در زنان شاغل نمایش داده می‌شود. رفتار درست با فرزند، آرامش روحی، ارزش اجتماعی، احساس اعتماد به نفس، قدرت گفت‌وگو، مهارت‌های شیک مانند نویسندگی، شعر سرایی، هنرشناسی، برخی از این موارد هستند. به نظر می‌رسد همین مقدار، برای خنثی کردن همه مباحث کارشناسی در ارزش‌گذاری به نقش‌های خانگی، کافی است (همان: ۱۰۳).

۳. وظایف و مسئولیت‌های صداوسیما در تبیین کرامت زن

رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم برای انتقال ارزش‌ها و نمادها شناخته شده‌اند و در بسیاری از موارد ارزش‌های مخصوصی را در میان مردم اشاعه می‌دهند. آنچه مسلم است، این است که وسایل ارتباط جمعی عامل انتقال فرهنگ‌اند (دادگران، ۱۳۷، ص ۹۰). در اثر وجود رسانه‌ها، رفتار هم‌نوی اجتماعی، همان رفتاری خواهد بود که صدا و سیما آن را طرح کرده و ارزش‌گذاری مثبت درباره آن انجام داده است (اعزازی، ۱۳۷۳، ص ۲۷). با توجه به این کارکرد رسانه‌ها، صدا و سیما ملی نیز می‌تواند در شکل‌دهی و تعیین نحوه نگرش به زن و جایگاه او در خانواده و جامعه مؤثر باشد. مهم‌ترین عامل تکریم زنان در سیما و نمایش زنان در جایگاه مطلوب قرآنی، داشتن استراتژی واحد درباره چگونگی ارائه تصویر زن در سیما است و برای تحقق آن تعیین اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ضروری است. لازمه تحقق این امر توجه به راهکارهایی متکی بر تعالیم اسلامی در حوزه زن و خانواده است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۳. ارائه الگو برای زن مسلمان ایرانی

یکی از مشکلات اساسی، نبود الگوی مناسب زن مسلمان ایرانی با توجه به اقتضائات زمان است. روشن است که الگوها بر پایه مبانی و ارزش‌های بنیادین شکل می‌گیرند و ریشه در تلقی آدمی از عالم دارند. با اندک تأملی می‌توان دریافت که آنچه الگوی شخصیت زن را در مکاتب مادی یا ادیان الهی، چندگونه ساخته همین اختلاف در نگرش‌ها، بینش‌ها و ارزش‌هاست (تشکری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵). بر اساس طراحی الگویی جامع از حقوق، جایگاه و ارزش‌های زنانه و همچنین طراحی الگویی جامع از خانواده کارآمد، می‌توان به طراحی الگوی برنامه‌سازی در موضوع زنان و خانواده در صدا و سیما دست‌یافت. طراحی الگوی جامع شخصیت زن را نمی‌توان از وظایف ذاتی صدا و سیما دانست و باید نهادهای بالاتر از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا کارگروه خانواده به کمک نهادهای تولید علم، به انجام آن مبادرت ورزند (ماهنامه حواء، ۱۳۸۸، ش ۳۲). صدا و سیما ملی، باید بر اساس آن الگو به طراحی الگوی برنامه‌سازی در موضوع زن و خانواده اقدام کند.

آنان و گفت‌وگوی مفرح با آن‌ها و درنهایت امکان مشارکت در فعالیت‌های مردمی، امداد و کمک‌رسانی؛ (علاسوند، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰)؛ مواردی است که به‌خوبی قابلیت طرح در تبلیغات صداوسیما را دارند.

۵-۳. دیدگاه مقام معظم رهبری و نقش مادری زنان و تبلیغات صداوسیما

از دیدگاه اسلامی یکی از مهم‌ترین وظایف زنان در خانواده مسئولیت خطیر مادری است و زن موفق، زنی است که بتواند در ایفای نقش همسری و مادری موفق باشد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: زن بودن، برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزند داری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۰۴/۲۳). جز گروه‌های اندکی از فمینیست‌ها همگان بر ارزشمندی نقش مادر در تربیت فرزند تأکید می‌کنند، قداست و اهمیت نقش مادری از گذشته تا امروز به‌عنوان قابلیت ویژه زنان تعریف شده است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: مسئله مادری، مسئله همسری، مسئله خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی ۱۳۷۰/۱۰/۰۴).

از سوی دیگر تعارض فردیت زنان با ازخودگذشتگی بر اثر وظیفه مادری موضوعی است که همواره مورد توجه بوده است، اما امروزه این حقیقت پذیرفته شده است که هیچ جایگزینی برای محبت مادر وجود ندارد و هیچ پرورشگاهی جبران‌کننده احساس، عاطفه، آرامش، نیروبخشی و سایر کارکردهای روانی و عاطفی آغوش مادر نیست.

اجتناب‌ناپذیر بودن اشتغال زنان در جامعه و آثار مثبت آن، از یک‌سو و وظیفه مهم مادری از سوی دیگر، فراهم آوردن تمهیدات لازم جهت رفع پیامدهای منفی ناشی از آن را ضروری می‌نماید. بنابراین، در برنامه‌های صدا و سیما ملی نباید اشتغال زنان بر وظیفه مادری زن غلبه کند. هرچند صدا و سیما ملی در تبلیغات تلویزیونی الگویی انتقادی یا مخرب از نقش مادری ارائه نمی‌دهد، اما حجم کم نمایش الگویی از مادران دارای کودک به‌خصوص در سنین نوزادی و خردسالی، می‌تواند نقش مادری را به حاشیه براند. این رویه به‌ویژه با طرح افزایش مولید و مقابله با تهدید کاهش جمعیت نیز در تناقض است. توجه به کارکرد آموزشی تبلیغات تلویزیونی، تهیه برنامه‌های نمایشی باهدف آموزش شیوه‌های مراقبت از نوزاد و راه‌های نگهداری از کودک در هنگام تبلیغ وسایل موردنیاز کودک در این راستا می‌تواند مفید باشد (ماهنامه حوراء، ۱۳۸۸، ۳۲).



زنان و خانواده است که طرح عالمانه آنها در رسانه‌ها می‌تواند به کاهش اقتدار گفتمانی نظام سرمایه‌داری در این حوزه بیانجامد. بی‌شک تبیین برخی بحران‌هایی که امروز جهان غرب در عرصه مباحث زن و خانواده با آنها روبروست، برای تجربه‌اندوزی، ترسیم آینده روشن و پیشگیری از بحران‌های مشابه آن در ایران و جلوگیری از تأثیرگذاری تبلیغات جذاب و فریبنده رسانه‌های غربی و تشویق به همسان‌سازی با آنان، قابل توجه است. بحران‌هایی نظیر بحران اخلاقی (پورنو گرافی، روسپی‌گری)، بحران خانواده (کاهش میزان ازدواج رسمی، خانواده‌های تک والدینی، خانواده‌های بدون فرزند، افزایش طلاق، از بین رفتن نقش تربیتی پدران، خشونت علیه زنان و بحران هویت زنانه و...) (شفیعی سروستانی ۱۳۹۰، ص ۷۵-۹۶)، صدا و سیما ملی باید این بحران‌ها را به خوبی برای مخاطبان خود تبیین کند تا ناکارآمدی الگوی غربی برای سامان‌دهی مباحث حوزه زن و خانواده آشکار شود.

دوم، انجام بحث‌های نظری درباره نگاه‌های متفاوت اسلام و غرب به مسئله زنان است که هم‌اکنون البته به صورت محدود در برخی از شبکه‌های سیما مانند شبکه قرآن در قالب میزگرد و گفتگو ارائه می‌شود و تأثیرگذاری آن بر طبقه نخبگان و فرهیختگان قابل توجه است، اما باید تلاش شود به صورت یک‌روند برنامه‌سازی و در قالب‌های نمایشی نیز ارائه شود تا برای عموم مخاطبان قابل استفاده باشد. گفتمان‌سازی و همراه کردن افکار عمومی و ادبیات عامه.

۳-۴. تکریم نقش همسری زنان

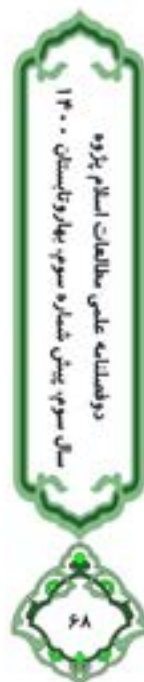
یکی از عوامل مهم تحقق کارکردهای خانواده و تعالی آن، پذیرش نقش همسری توسط زنان است. آموزه‌های اسلامی نیز بر تقویت و حفظ نقش همسری زنان و تفاهم بین همسران تأکید بسیار دارند. از این رو تلاش صدا و سیما ملی، از جمله تبلیغات تلویزیونی باید در جهت ارائه الگوهای رسانه‌ای و هنری در جهت تکریم نقش همسری زنان باهدف توسعه و تقویت آن باشد. ضمن آنکه تخریب نقش همسری زنان نیز نباید به هیچ بهانه‌ای دستمایه تبلیغات صداوسیما قرار گیرد. همچنین صدا و سیما ملی با استفاده از کارکرد الگودهی می‌تواند تصویر مناسب از حضور زنان در خانه نمایش دهد و امتیازات این مسئله را تبیین کند و نقش ارزشمند همسری زن را در رشد همدلی و هماهنگی اعضای خانواده را به تصویر بکشد. به عنوان مثال نشان دهد که اعضای خانواده دورهم جمع شدند و کانون توجه فرزندان و همسر به بانوی خانه است و بانوی خانه از فرصت‌های موجود کنار هم بودن بهترین استفاده را می‌برد؛ فرصت‌هایی نظیر آرامش محیط خانه که موجب آرامش خاطر شوهر و فرزندان می‌شود، انجام باسلیقه و خلاقیت امور خانه، وقت کافی برای عبادت و ذکر، وقت کافی برای مطالعه و تفکر، وقت کافی برای تربیت لحظه‌به‌لحظه فرزندان، لذت بردن از وجود فرزندان در خانه، توجه دائمی به تغییرات روحی و روانی

تفاوت جنسیتی است. آیت ... جوادی آملی بر این که خلیفه الهی به جنس ارتباط ندارد، چنین بیان می‌کند: سلامت معنوی و فضائل مربوط به قلب و جان است و این دو نه مذکرند و نه مؤنث. در رسیدن انسان به حیات طیبه فقط دو چیز نقش دارند: حسن فعلی به نام عمل صالح و حسن فاعلی که همان مؤمن بودن روح است؛ خواه مذکر باشد، خواه مؤنث (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۷۵). با توجه به نقش حساس تربیتی زنان در خانواده و جامعه، یکی از وظیفه‌های مهم صداوسیما ملی و شبکه‌های مذهبی قرآنی اطلاع‌رسانی و تشویق به شیوه‌های جذاب و هنری برای دستیابی زنان به کمالات برتر انسانی است. البته در طرح این موضوع نباید تنها از قالب‌های گفتگو یا بحث‌های کارشناسی متکلم وحده که از نظر به بیننده بسیار ساده و کم‌توجه محسوب می‌شوند، استفاده کرد. این قالب‌ها، بیشتر در نشست‌های کارگاهی و گفتمان برگزار شود.

۴. نقش کرامت زن در پیشبرد اهداف انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب

یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی مسئله کرامت و منزلت زن می‌باشد که ازجمله ابعاد عزت و کرامت ایران به شمار می‌رود. زن در نگاه امام خمینی علیه السلام مبدأ همه خیرات و سعادت است و ایشان زن را باعظمت و کرامت معرفی کردند که سعادت و شقاوت جامعه تا حد زیادی به دست اوست. درحالی‌که در دوران قبل از انقلاب پادشاهان پهلوی نه فقط در عمل به منزلت زن توجهی نداشتند بلکه در گفتارشان نیز زن را فقط محدود در ارضای نیاز جنسی مردان تصور می‌کردند. کرامت زنان با نگاه به پیشرفت‌های همه‌جانبه زنان در انقلاب اسلامی ملموس‌تر شده است

با نگاه به وضعیت زنان در قبل از انقلاب و مقایسه آن با بعد از انقلاب در عرصه‌های مختلف آموزشی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و با اشاره به این مسئله که مسئله کرامت زن ملموس‌تر می‌شود، می‌توان گفت: انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام با تحولی اساسی و ژرف در وضعیت زنان، جایگاه و منزلت آنان را اعتلا بخشید. انقلاب اسلامی جایگاه و منزلت زنان را اعتلا بخشید و در بسیاری از امور، مشارکت آنان را گسترش داد به طوری که توانستند در سرنوشت جامعه نقش آفرین باشند. با توجه به این که دشمن سعی در از بین بردن دستاوردهای انقلاب دارد ولی وظیفه ماست که نقش‌ها و توطئه‌های دشمن را بشناسیم و تا زمانی که دشمن تسلیم نشده مراقب و هوشیار باشیم. ازجمله ثمرات انقلاب اسلامی رشد دینی و افزایش بهره‌های معنوی در جامعه اسلامی است درحالی‌که هدف حکومت پهلوی دین زدایی و مقابله با اسلام بود. به نقل تاریخ، بعد از انقلاب در زمینه دین‌داری رشد پیشرفت زیادی داشتیم ازجمله در عزاداری سیدالشهدا که در زمان پهلوی مانع از عزاداری می‌شدند و بساط روضه‌خوانی و عزاداری را جمع می‌کردند و به‌زعم خودشان با منع عزاداری می‌خواستند مردم را متمدن کنند.



۳-۶. دیدگاه رهبری درباره حضور زنان در جامعه با حفظ نقش آنان در خانواده نقش بی‌بدیل زنان در رشد جامعه در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. از این رو، فراهم ساختن زمینه حضور مناسب زنان در جامعه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و بیان نقش رفیع زن مسلمان در جامعه، با تأکید بر رسالت اصلی زن در خانواده و در قبال همسر و فرزندان، از وظایف مهم صدا و سیما ملی از جمله تبلیغات تلویزیونی است. رهبر انقلاب می‌فرمایند: نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب کمرنگ بشود؛ جبهه انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند به مراتب بیشتر دارد؛ خانم‌هایی که اهل قدم‌اند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتن‌اند، اهل فکر دادن‌اند، صحنه انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با ۱۳۹۲/۲/۲۱ بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی). با پیروزی انقلاب اسلامی زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در همه میدان‌ها، حضوری پرشور داشتند؛ اما به تأکید رهبر معظم انقلاب نقش زنان در انقلاب، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در جنگ، یک نقش تعیین‌کننده بود؛ در دوران آینده هم نقششان ان شاء الله تعیین‌کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. این‌هاست که تأمین‌کننده و تضمین‌کننده این آینده است (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و مسئولان اولین کنگره حجاب اسلامی ۱۳۷۰/۱۰/۴).

حضور زن در جامعه که مستلزم ارتباط گسترده با مردان نامحرم و اختلاط دائمی و غیرضروری آن‌ها با جنس مخالف باشد، از منظر آموزه‌های اسلامی شیوه صحیحی نیست و همان‌گونه که تجربه نشان داده است این امر نه تنها موجب پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود بلکه شخصیت انسانی زن را بازیچه هوس رانی قرار می‌دهد. بر این اساس الگوهایی که در سطح کلان برای تنظیم شکل حضور زن در جامعه در صدا و سیما ملی طراحی می‌شود، باید مبتنی بر این دو ویژگی باشد: نخست اینکه مسئولیت‌ها و وظایفی متناسب با ویژگی جسمی، روحی و جایگاه خانوادگی زن به او سپرده شود و دیگر اینکه شکل و قالب حضور وی در اجتماع سالم و منطقی باشد (مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید، ۳۴۱ - ۳۴۲).

درواقع باید با معرفت افزایی و واقع‌نگری هرگونه تراحم میان عرصه‌های حضور اجتماعی زنان با خانواده کاسته شود و رشد علمی اجتماعی زنان به‌عنوان سرمایه‌ای در خدمت خانواده و در نتیجه جامعه قرار گیرد.

۳-۷. تبیین فضایل اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و کرامت زنان هدف نهایی از آفرینش انسان رسیدن به کمالات معنوی و طی کردن درجات رشد و تعالی روح و رسیدن به مرحله قرب خداوند متعال است. زن می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد. قرآن کریم، کمالات معنوی را شایسته مقام انسانیت می‌داند و آن مقام، منزله از

با بستن کمر همت و خودباوری از آن عبور کرده‌ایم را به زیبایی ترسیم کرده است و چشم‌انداز بعدی انقلاب اسلامی را در چهل‌ساله دوم انقلاب نشان داده است؛ بنابراین زنان نقش بسیار مهم و راهبردی در گام دوم انقلاب دارند که باید به آن توجه ویژه شود. اگر وضعیت قبل از انقلاب و بعد از آن را مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تلاش و خودباوری توانستند در عرصه علم و پیشرفت در کشور جایگاه خود را پیدا کنند و با تمام دشمنی‌هایی که دشمنان در حق زنان قبل و پس از انقلاب اسلامی کردند، امروز ما شاهد حضور زنان در تمام عرصه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستیم. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به نواقصی اشاره کردند و فرمودند یکی از بزرگ‌ترین عیوب ما در عدم استفاده از ظرفیت موجود است اما با این حال حرف اول را در جهان می‌زنیم. این سخن نه تنها نسل جوان را بلکه همه زنان جامعه را باید به فکر بیندازد که چطور ظرفیت‌های موجود را بشناسیم و هوشیارانه در مسیر پیشرفت کشور به کار بندیم چراکه مقام معظم رهبری فرمودند چشم امید ما به جوانان است؛ بنابراین همان‌گونه که در زمینه شناخت ظرفیت‌ها و شکوفایی گام برمی‌داریم، نباید نقش زنان را فراموش کنیم زیرا نقش زنان در گام دوم انقلاب نقشی راهبردی است (بیانیه گام دوم انقلاب).

بدون شک بین زن و مرد از لحاظ گوناگون تفاوت وجود دارد و این تفاوت جنسیتی، مورد تأکید و تأیید اسلام نیز قرار گرفته است و بر استمرار این تفاوت‌ها، بیش از همه در نهاد خانواده تأکید شده است. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: ما زن را در جنسیت خودش - همان‌طور که هست، زن واقعی، مؤنث واقعی - بشناسیم و ببینیم چه ارزش‌هایی می‌تواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است (بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۲/۲/۲۱)؛ اما هرگز نمی‌توان این تفاوت‌ها را کمبود و نقص برای یک جنس و برتری برای جنس مخالف برشمرد. به عبارت دیگر، تفاوت‌های زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال، قانون خلقت با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند به وجود آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۳۶ - ۳۳۷).

به همین دلیل واگذاری مشاغل سنگین و مشقت‌بار بر دوش بانوان و کشاندن آن‌ها به عرصه‌های زیان‌بار و پرخطر با نقش جنسیتی آنان تناسب ندارد. صداوسیما ملی باید زمینه‌های مشارکت زنان را در حوزه‌هایی که با لطافت طبع و ظرافت روحی آنان تناسب دارد، فراهم کند و راه را بر توسعه تفکر تبعیض‌آلود، بی‌منطق و خشک که با بی‌پروایی هر نوع اختلاف در جسم و روح زن و مرد را منکر شده و شعار یکسان‌سازی در همه عرصه‌ها را سر می‌دهد، مسدود نماید. به فرموده رهبر معظم انقلاب گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، یکی از آن‌ها مردواره کردن زن، یعنی زن را شبیه به مرد قرار دادن است. مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند (بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۲/۲/۲۱).

تبیین شایسته و منطقی از مفهوم برابری میان زن و مرد بر اساس حقوق و تکالیف واقعی آن‌ها که در آیات و روایت‌ها بدان اشاره شده در این زمینه راهگشا است. در بیانیه دوم گام انقلاب مقام معظم رهبری مباحث بسیار مهمی را مطرح کرده‌اند که مسیر پیشرفت و چشم‌انداز کشور اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی را در چهل‌ساله دوم انقلاب نشان می‌دهد. بیانیه گام دوم انقلاب به قدری جامع و کامل است که حتی حضرت آقا در آن اشاره‌ای به گذشته داشتند و فرمودند برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست بشناسیم. برداشت من از این جمله این است که ما زنان نباید ناامید باشیم. ناامیدی برای یک ملت و ترس از آینده سم بسیار مهلکی است که جلوی پیشرفت ملت‌ها را می‌گیرد.

در بیانیه دوم گام انقلاب مقام معظم رهبری مباحث بسیار مهمی را مطرح کردند که جوانان و نوجوانان کشور را با گذشته انقلاب اسلامی آشنا کرده و شرایط سختی که

منابع

- قرآن کریم.
۱. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، گناباد، مرنديز، ۱۳۵۳.
 ۲. آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، قابل دسترسی در پایگاه تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به نشانی: Khamenei.ir.
 ۳. بی‌نام، زن، خانواده، رسانه، ماهنامه حوراء. ش ۳۲، ۱۳۸۸.
 ۴. پیشوایی، فریده و مریم رضایی، حجاب و عفاف در سیما؛ آسیب‌ها و راهکارها، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۶.
 ۵. تشکری، زهرا، زن در نگاه روشنفکران، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۱.
 ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، بی‌تا: رجاء، ۱۳۷۴.
 ۸. دادگران، سید محمد، مبانی ارتباط جمعی، تهران، فیروزه، ۱۳۷۴.
 ۹. رجبی، محمود، انسان‌شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.
 ۱۰. سبحانی، محمدتقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات تحقیقات زنان، ۱۳۸۵.
 ۱۱. شفيعی سروسرستانی، ابراهيم، زن: نظام سلطه و رسانه‌ها، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۹۰.
 ۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴.
- ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه و تحقیق: علی کرمی. تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰.
 ۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
 ۱۵. عباسی، محسن، سبک زندگی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها، فصلنامه تخصصی مطالعات جوان و رسانه، ۹، ۱۳۹۲.
 ۱۶. عباسوند، فریبا، صدا و سیما و بحران نقش‌های جنسیتی در خانواده بازتاب اندیشه، شماره اول، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۹.
 ۱۷. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن. تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.
 ۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام. تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
 ۲۰. مرکز طرح و برنامه‌ریزی سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، اهداف، محورها، اولویت‌ها و سیاست‌های تولید، تأمین و پخش. تهران: مبلغان، ۱۳۸۴.
 ۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
 ۲۲. محبی، سیده فاطمه، ردپای سطحی‌نگری در رسانه‌ها، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۰.
 ۲۳. واعظی، احمد، انسان از دیدگاه اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۷.



نتیجه‌گیری

قرآن کریم، برای زن کرامت و ارزش ویژه‌ای قائل شده است. وحدت هویت و بعد انسانی زن و مرد در آفرینش، برابری زن با مرد در کرامت ذاتی، برابری زنان با مردان در ایمان و امور عبادی (کرامت اکتسابی)، توصیه در مورد زنان در نقش همسری و تأکید بر لزوم احترام به مادر، ازجمله شواهد این مدعا است. از سوی دیگر به جهت کارکرد آموزشی و الگودهی رسانه‌ها امروزه یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از سوی رسانه‌ها، حوزه زن و خانواده است. در کشور ما وضعیت زنان و خانواده با حاکمیت گفتمان اسلامی پیوند دارد و زن به‌عنوان نیمی از پیکر جامعه و رکن اصلی خانواده، همواره کانون توجه اندیشمندان و متفکران جامعه اسلامی بوده است. در این میان صداوسیما ملی به‌عنوان یک‌نهاد فرهنگ‌ساز که تحت حاکمیت اسلامی قرار دارد، کارکردهای ویژه‌ای ازجمله بسترسازی و فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت رسیدن زن به جایگاه واقعی که چارچوب آن در آموزه‌های دین مبین اسلام مشخص شده دارد و بدیهی است که برای رسیدن به این هدف راهبردهایی را در پیش گیرد. ازجمله این راهبردها می‌توان به توجه به بعد انسانی زن، الگوسازی جهت تبیین اهمیت و تکریم نقش همسری زنان، باور به وجود تفاوت بین زن و مرد و تقویت ویژگی‌های زنانه، باور و تشویق به حضور جدی و مؤثر زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در کنار توجه به وظیفه مادری در خانواده، اشاره کرد. به مؤلفه‌های تکریم زن در قرآن با توجه به آیات و روایات باید توجه جامع و کامل شود و همچنین موانع و آسیب‌های که در تبلیغات صداوسیما وجود دارد که نمی‌گذارد کرامت واقعی زن مسلمان نمایان شود باید برطرف شود و راهکارهای تحقق تکریم زن که از سوی کارشناسان مربوطه داده می‌شود باید در تحقق کرامت زن در صداوسیما عملی شود.

جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

سیده زهرا عابدیان^۱

چکیده

جمعیت و فرزند آوری، ارزش بالایی در استحکام و توسعه یک تمدن دارد. برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی، تربیت نسلی است شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور. تحقق عینی چنین تمدنی با پرورش نسلی جوان میسر خواهد بود. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطفی در جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد تمدنی نوین، نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته است. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، نیروی انسانی مستعد، نقشی کلیدی در تشکیل امت اسلامی؛ قدرت بخشی اقتصادی، دفاعی-امنیتی و سیاسی کشور ایفا کرده و شرایط لازم جهت تشکیل امتی نیرومند را فراهم می‌آورد. با عنایت بر آسیب‌های وارده بر اثر کاهش جمعیت بر امت اسلامی، توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری به‌عنوان ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط، می‌تواند مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار نموده و شاهد پیشرفت قابل‌توجهی در این امر بود.

واژگان کلیدی: فرزند آوری، جمعیت، تمدن نوین اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب

۱. دانش‌آموخته سطح دو، حوزه علمیه عالی حضرت آمنه (علیها السلام) قم و کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل
s.z.abedian@gmail.com

طباطبایی

- نقش و جایگاه جمعیت ایران در تمدن نوین اسلامی، ترابی، کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب.

- واکاوی جایگاه جمعیت در اسلام و نگاهی به جایگاه آن در نظام اسلامی، فولادی، معرفت فرهنگی اجتماعی.

در کتب و مقالات نام برده شده، به بحث جمعیت، اهمیت افزایش آن و تبعات کاهش آن در پیشرفت و ترقی جامعه اسلامی اشاره شده است. مقاله حاضر، به صورت منسجم تر به بحث جایگاه افزایش جمعیت و فرزند آوری در جهت دستیابی بر غایات و اهداف گام دوم انقلاب که غایت اصلی آن ایجاد تمدن اسلامی است، پرداخته خواهد شد که در متون اشاره شده، بر این منظر کمتر توجه شده است.

با توجه به افزایش روحیه راحت طلبی و مسئولیت ناپذیری در تربیت فرزند؛ تهاجم فرهنگی و تغییر سبک زندگی (تجمل گرایی)؛ رواج تفکرات فمینیستی؛ مشکلات اقتصادی و توطئه و مکر دشمنان، صدمات جبران ناپذیری در تفکر و اعتقاد بر ازدیاد نسل در میان اعضای خانواده ایجاد شده است. تحلیل و بررسی فواید فرزند آوری و تأثیر آن بر قدرت سیاسی، اقتصادی، دفاعی و... به عنوان مؤلفه‌های اساسی بر تشکیل تمدن نوین اسلامی، می تواند قدمی باشد در تغییر نگرش ها و توجه به ازدیاد نسل در اذهان عمومی.

در پاسخ به اینکه جایگاه جمعیت در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر گام دوم انقلاب چیست، مقاله حاضر ابتدا با اشاره بر نقش جمعیت و فرزند آوری در اسلام، جایگاه تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم و نقش جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی، به شیوه توصیفی - تحلیلی می پردازد.

۱. نقش جمعیت و فرزند آوری در اسلام

جمعیت به عنوان اساس و پایه تشکیل سرزمین، از جمله موضوعاتی است که در عصر حاضر توجه زیادی را به خود معطوف کرده است. بررسی بحث جمعیت و فرزند آوری در دین اسلام به عنوان شریعتی که دارای تعالیم کامل و جامع می باشد، حائز اهمیت است. توجه به آیات و روایات و نظر علمای دینی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به موضوع جمعیت و فرزند آوری پرداخته اند، نمایانگر اهمیت و تأکید بر بنیان خانواده و جمعیت مطلوب در دین اسلام است.

۱-۱. جمعیت و فرزند آوری در آیات

قرآن کریم به صورت صریح و مستقیم امر به فرزند آوری نکرده است، اما تأمل در بسیاری از آیات و توجه به تفاسیر و مفاهیم آنها این یقین را ایجاد می کند که ازدیاد نسل امری مطلوب و پسندیده است. از جمله مواردی که می توان به آنها اشاره کرد،

مقدمه

قدرت و رشد هر جامعه در ابعاد مختلف آن؛ نظامی، اقتصادی، سیاسی و ... منوط و وابسته به میزان و تعداد افراد آن جامعه است. موضوع جمعیت و فرزند آوری پدیده مهمی در جامعه بوده و ارزش بالایی در استحکام و توسعه یک کشور دارد. در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب، به صورت ویژه بر این امر خطیر توجه داشته و بیانات فراوانی در نقد کاهش جمعیت و ضرورت توجه بیش از پیش بر این مسئله داشته‌اند.

اهمیت این موضوع تا بدان جاست که در آیات و روایات بسیاری به این موضوع اشاره شده و مورد مدح قرار گرفته است. سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و علمای دین نیز به صورت نظری و عملی بر این منوال بوده و متخصصان رشته‌های مرتبط به این مسئله، بر مسئله ازدیاد نسل و فرزند آوری، تأکید داشته‌اند.

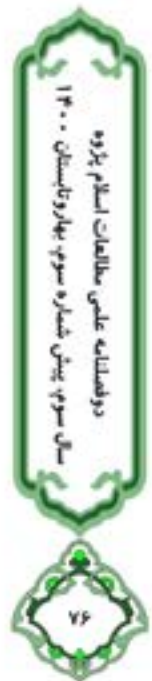
فرزند آوری، علاوه بر آنکه آثار و برکات قابل توجهی در بعد روحی-جسمی خانواده دارد، مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی آینده جامعه و عامل پیشرفت، افزایش ثروت، نیرومندی و اقتدار حکومت می‌گردد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطفی در جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد تمدنی نوین، در اسلام گام برداشته است. این بیانیه با تبیین متفاوت، در عین نوآوری و خلاقیت، با بهره‌مندی از رویکردی تاریخی و مستند و با روایتی زیبا و خوش ساخت از اصل انقلاب اسلامی، چالش‌ها، بحران‌ها، عبرت‌ها، دستاوردها و ظرفیت‌ها، با روند پژوهی سیر به سوی تمدن نوین اسلامی و تکیه بر شناخت مزیت‌های کلیدی و الزامات جهش در چله دوم انقلاب، ضمن تجویز راهبردهای اساسی، با تصریح به الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نویدبخش تحولات عمیق و گسترده‌ای است. بیانیه گام دوم، اهمیت بحث در خصوص فرزند آوری و ازدیاد نسل را بیش از پیش افزایش داده است. از جمله اهدافی که در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره فرموده‌اند، عبارت‌اند از: علم و پژوهش، عدالت، عزت ملی، استقلال و آزادی، اقتصاد و ... در تمام موارد مورد اشاره، جهت دستیابی به نتیجه مطلوب، نیازمند حضور جمعیتی پر قدرت و انرژی می‌باشیم.

موضوع فرزند آوری و جایگاه آن، با آغاز تشکیل حکومت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در گذر زمان تحقیقات و پژوهش‌هایی در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقالات و کتبی که در این راستا به نگارش درآمده‌اند، عبارت‌اند از:

- جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش‌ها، صادقی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های آسیا و اقیانوسیه.

- کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، حسینی تهرانی، علامه



می‌فرماید؛ و فرزندانشان را نکشند بر وجهی از وجوه نه زنده‌به‌گور کنند و نه سقط جنین نمایند (مترجمان، ۱۳۶۰، ج ۹، ص ۴۶۴).

در آیه ۱۵۱ سوره انعام از کشتن کودکان به دلیل گرسنگی نهی می‌کند. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِهْلَاقٍ»؛ آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه بر حرمت قتل حتی در دوران جنینی اشاره می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «از این آیات برمی‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده‌به‌گور می‌کردند بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند خداوند در این آیه آن‌ها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده و از این کار باز می‌دارد. با نهایت تأسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود و به‌عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق «کورتاژ» به قتل می‌رسند. گرچه امروز برای سقط جنین دلایل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مسئله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلایل عمده آن است. این‌ها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و «جاهلیت قرن بیستم» حتی در جهانی وحشتناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۳۴).

۱-۲. جمعیت و فرزندآوری در روایات

در روایاتی که از لسان مبارک اهل بیت (علیهم‌السلام) جاری شده است، می‌توان بر اهمیت موضوع ازدیاد نسل و فرزندآوری دست‌یافت. برخی از روایات که در این موضوع نقل شده‌اند، عبارت‌اند از:

– عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): أَكْثَرُوا الْوَلَدَ، أَكْثَرُ بِكُمْ الْأُمَمُ غَدًا، أَوْلَادُ وَفِرْزَانَتَانِ رَا زِيَادَ كْنِيْد چِرَاكِه رُوْز قِيَامَت بِأَكْثَرِ اْمْت خُوْدَم بِر سَايِر اْمَم مُوَاْجِه مِي‌بَاشُم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۳۲۸). كَثْرَت فرزند موجب كَثْرَت اْمْت و فخر و مِبَاهَات رَسُوْل خُدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در قِيَامَت مِي‌شُوْد.

– وَ قَالَ: تَنَآكُحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ؛ از دواج كنيد و فرزند بياوريد. مَن به‌وسيله شما، حَتِي فرزندَان سَقَط شُدِه شما، در رُوْز قِيَامَت بِر اْمَت‌ها مِبَاهَات مِي‌كَنَم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)؛ اْهِمِيَت داشْتَن فرزند بِه حُدِي اِست كِه پيامبر اكرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرزندَان سَقَط شُدِه (بِه‌صُورَت شرعی و خَارِج از اِختِيَار) اْمَت را نِيْز باعْث فخر و مِبَاهَات دانِستِه‌اَنْد.

– وَ عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مِنْذُ خَمْسِ سِنِينَ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى فَكَتَبْتُ عِ الْإِلَى أَطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ

عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. فطری بودن تمایل به فرزند آوری

در اثبات فطری بودن تمایل به فرزند آوری، همین بس که انسان‌هایی که از موهبت داشتن فرزند محروم هستند، تمام تلاش خود را برای داشتن راه جایگزین از جمله داشتن فرزندخوانده می‌کنند. از جمله مصادیق این مورد آیه ۲۱ سوره یوسف است که عزیز مصر پس از خرید حضرت یوسف (علیه السلام)، به همسر خود می‌گوید: «اَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ اَنْ يَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا؛ تا در اینجاست گرامی‌اش بدار، شاید به ما سودی برساند، یا او را به فرزندى بپذیریم». از این جمله چنین استفاده می‌شود که عزیز مصر فرزندى نداشت و در اشتیاق فرزند به سر می‌برد، هنگامی که چشمش به این کودک زیبا و برومند افتاد، دل به او بست که بجای فرزند برای او باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۸).

۱-۱-۲. موهبت الهی بودن ازدواج و فرزند

ازدواج، امری مقدس، مبارک و واجب است. خداوند متعال در آیه ۷۲ سوره نحل می‌فرماید: «وَاللهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً؛ خدا برای شما از میان خودتان همسرانی قرارداد و از همسرانتان فرزندان و فرزند زادگان پدید آورد». از جمله نعمت‌های پروردگار آن است که توالد و تناسل سلسله بشر را این چنین مقرر فرموده، در آغاز حوا را آفرید و در اثر ازدواج با آدم ابوالبشر (علیه السلام) فرزندان پسر و دختر از آن دو به وجود آمد و در هر مرتبه از توالد فرزندان پسر و دختر می‌آفریند و با یکدیگر ازدواج نموده انس گیرند و ایتلاف یابند و بدین اساس نسل بشر در جهان باقی بماند، فرزندان پسر نواده و فرزندان دختر حفیده و نواده دختری نامیده می‌شوند، این بزرگ‌ترین نعمتی است که آفریدگار ارزانی فرموده و چنانچه بشر از آن اعراض نمایند و رابطه سببی و ازدواج را نادیده بگیرند، نسل بشر قطع می‌شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۴۹۱).

۱-۱-۳. فرزند به عنوان یار و مددکار

در قرآن کریم فرزند به عنوان امداد، یار و مددکار انسان معرفی شده است. در آیه ۱۲ سوره نوح آمده است: «وَيُؤَدِّكُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِينَ؛ و شما را به اموال و فرزندان مدد کند». کلمه امداد «به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند، اموال و فرزندان نزدیک‌ترین کمک‌های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف‌های خویش است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۵).

۱-۱-۴. حرمت سقط جنین

آیه ۱۲ سوره ممتحنه و آیه ۱۵۱ سوره انعام از جمله آیاتی هستند که قتل فرزند ولو به روش سقط جنین را نهی کرده‌اند. مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «وَلَا يَقْتُلَنَّ اَوْلَادَهُنَّ»

زمانی که جمعیت یک کشور رو به اضمحلال باشد، در خصوص فرزند آوری صحت حکم حکومتی سازگاری دارد، زیرا چنین حکمی دخالت در حریم خصوصی اشخاص نیست، چون منافع جمع و مصلحت نظام در میان است؛ درواقع مخالف با نص شرعی نیست، چراکه حکم فرزند آوری فی نفسه نه واجب است و نه حرام، بلکه مستحب است. بنابراین، الزام افراد بر باروری و فرزند آوری از جانب حاکم شرع تصرف در سلطنت افراد تلقی نمی‌شود، زیرا در زمان غیبت، قوام جامعه‌ی اسلامی به ولایت ولی امر مسلمین بستگی دارد؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء: ۵۹). بنابراین، ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط می‌تواند از تکثیر نسل در منطقه‌ای از جامعه اسلامی به صورت موقت ممانعت کند، یا گاهی به خاطر کاهش جمعیت مسلمانان در یک منطقه، حکم به افزایش جمعیت دهد. (ر.ک قنبر پور، بهنام، پژوهشی بر قلمرو اختیارات حکومت اسلامی و تدابیر آن در جلوگیری از کاهش نسل / مظاهر، معصومه، فواعد ناظر بر تکثیر موالید، موسوی، سید حسن، حکم ثانوی فرزند دار شدن)

۲. جایگاه تمدن نوین اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تمدن سازی، ازجمله موضوعاتی است که در دهه اخیر در جهان اسلام رونق قابل توجهی داشته است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان آغازگر تجدید حیات تمدن نوین اسلامی برای امت اسلامی و جوامع اسلامی پیام احیای هویت اسلامی و بازگشت به تمدن و فرهنگ اسلامی را به ارمغان آورده است و در این مسیر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی را مورد توجه قرار داده است. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه گام دوم دارای آموزه‌ای جامع و کامل است. بیانیه به صورت شفاف آرمان بزرگی را برای انقلاب اسلامی با عنوان «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بیان می‌کند. به عبارتی هدف غایی انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی بیان می‌کنند. بررسی نکاتی در این خصوص، ضروری است.

۱-۲. عقلانیت اسلامی، مبنای تمدن نوین اسلامی

عقلانیت، پایه و اساس تشکیل هر تمدنی است و انحطاط آن موجب ازهم گسیختگی تمدن می‌شود. تعاریف گوناگونی از عقل و عقلانیت وجود دارد؛ اما تاروپود فرهنگ با «عقلانیت اسلامی» تشکیل شده است و بدون آن نمی‌توان تمدن نوین اسلامی را بنا کرد. آنچه در تمدن اسلامی دنبال می‌شود دارای تفاوت‌های فراوان با دیدگاه‌های سنتی و جدیدتر می‌باشد. ازجمله خصوصیات اصلی تمدن با رویکرد اسلامی، توسعه در جهت بسط عبودیت است. بر اساس این مفهوم، رفاه، آزادی، تعامل و اشتراک همگانی در مسیر

(کلینی، ۱۴۰۷، ۶/۳)؛ بکر بن صالح می گوید در نامه ای به امام موسی کاظم (علیه السلام) نوشتم که مدت ۵ سال است از فرزند آوری خودداری کرده ام به خاطر اینکه همسرم تمایلی به این کار ندارد و می گوید تربیت فرزند با وضعیت فقر ما سخت است، امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند فرزند بیاور خداوند روزی آن ها را می دهد.

- امام رضا (علیه السلام): چون خدا خواهد به بنده ای خیری دهد، نمیرد تا فرزند خود را ببیند و روایت است هر که بی اولاد بماند و بمیرد چنان است که در میان مردم نبوده و هر که بمیرد و فرزندی بگذارد چنان است که نمرده (میرباقری، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۱۹).

این احادیث و احادیثی از این قبیل باهدف تشویق و ترغیب بر فرزند آوری، نشان دهنده اهمیت جایگاه فرزند آوری در دین مبین اسلام است که نباید از این مهم غافل شد.

۳-۱. فرزند آوری از منظر فقه

آیات و روایات مورد بحث نشان گر اهمیت و تأکید بر فرزند آوری و افزایش جمعیت در آموزه های اسلامی است. افزایش نسل در سبک زندگی اسلامی، تابع شرایط خاصی نیست، بلکه به حکم اولی، در تمام زمان ها (عصر و صنعتی) و در همه شرایط (توانمندی یا تهیدستی)، مستحب مؤکد است. از این رو، دستور به تکثیر نسل همواره به عنوان یک راهبرد معقول به منظور دستیابی به اهداف متعالی اسلام، به قوت خود باقی است (ملکوتی نیا و روزبهانی، ۱۳۹۷، ص ۵۶).

از ادله ی جواز پیشگیری از فرزند آوری می توان به اصل اباحه و قاعده ی سلطنت اشاره کرد، زیرا اصل بر مباح بودن چنین عملی است و بنا بر اصل سلطه ی هر کس بر اعضاء و جوارح خود، انسان می تواند از انعقاد نطفه ی خود جلوگیری کند؛ یعنی انسان مالک رحم و نطفه ی خود نیز است (قنبر پور، ۱۳۹۴، ص ۲۲۰)؛ بنابراین با توجه به آیات و روایات، در حالت عادی و طبیعی، باقی گذاشتن نسل امری مطلوب و راجح بر هر مسلمانی است و نه امری لازم و واجب.

با توجه به اینکه برخی نیازهای انسان ثابت و در همه اعصار موجود است، دین اسلام احکام خاص و ثابتی را برای این نیازها قرار داده است؛ اما باید دانست در گذر زمان و بر اساس مصالح و مفاسد، برخی نیازهای انسان دائماً در حال تغییر و تحول می باشد. جهت حل مسائل پیش آمده در موضوعات این چنینی، اسلام به حاکم جامعه اسلامی این اختیار را داده است تا با لحاظ مصلحت جامعه، احکام حکومتی را صادر کرده و به اداره جامعه اسلامی بپردازد.

اضطراب، عسر و حرج، یا کاهش جمعیت مسلمانان، از جمله مواردی است که می تواند به دستور حاکم جامعه اسلامی (حکم حکومتی)، حکم وجوب یا حرمت به خود بگیرد.

۲-۲. تمدن سازی در کلام مقام معظم رهبری

در بیان مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی، فضایی است که در آن انسان به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.

از منظر ایشان هدف نهایی انقلاب اسلامی، دستیابی و نیل به تمدن نوین اسلامی است که برای دستیابی به آن باید ۵ مرحله اساسی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی سپری شود. معظم له در این رابطه می‌فرماید: «...یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ ... حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است» (۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

ایشان، گام نهایی در مراحل پنج‌گانه‌ی اهداف انقلاب اسلامی را تحقق «تمدن اسلامی» دانستند و خاطرنشان کردند: «تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است» (۱۳۹۵/۰۲/۰۶). امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر ﷺ یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره‌ی بشریت فکر می‌کنند و عمل می‌کنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملت‌ها است تا ملت‌ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۰۸/۱۰).

مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی ایران را نمونه بارز تحقق در پیشبرد تمدن نوین اسلامی می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی یک نمونه است، یک منطقه‌ی آزمایش و یک آزمون است برای دنیای اسلام» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی؛ ۱۳۹۴/۱۰/۰۸). «هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت به جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که



تمدن سازی باید به گسترش بندگی و عبودیت در تمامی ابعاد و لوازمش منجر شود (عرفان، ۹۱، ۷۰). الهی یا قدسی بودن یک تمدن، سبب نمی‌گردد که کارکرد دنیوی و این جهانی آن تمدن از دست برود. یک تمدن، چه سکولار و چه اسلامی، نمی‌تواند خود را از زندگی دنیوی و امورات این جهانی فارغ کرده و با تمرکز صرف بر مسائل آن جهانی، داعیه تمدن داشته باشد. در اسلام، غایت بندگی در ارتباطی وثیق با فعالیت دنیوی است و لازمه شریعت اسلامی برای دستیابی به غایت بندگی این است که با حفظ زندگی دنیوی و از متن همین زندگی، مسیر سیر و سلوک دنبال شود (همان).

تمدن غرب، فقط همین بعد از عقلانیت را میپذیرد و به همین عقلانیت ابزاری که ثمره‌اش تکنولوژی است، بسنده کرد؛ درحالی‌که عقلانیت اسلامی، هم به زیست مادی بشر توجه دارد و هم به زیست معنوی او؛ بر همین اساس است که عقلانیت اسلامی، تمدن غرب را به چالش کشیده است. در عقلانیت ابزاری، تنها بعد مادی برجسته است، درحالی‌که در عقلانیت مدنظر اسلام عقل فقط در خدمت تنظیم وسیله باهدف نیست، بلکه در تعریف خود هدف نیز باید عقل، حجت و ناظر باشد. در تمدن نوین اسلامی نیز، این عقل جایگاه دارد، اما افزون بر این عقل ابزاری یا عقل معاش، عقل معاد نیز مدنظر است (فرزانه و خیاط و صفر پور، ۹۷، ص ۱۹۸).

مقام معظم رهبری عقلانیت و خردورزی را مهم‌ترین هدف رسالت پیامبر اکرم ﷺ دانسته و آن را شاخص بارزی در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: «برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود» (بیانات مقام معظم رهبری درعیدمبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

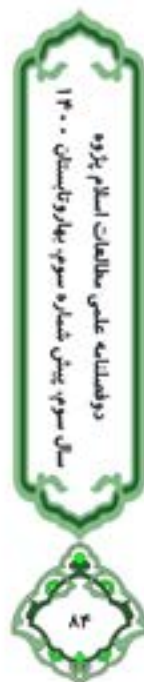
عقلانیت اسلامی، الگوی فکری جامعی است که هم خلوص دین را حفظ می‌کند، هم ارزش‌ها و اصولی را که در گذشته موجب اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی گردیده است، لحاظ می‌نماید، هم تأثیر ذهنیت انسانی و عادات و رسوم بشری و ملی از فهم متون دینی را خردمندانه موردنقد قرار می‌دهد و هم تجربه‌ها و اندوخته‌های ارزشمند انسانی را موردتوجه قرار می‌دهد، چنان‌که در راه روی هیچ نوع علم و آگاهی نمی‌بندد، از منابع متعدد معرفتی نیز بهره می‌جوید، از تقلید و پیروی کورکورانه به شدت می‌پرهیزد. تعصب، جزمیت، انحصارگرایی و پذیرش بدون دلیل را مخالف آرمان متعالی خویش تلقی می‌کند و «تعالی» جامع انسانی اعم از حوزه‌های مادی و معنوی او را در سایه آموزه‌های هدایت بخش دینی سرلوحه برنامه و هدف خویش قرار می‌دهد؛ ازاین‌رو تمدن نوین اسلامی مبتنی بر این نوع عقلانیت است و احیای این نوع عقلانیت، موجب احیای تمدن نوین اسلامی می‌شود و البته به حاشیه راندن و تغافل از این عقلانیت، سبب ضعف و انحطاط تمدن اسلامی می‌گردد (سعادت، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹).

ب) بخش حقیقی تمدن

مراد از بخش اصلی تمدن و اساسی آن سبک زندگی است. در حقیقت همه ارزش‌های پیش‌گفته در بخش ابزار تمدنی، وسایلی برای صحیح زندگی کردن است. در حقیقت هدف اصلی تمدن چگونه زندگی کردن است که همان سبک زندگی است (فاکر میبیدی، ۱۳۹۹، ۷). مقام معظم رهبری بخش اصلی تمدن را خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار می‌داند. ایشان می‌فرماید: «رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی؛ ۹۱/۰۷/۲۳).

معظم له در تکمیل بحث خود در خصوص بخش اصلی تمدن و نقش آن می‌فرماید: «این‌ها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول دریاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست. خب، می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد» (همان). درواقع هدف از تبیین الزامات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و فرهنگی، ناظر به پیاده‌سازی و تحقق عینی تمدن اسلامی است که با نگاهی فرآیندی به نظام تعلیم و تربیت دینی میسر خواهد بود؛ به این معنا که باید تمام فرآیندهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و طراحی و حلقه‌های لازم برای اجرای طرح تمدن دینی تکمیل شوند (خیری، ۹۱، ص ۵۶).

رهبری معظم، با بررسی عملکردهای صورت گرفته در بخش ابزاری و حقیقی می‌فرماید: در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است؛ اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح



این حرکت در کشور آغاز شده؛ ...؛ یعنی یک ملّتی، یک حرکتی، یک هویتی به وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به‌جایی برسد؛ ما در یک چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها؛ ۹۴/۰۴/۱۳).

ایشان برای تحقق هر تمدنی، دو شرط اساسی مطرح می‌کنند که در رأس آن تولید فکر قرار دارد و دیگری، پرورش و تربیت نیروی انسانی لازم است (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه؛ ۷۹/۰۷/۱۴). در نگاه ایشان، راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی تربیت نسلی است با یک خصوصیات که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجّه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «اعز الله جمعتک»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی (بیانات رهبر انقلاب در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۰۷/۲۸).

۲-۳. بخش‌های تمدن نوین اسلامی

رهبر معظم انقلاب در نظریه تمدن نوین اسلامی، تمدن را با پیشرفت همه‌جانبه مساوی دانسته‌اند. ایشان در این خصوص فرمودند: ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن نوین اسلامی بگیریم، یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. این تمدن نوین دارای دو بخش است: یک؛ بخش ابزاری؛ و دوم؛ بخش متنی و اصلی و اساسی (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی؛ ۹۱/۰۷/۲۳).

الف) بخش ابزاری تمدن

مراد از بخش ابزاری تمدن، مجموعه اموری است که در تحقق تمدن نقش دارد که به‌عنوان وسیله ایفای نقش می‌کنند و هدف اصلی نیستند. به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای بخش ابزاری تمدن عبارت‌اند از: علم، اختراع، صنعت، اقتصاد، سیاست، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ و نظایر آن‌که همه آن‌ها وسیله است (همان).

و حرکت باهدف تشکیل امت واحده، به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که درنهایت، نویدبخش تشکیل امت واحده اسلامی باشد (همان). با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛ اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم‌دست به تعرض زنند، باهم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه زنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم‌دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آن‌هایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن‌کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله‌ی بالاتر هم این است که همه‌ی دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام. این‌ها مراتب وحدت است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۲۴/۰۸/۹۸).

آنچه واضح است این است که امت اسلامی با وحدت و اتحاد میان اعضای خود معنا و مفهوم می‌یابد. اعضای یک امت و به عبارتی جمعیت تشکیل‌دهنده امت دارای آثار عظیم و منشأ بسیاری از امور است.

رهبر معظم انقلاب در خصوص ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در بیانیه گام دوم انقلاب به این نکته اشاره می‌فرماید که انقلاب پرشکوه ملت ایران، «بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین» انقلاب عصر جدید است (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۱). در بخش دیگر از بیانات خود در مورد برداشتن گام‌های استوار در آینده که در راستای امت‌سازی قدرتمند است، جوانان را خطاب قرار داده و از آن‌ها دعوت می‌کند تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز نمایند (همان: ۱۶). اشاره و تأکید معظم له بر مردمی بودن انقلاب و نقش جوانان در تحقق تمدن نوین اسلامی، بیانگر حائز اهمیت بودن بحث جمعیت در تحقق و ثبات امت‌سازی است. هر چه افراد بیشتری در تحقق یک امت و تمدن دخیل باشند، درصد انحطاط و ضربه‌پذیری آن تمدن کاهش خواهد یافت و هرچه جمعیت موجود نیروی جوان باشد، اهداف موردنظر در تحقق تمدن، با سرعت و انگیزه قابل توجهی پیش خواهد رفت.

جهان اسلام با جمعیتی بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر پس از جهان مسیحیت، دومین جمعیت بزرگ مذهبی است. از نظر میزان گسترش جمعیت مسلمانان

کنیم (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی؛ ۹۱/۰۷/۲۳).

مقام معظم رهبری موضوع تمدن نوین اسلامی را که سالیان متمادی به آن اشاره کرده و مورد توجه قرار می‌دادند، در چهلمین سالگرد شکوهمند انقلاب اسلامی، در قالب بیانیه گام دوم انقلاب نظم و انسجام بخشیده؛ مباحث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تشکیل تمدن نوین اسلامی به صورت پایاپای و هم‌تراز مورد توجه قرار گرفته و شاکله اصلی تشکیل تمدنی اسلامی، عزتمند، پرافتخار و الگوساز را برای تمام جوامع ترسیم نمودند. پیشرفت همه‌جانبه در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، نیازمند نیرو و جمعیت پرتوان و مقتدر است که با تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه، در پیشبرد این هدف والا گام برداشته، تمام موانع و آسیب‌های موجود در این مسیر را رفع نموده و شاهد تحقق تمدنی نو و اسلامی در جوامع اسلامی و دیگر جوامع باشیم.

۳. نقش جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی

هر تمدنی برای شکل‌گیری، نیازمند سرزمین است. از جمله عواملی که برای تمدن سازی مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از عوامل دفاعی و سیاسی، علمی- پژوهشی، اقتصادی و... . بالطبع لازمه دستیابی به عوامل مذکور، حضور جمعیتی قوی و مقتدر در سرزمین است تا بتوان به وسیله این جمعیت، به هدف اصلی که تشکیل تمدنی نو و عزتمند است، دست یافت. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. معظم له در بیانیه فرموده‌اند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است ... این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۳۱). در ذیل برخی از عوامل تشکیل‌دهنده یک تمدن و نقش جمعیت بر آن‌ها بررسی می‌گردد.

۱-۳. نقش جمعیت بر امت سازی

تمدن نوین اسلامی چشم‌انداز مشترک امت اسلامی است که برای دستیابی به آن، فرایندی قابل‌شناسایی است که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و امت اسلامی، مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. از این رو، نظام سازی و امت سازی، دو مؤلفه مهم اسلام و تمدن اسلامی است (فولادی و حسینی، ۱۳۹۸، ص ۶۶).

امت مفهومی منحصر به فرد است. در قرآن کریم، مفاهیم اجتماعی متعددی مانند امت، قوم، قبیله، حزب و... به کار رفته است که نشان‌دهنده توجه به زندگی اجتماعی انسان و جوامع بشری است (قاسمی و بهزادی و حسینی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۲۹)؛ بنابراین می‌توان گفت؛ مراد از امت اسلامی، گروه وسیعی از مردم است که تحت رهبری و هدایت مشترک هستند و به سوی هدفی واحد در حرکت‌اند (بیدالله خانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۱۷). وحدت امت اسلامی

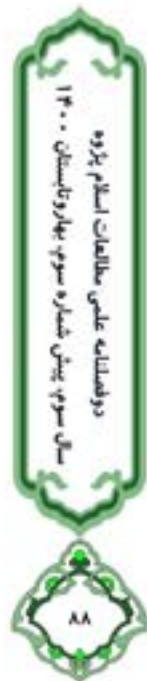
به عنوان مهم ترین عامل مشخص شده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است، چراکه پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی انسانی فاقد کارایی است، امروزه تحولات و رشد بهره وری نیروی کار موجب ارتقای سازمان ها و به تبع آن توسعه اقتصاد می شوند. در همین راستا تأمین شرایط و فعال سازی امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد، از راهبردهای تحقق اقتصاد مقاومتی است (محمودی، ۱۳۹۷، ۲). توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری مردم در اقتصاد کشور، افزایش بهره وری، ایجاد فرصت های سرمایه گذاری، افزایش تولید داخلی، مدیریت مصرف و افزایش ارزش افزوده به عنوان اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی هستند، بنابراین تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه توسعه کارآفرینی، مشارکت حداکثری آحاد جامعه، بهبود فضای کسب و کار، ارتقای آموزش و مهارت منابع انسانی، بهبود الگوهای مصرف مردم و درواقع به طور کلی بهبود وضعیت سرمایه انسانی امکان پذیر می باشد (خان بashi و بستان منش، ۱۳۹۴، ۳۳).

در بیانیه گام دوم انقلاب، رهبر معظم انقلاب پس از بیان مشکلات موجود در حوزه اقتصاد؛ سیاست های اقتصاد مقاومتی، درون زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و... را به عنوان راه های حل مشکلات اقتصادی دانسته و فرمودند: «بی گمان یک مجموعه ی جوان و دانا و مسلط بر دانسته های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه ای باشد» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ۴۱). به منظور دستیابی بر اقتصاد موفق می بایست چرخه تولید و تربیت نسل جوان و نیرومند، به صورت هدفمند پیگیری شود تا جامعه از این جهت دچار مشکل نشود. بنابراین، جمعیت انسانی، به عنوان سرمایه ملی، عامل مهم و تأثیرگذار بر فعالیت های اقتصادی و وضعیت رفاهی هر کشور محسوب شده و مسیر را در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می نماید.

۳-۳. نقش جمعیت بر اقتدار دفاعی-امنیتی

اقتدار دفاعی-امنیتی از ابزارهای تمدن سازی نوین اسلامی است. اقتدار دفاعی-امنیتی یکی از ابعاد اقتدار ملی است که شکل کارآمدی از مجموعه توانمندی های نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، حفاظت و اطلاعات و بسیج مردمی در چارچوبی مقبول و مشروع با پشتیبانی سایر مؤلفه های قدرت ملی و استفاده از امکانات مادی و معنوی کشور برای دفع تهدیدات و خطرات دشمنان خارجی و داخلی و دفاع از ارزش ها، آرمان ها و منافع ملی در راستای سیاست های دفاعی-امنیتی می باشد (رشید زاده، ۱۳۸۸، ۱۲). در تأکید





در مناطق مختلف جهان نیز آمارها بسیار روشنگر هستند. از کل ۳۹ کشور آسیایی، ۲۱ کشور جزء کشورهای اسلامی‌اند. همچنین از ۵۸ کشور آفریقایی، بیست کشور آن مسلمان هستند. در قاره اروپا فقط دو کشور اسلامی آلبانی و بوسنی هرزگوین وجود دارند؛ ولی مسلمانان با مهاجرت به کشورهای بزرگ اروپایی چون انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا توانسته‌اند جمعیت‌های چندمیلیونی را در این کشورها به وجود آورند. همچنین از مجموع ۱۹۲ کشور جهان، هم‌اکنون ۵۷ کشور در کنفرانس اسلامی عضویت دارند (بیدالله خانی، ۱۳۹۳، ج. ۲، ص ۳۳۷). کاملاً مشخص است که تعداد کشور اسلامی که منشأ ایجاد و تشکیل آن، وجود جامعه و گروه‌ها و مجموعه‌های انسانی است تا چه اندازه می‌تواند در دستیابی و تشکیل تمدن نوین اسلامی اثرگذار باشند.

۲-۳. نقش جمعیت بر قدرت اقتصادی

از آنجایی که امور مادی در ایجاد بسترهای مادی و معنوی و شکوفایی یک تمدن نقش اساسی دارد، توجه به امور اقتصادی به‌عنوان ابزار کارآمد مورد تأکید است. اقتصاد، به‌ویژه نوع اقتصاد مقاومتی، اقتدار ملی، استقلال و خودکفایی اقتصادی را فراهم می‌کند و در نهایت نقش محوری در تمدن نوین اسلامی دارد. رهبر معظم انقلاب، بارها بر اعتلای اقتصادی و پیشرفت مادی به‌عنوان هدف قطعی تمدن اسلامی تأکید کرده‌اند. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب بر اهمیت اقتصاد تأکید کرده و می‌فرمایند: «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است... اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت محور و مصرف به‌اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده است، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق‌العاده می‌گردد که محوریت آن توده‌های مردمی باشند، مقصود از مردمی کردن اقتصاد، حساس کردن آن‌ها به اقتصاد و سپس درگیر نمودن مردم به‌عنوان مصرف‌کننده‌ای فعال در اقتصاد است. گام بعدی درگیر کردن مردم به‌عنوان تولیدکننده و توزیع‌گر فعال و مهم‌تر از همه دخالت دادن مردم در توسعه‌ی کشور و رقم زدن توسعه‌ی مشارکتی که بسیار وسیع‌تر از دخالت دادن صرف سرمایه‌های مردم در اقتصاد است؛ بنابراین می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای مؤثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود (موهبتی و ضیائی، ۱۳۹۷، ص ۳).

امروزه، نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرایند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری

صلابت در بخش امنیتی شده است.

اکثر کشورهای پرجمعیت جهان، کشورهای قدرتمند جهان نیز هستند. البته نه اینکه هرکدام جمعیت بیشتری دارد، قدرت ملی آن نسبت به دیگری بیشتر است. همچنان که مشاهده می‌شود کشور چین با ۱۳۲۱۸۵۱۸۸۸ نفر به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور دنیا به لحاظ قدرت ملی بعد از آمریکا و روسیه قرار دارد. این در حالی است که جمعیت آمریکا و روسیه روی هم تنها ۳۳٪ جمعیت چین را شامل می‌شود. علاوه بر آن کشور انگلستان با دارا بودن ۵/۴٪ جمعیت چین به لحاظ قدرت ملی بعد از چین در رتبه چهارم جهانی است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۱). اگرچه نمی‌توان کشوری را به علت آنکه جمعیتی بیشتر از سایر کشورها دارد، قوی‌ترین کشور دانست؛ اما این مسئله نیز حقیقت دارد که اگر کشوری جز دولت‌های پرجمعیت جهان نباشد، نمی‌تواند به قدرتی درجه یک تبدیل شود و این مقام را حفظ کند (مورگنتا، ۱۳۷۴، ص ۲۲۲). در نتیجه، بزرگ‌ترین وظیفه در زمینه قدرت دفاعی و نفوذ آن برای حفظ تعادل و بقا - به عنوان مؤلفه‌ای قابل توجه در تشکیل و قدرت تمدنی اسلامی و نوین - بر عهده جمعیت آن است.

۴-۳. نقش جمعیت بر قدرت سیاسی

حکومت و قدرت سیاسی عاملی مؤثر و نقش‌آفرین در تمدن‌ها و نیز احیای تمدن اسلامی است. تمدن بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. هیچ تمدنی در طول تاریخ بدون حکومت شکل نگرفته است؛ نه اینکه هر جا حکومت بوده، تمدن هم بوده است. پس قطعاً مجموعه امکانات یک حکومت به رشد تمدن متعلق به آن کمک می‌کند (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۲). قدرت، در بعد سیاسی عبارت است از توانایی در تأمین هدف‌ها و منافع داخلی خارجی خود (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). بعد سیاسی قدرت ملی یکی از ابعاد تعیین‌کننده‌ای است که نقشی اساسی در ظهور و بروز اقتدار ملی دارد. این بعد از قدرت ملی دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که گسترش مؤلفه‌های آن می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و بروز اقتدار ملی شود (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۳). بعد سیاسی قدرت ملی دارای مؤلفه‌های زیادی چون مدیریت سیاسی، سیاست خارجی، نخبگان کارآمد، ماهیت حکومت، دیپلماسی عمومی، اعتقادات (ایدئولوژی) اسلامی و... می‌باشد (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۱).

از عوامل مهم و تأثیرگذار بر قدرت سیاسی، بسیج مردمی است. بسیج عمومی مردم اشاره به گرد هم آمدن مجموعه‌ای از انسان‌ها حول محور و هدفی خاص است، که در هر کشوری و با هر آیین و مسلکی می‌تواند مشاهده شود (بدرا، ۱۳۹۷، ص ۶۵). مقام معظم رهبری، بسیجی را هر یک از احاد ملت می‌داند که در هر جایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی

این موضوع، رهبر انقلاب می‌فرمایند: «قدرت دفاعی برای یک کشور حیاتی است، برای اقتدار یک ملت حیاتی است. اگر این قدرت دفاعی را ملت‌ها نداشته باشند، آن‌کسانی که اهل تجاوز و تعرض و سوءاستفاده و دخالت کردن و دست‌اندازی به دیگر کشورها و ملت‌ها هستند - که امروز نمونه‌هایش را دارید در دنیا می‌بینید: آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر - آن‌ها را راحت نمی‌گذارند؛ اگر قدرت دفاعی در یک کشوری وجود نداشته باشد، دیگران آن‌ها را راحت نمی‌گذارند و به همه چیز آن‌ها تعرض می‌کنند که امروز می‌بینید به بعضی از کشورها چه تعرض‌هایی می‌شود (بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۹۹/۰۷/۲۱). ایشان [خصوصیتی] که باید نیروهای دفاعی ما به آن توجه داشته باشند، مسئله عمل به آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید، که خسارت شما خسارت ملت است، خسارت شما اسلام است (دیدار جمعی از فرماندهان، ۹۴/۱/۳۰). آمادگی نیروهای مسلح برای حکومت اسلامی یک ضرورت است. آمادگی همیشگی، باعث می‌شود دشمن از فکر حمله به حکومت اسلامی ترس داشته باشد. این آمادگی‌ها به حکم آیه فوق بر نیروهای مسلح کشور و بر همه احاد جامعه لازم است (حبیب زاده، ۱۳۹۸، ۱۷).

بنابراین قدرت دفاعی - امنیتی باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که امنیت ملی کشور را تأمین نماید، برای احاد جامعه اسلامی رفاه و آسایش را فراهم کند، منافع ملی را تضمین کرده و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن تعامل سازنده از اصول و بنیان‌های اساسی انقلاب اسلامی حفاظت و حراست نماید (ایزدی و دولت شاه، ۱۳۹۶، ۱۸۲) در تمام موارد و نکاتی که به امنیت ملی و ابعاد آن اشاره می‌شود، نقش محوری مردم و جمعیت دیده می‌شود (خرمشاد و طرح زادگان، ۱۳۹۷، ۱۱۰). به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای: «وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌ای هم شلیک نکنند، برای یک کشور امنیت آور است» (۹۱/۰۶/۲۸). ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان را از برکات انقلاب اسلامی معرفی کرده و این تسلیم‌ناپذیری، صیانت و پاسداری از انقلاب را خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی و جوانان این مرزوبوم دانستند. ایشان قدرت ملت ایران را چنان می‌دانند که معتقدند غرب امروز، برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی ایران خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بینند. وجود جمعیتی پرشور، انقلابی به همراه حضور نسل جوان و مصمم موجب تحقق این اقتدار و

عبارات مختلف در بیانیه بر حضور جوانان تأکید داشته‌اند. تحقق نیروی جوان انقلابی، مستلزم توجه به امر فرزند آوری و مسائل مربوط به آن می‌باشد. بنابراین، بسیج مردمی به‌عنوان معیاری در قدرت بخشی بعد سیاسی نقش مهمی را ایفا نموده و مسیر تحقق به تمدن نوین اسلامی را هموار می‌نماید. این امر نشانگر اهمیت توجه بر مفهوم جمعیت و آثار تأثیرگذار آن بر قدرت سیاسی است.

علویون؛ ۸۰/۰۸/۲۱). بسیج مردمی، قدرت سیاسی را با خود به ارمغان می‌آورد که موجب ناخشنودی دشمنان خارجی و داخلی می‌گردد. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «ابراز دشمنی با بسیج، یعنی ابراز دشمنی با مجاهدت و تلاش و نشاط و کار در همه‌ی میدان‌ها. خیلی روشن است که آرزومندان ناکامی این ملت، از بسیج ناراحت‌اند. هر کس آرزومند است که این ملت ناکام بشود و شکست بخورد، از حضور بسیج ناراحت است (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق علیه السلام، ۷۴/۰۹/۰۷). در حقیقت، نقش مردم در نظام‌های مردم‌سالار دارای اهمیت بالایی است. نظام‌های مردم‌سالار تکیه قدرت خود را بر روی عنصر مردم قرار می‌دهند. درواقع، نظام‌های مردم‌سالار به‌منظور پیشبرد هدف‌های سیاسی خود اقدام به بسیج سیاسی مردم می‌کنند. در مردم‌سالاری دینی مردم نقش تعیین‌کننده در روندهای سیاسی و اداره جامعه دارند. مردم به‌عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی تلقی می‌شوند. جدا از نقش مشروعیت بخش در نظام مردم‌سالاری دینی، مردم با مشارکت سیاسی ازجمله رأی دادن و حضور در انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی و خارجی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی، به روندها و نهادهای سیاسی شکل می‌دهند؛ بنابراین رضایت و حضور سیاسی-اجتماعی مردم نقش کلیدی در تقویت بعد سیاسی قدرت ملی و تقویت اقتدار ملی در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی دارد (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۴).

رهبر معظم انقلاب در بخش‌های مختلف بیانیه بر اهمیت قدرت سیاسی یک کشور و تأثیر آن بر ایجاد تمدنی قوی و اسلامی، اشاره کرده‌اند. ایشان به اوج رسیدن مشارکت مردمی و ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم را ازجمله برکات بزرگ انقلابی اسلامی دانسته و در این خصوص می‌فرمایند: «انقلاب، مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، فتنه با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید. همچنین فرمودند، بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد... این‌گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای جوانان و نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت (بیانیه گام دوم، ۲۲، ص ۱۳۹۷). معظم له، حفظ استقلال و آزادی و حراست از آن‌ها که نشانگر قدرت یک کشور است را وظیفه تمام افراد به‌ویژه دولت‌ها، بیان کرده‌اند. از منظر ایشان، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن مظاهر عزت جمهوری است و دولت و ملت ایران در راستای حفظ قدرت و عزت خود می‌بایست حکیمانه و مصلحت‌جویانه و از موضع انقلابی مشکلات خود را با دیگر کشورها به‌ویژه مستکبران جهان حل نماید. تحقق این اهداف درگرو جمعیتی عظیم، جوان، مقتدر و انقلابی است و شاید همین امر سبب گشته است که رهبر معظم انقلاب در

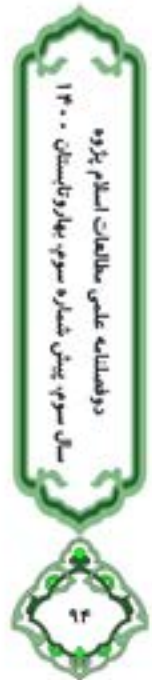
برای نسل حاضر و نسل‌های آینده توسط مراکز فرهنگی و اصحاب رسانه؛ تغییر سبک زندگی، کاستن روحیه تجمل‌گرایی و افزودن روحیه مسئولیت‌پذیری در محیط خانه توسط اعضای خانواده و....

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی جایگاه جمعیت در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی انجام شد. در ابتدا، با تأمل در آیات، روایات و مسئله فقهی مرتبط، مشخص شد بحث جمعیت و فرزندآوری در دین اسلام و تشکیل تمدنی اسلامی حائز اهمیت است. پس از اثبات اهمیت موضوع جمعیت و فرزندآوری، عواملی که در تشکیل یک تمدن تأثیرگذار است، بررسی گردید. امت‌سازی، عوامل اقتصادی، دفاعی-امنیتی، سیاسی و... مؤثرترین عوامل در این حوزه می‌باشد. بالطبع پیشرفت همه‌جانبه در مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی، نیازمند نیرو و جمعیت پرتوان و مقتدر است که با تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه، در پیشبرد این هدف والا گام برداشته، تمام موانع و آسیب‌های موجود در این مسیر را رفع نموده و شاهد تحقق تمدنی نو و اسلامی در جوامع اسلامی و دیگر جوامع باشیم.

بدیهی است هر تمدنی که بر اساس اسلام بنا شود، ولایت‌مداری رکن اصلی آن است و بدون رهبری ولایی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط می‌تواند از تکثیر نسل در منطقه‌ای از جامعه اسلامی به صورت موقت ممانعت کند، یا گاهی به خاطر کاهش جمعیت مسلمانان در یک منطقه، حکم به افزایش جمعیت دهد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، نیروی انسانی مستعد و کارآمد را مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور در تحقق تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی تربیت نسلی است شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور. تحقق عینی چنین تمدنی با نگاهی فرآیندی به نظام تعلیم و تربیت دینی میسر خواهد بود؛ به این معنا که باید تمام فرآیندهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و طراحی و حلقه‌های لازم برای اجرای طرح تمدن‌سازی دینی تکمیل شوند.

خانواده‌ها به عنوان نهادی تأثیرگذار در جامعه؛ اصحاب رسانه به عنوان مراجع فرهنگی؛ قوای سه‌گانه حاکمه و نهادهای مرتبط، می‌بایست بیش‌ازپیش در راستای این هدف مهم گام برداشته، موانع را برطرف نموده و بر اهمیت این موضوع تأکید نمایند. ازجمله مسائل مربوط در این حوزه که می‌تواند راهگشا باشد، عبارت‌اند از: همکاری سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی برافزایش آگاهی جامعه نسبت به فواید و آثار فرزندآوری و توجه به آسیب و چالش‌های پیش روی کاهش جمعیت، به‌ویژه با ارائه آمار و اطلاعات علمی؛ فراهم آوردن زیرساخت‌ها و لوازم فرزندآوری و از میان برداشتن اسباب کم‌توجهی به این موضوع؛ ازجمله فراهم آوردن امنیت شغلی و اقتصادی مناسب؛ ارائه تسهیلات مناسب و طرح‌های تشویقی در راستای فرزندآوری؛ کاهش هزینه‌های باروری و درمان کودکان پس از تولد؛ گسترش تبلیغات فرهنگی



المصطفی، ۱۳۹۱.

۱۷. فاکر میبیدی، محمد، «تمدن نوین اسلامی هدف آرمانی انقلاب اسلامی»، کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۹.

۱۸. فرزانه، محمدباقر و خیاط، علی و صفر پور، هادی، «تبیین عوامل ایجاد تمدن اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۱۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

۱۹. فولادی، محمد و حسینی، فاطمه سادات، «تحلیلی بر ابعاد و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، از منظر مقام معظم رهبری»، مجله معرفت اخلاقی، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

۲۰. قاسمی، زهرا و بهزادی، محمدحسین و حسینی، سید محمدحسین، «امت اسلامی از دیدگاه قرآن»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، جلد ۲، ۱۳۹۳.

۲۱. قنبر پور، بهنام، «پژوهشی بر قلمرو اختیار حکومت اسلامی و تدابیر آن در جلوگیری از کاهش نسل»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۹۴.

۲۲. کاظمی، احسان، راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا.ایران بابا تأکید بر اولویت‌بندی مؤلفه‌های بعد سیاسی قدرت ملی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۸.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، جلد‌های ۶ و ۱۱، ۱۴۲۹.

۲۴. گروه مطالعات امنیت، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.

۲۵. مترجمان، ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ج ۹، ۱۳۶۰.

۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، چاپ دوم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، جلد ۱۱۰، ۱۴۰۳.

۲۷. محمودی، مجید، «نقش سرمایه انسانی در تحقق تمدن نوین اسلامی»، اولین همایش ملی مدیریت، اقتصاد و اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۷.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۶، ۱۳۷۴.

۲۹. ملکوتی نیا، علی و روزبهانی، زینب سادات، «بررسی و نقد اندیشه «فرزند کمتر، زندگی بهتر» در جامعه معاصر ایران با رویکرد اسلامی»، ماهنامه معرفت، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۷.

۳۰. مورگنتا، ه، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.

۳۱. موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۲۰، ۱۳۷۴.

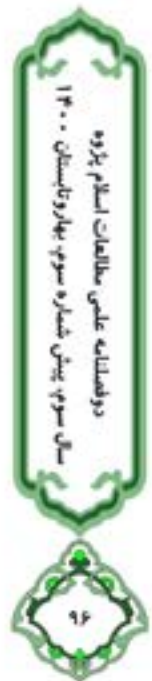
۳۲. موهبتی، یاسر و ضیائی‌ان، مهدیه، «بررسی ضرورت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در ایران»، مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۷.



منابع

- قرآن کریم

۱. ایزدی، مصطفی، دولتشاه، بهروز، گفتمان ولایت فقیه در حوزه اقتدار دفاعی-امنیتی، فصلنامه مطالعات دفاعی امنیتی، سال پانزدهم، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۶.
۲. بدرا، محمدشتا، «تبیین تاریخی پیدایش بسیج در ایران با تأکید بر نقش بسیج در انقلاب کبیر اسلامی ایران، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷.
۳. بیانات مقام معظم رهبری برگرفته از سایت www.khamenei.ir.
۴. بیدالله خانی، آرش، «امت واحده اسلام، مبنای هستی شناختی هویت اسلامی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، جلد ۲، ۱۳۹۳.
۵. حافظ نیا محمدرضا و ولی قلی زاده، علی و احمدی پور، زهرا، «بررسی و تحلیل نقش جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
۶. حبیب زاده، قاسم، «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۹۸.
۷. حسینی همدانی، سید محمدحسین، انوار درخشان، چاپ اول، تهران، انتشارات لطفی، جلد ۹، ۱۴۰۴.
۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، چاپ اول، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷.
۹. خان باشی، محمد، بستان منش، غلامرضا، «سهم سرمایه‌های انسانی و نیروی کار در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۵، مهرماه ۱۳۹۴.
۱۰. خرم شاد، محمدباقر، طراح زادگان، فرخ، «راهبردهای جمعیتی تحکیم اقتدار و امنیت اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.
۱۱. خیری، حسن، «رویکرد فرآیندی اسلام در تمدن سازی»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۲. رشید زاده، فتح‌الله، «توسعه و تحکیم قدرت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۸.
۱۳. رضایی، حسن، «مزیت‌های رقابتی جهان اسلام در مسیر تمدن سازی نوین»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۴. سعادت، احمد، «عقلانیت اسلامی؛ مبنای تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر المصطفی، ۱۳۹۱.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، ترجمه: میرباقری، ابراهیم، مکارم الأخلاق، چاپ دوم، تهران، انتشارات فراهانی، جلد ۱، ۱۳۶۵.
۱۶. عرفان، امیر محسن، «بازاندیشی در ضرورت‌های رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی و نشر



نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان در قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقدسه معتمدی^۱

چکیده

در این نوشتار ابتدا به مفهوم شناسی کلمه توبه پرداخته شده است و پس از تبیین فرق توبه با استغفار و انابه، اهمیت و ضرورت موضوع توبه بیان شده است. پس از آن با استفاده از کتب اخلاقی و آیات قرآنی نقش توبه در رشد فردی جوانان بررسی شده است که عبارت‌اند از محبوبیت نزد خدا، آموزش گناهان، برخورداری از دعای فرشتگان، رستگاری و نجات، پاکی نفس از پلیدی، خطا و نجات‌دهنده از هلاکت، تبدیل گناه به حسنه، نزول روزی، حفظ روح امید و آثار اجتماعی شامل: مستور ماندن گناه، نزول رحمت پیوند و همبستگی اجتماعی، افزایش توان و قدرت و نیرو و بازیابی اعتماد ازدست‌رفته. این مجموعه درصدد یافتن نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان در قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای بوده که مطالب آن به صورت فیش‌برداری، گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: جوانان، رشد اجتماعی، توبه، دیدگاه قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه عالی حضرت آمنه (ع) قم. mohammad65rbm@gmail.com

لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ» همگی به‌سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید! تائبان در پیشگاه الهی مقام و منزلت والایی دارند. در شأن و منزلت توبه‌کنندگان همین بس که قرآن کریم ایشان را در زمره کسانی قرار داده که خداوند آنان را دوست دارد: «سَنَ اللَّهُ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» خداوند توبه‌کننده‌ها و پاکیزگان را دوست دارد (نور: ۳۱). تأخیر انداختن و امروز و فردا کردن در توبه، بازگشت از گناه و معصیت را مشکل‌تر می‌کند تا جایی که برگشت را غیرممکن می‌سازد از این‌رو، توبه باید هر چه زود انجام گیرد تا نفس با گناه انس بگیرد. ایام جوانی بهترین فرصت برای تغییر مسیر از زشتی‌ها و پلیدی‌ها به‌سوی پاکی‌ها است. اسلام پناهگاه مطمئن و محکمی را برای جوانان مشخص نموده؛ آنان نیز باید برای در امان ماندن از سقوط در منجلاب گناهان بر آن پناهگاه، پناه برده، توبه نمایند (کلینی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۴۳۱).

هر موضوعی پیشینه‌ای دارد که درخور اهمیت است. در این قسمت به بعضی از آثاری که درباره موضوع توبه و رشد اجتماعی جوانان کارشده اشاره می‌کنیم. مقاله آثار فردی و اجتماعی توبه از منظر اسلام اثر علی وطن‌دوست (۱۳۹۵) که در این مقاله به این مورد اشاره شده است که اخیر انداختن و امروز و فردا کردن در توبه، بازگشت از گناه و معصیت را مشکل‌تر می‌کند تا جایی که برگشت را غیرممکن می‌سازد از این‌رو، توبه باید هر چه زود انجام گیرد تا نفس با گناه انس بگیرد. ایام جوانی بهترین فرصت برای تغییر مسیر از زشتی‌ها و پلیدی‌ها به‌سوی پاکی‌ها است. اسلام پناهگاه مطمئن و محکمی را برای جوانان مشخص نموده؛ آنان نیز باید برای در امان ماندن از سقوط در منجلاب گناهان بر آن پناهگاه، پناه برده، توبه نمایند. ولی در تحقیق موجود به نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان و بیانیه گام دوم انقلاب اشاره شده است.

مقاله حقیقت و مراتب توبه در عرفان و نهج‌البلاغه اثر خسرو ظفر نوایی (۱۳۸۹). در این مقاله پس از جمع‌بندی و بررسی مفاهیم کلیدی و همچنین بررسی آثار توبه در نگاه عرفا و بزرگان دین به این مقوله، انطباق اساسی بین نظر عرفا و انبیا الهی رصد شد که بیانگر این مفهوم است که دستاوردهای کاوشگران مفهوم توبه در طول تاریخ تا چه اندازه از آب‌سخور اصیل اسلامی و پایگاه روحانی وحی اتصال دارد و سوء تفاهمانی که در این مقوله به وجود آمده و به نظراتی که عرفان ایرانی را به برخی از ادیان منصوب می‌نمایند پاسخ داده می‌شود، لذا با در نظر گرفتن اهمیت جایگاه توبه، در این مقاله هم به‌صورت کلی و هم با تأکید بر احادیث مرتبط به جایگاه توبه در نهج‌البلاغه، تلاش شده است تصویر کامل‌تری از این معنا به دست آید. ولی در مقاله حاضر نقش توبه به‌طور خاص در رشد اجتماعی جوانان بررسی شده است.

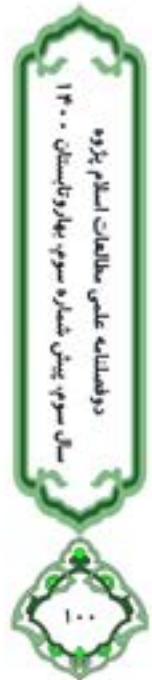
مقدمه

بشر موجودی است که با فطرت الهی آفریده شده است به گونه‌ای که کمال واقعی و حقیقی او در گرو پرورش و رشد این فطرت و تقویت ارتباط بنده با آفریدگارش می‌باشد. هر یک از تربیت دینی صحیح و خانواده و جامعه سالم در رسیدن به این هدف بسیار مؤثرند؛ اما گاه اتفاق می‌افتد که نابسامانی‌های فرهنگی خانواده یا جامعه و وسواس شیطانی انسان را از این مسیر منحرف ساخته و به سوی نافرمانی خدا سوق می‌دهد اما پس از اندک زمانی آن فطرت خداجو بیدار گشته و او را پشیمان می‌سازد و در این هنگام است که فرد به دنبال راه بازگشت به درگاه الهی است. خداوند مهربان این حیرت و سرگردانی بشر را نیز درمان نموده و راه توبه را برای او گشوده است (سهرابی و احمدی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

منظور از رشد اجتماعی، نضج فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد جامعه‌اش، هماهنگ و سازگار باشد. وقتی فردی را اجتماعی خوانند که نه تنها با دیگران باشد بلکه با آنان همکاری کند. به بیان دیگر، اجتماعی شدن به آن شکل یادگیری گفته می‌شود که به سازگاری با جامعه و محیط فرهنگی بستگی دارد (هاشمیان، ۱۳۸۵، ص ۴۵). به طور کلی منظور از رشد و تکامل اجتماعی این است که فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند یا رشد و نمو لازم برای برقراری در روابط اجتماعی را به دست آورده باشد. به عبارت دیگر، وقتی فرد یاد گرفت که با معیارهای گروه، خلیقات و سنت‌ها هم‌نوايي کند و به مرحله‌ای رسید که توانست با جامعه‌اش ارتباط و تعاون داشته باشد گوییم که از لحاظ اجتماعی رشد و تکامل یافته است؛ بنابراین، احساس وحدت اجتماع و برقراری روابط متقابل میان افراد یک اجتماع و همکاری با دیگران از جمله خصایص رشد و تکامل اجتماعی است (همان).

اگر به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در ۲۹ بهمن ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است توجه کنید، نکات بسیار مهمی درون آن نهفته است: شاه‌بیت این بیانیه به نقش جوانان در تمدن سازی نوین اسلامی اشاره می‌کند؛ مقام معظم رهبری می‌فرماید: نسل جوان مؤمن، دانا و پرانگیزه باید محور پیشرفت جامعه اسلامی باشند؛ سه صفتی که برای جوان به کار برده شده بسیار قابل توجه است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نقشه راهی برای تحقق آرمان‌ها و تحقق اصول اسلامی است؛ به عبارتی تکمیل پروژه نظام سازی، دولت سازی، جامعه پردازی، بین‌المللی سازی و تمدن سازی اسلامی است؛ این نقشه راه به عنوان چراغی روشن و مسیری شفاف حرکت نسل‌های آینده انقلاب را مشخص می‌کند.

توبه در اسلام، از جایگاه والا و رفیعی برخوردار است و قرآن کریم هفت مرتبه با جمله «توبوا» همه مردم را به آن فرمان داده است. «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ



به استغفار و انابه اشاره نمود. استغفار و کلمات هم‌خانواده آن نیز به مراتب بیشتر از توبه در آیات قرآنی به کار رفته‌اند که همگی اشاره به طلب بخشش بندگان از خداوند و بخشندگی ذات ربوبی را یادآوری می‌شود و اغلب هم‌معنی با توبه به کار می‌رود اما در مقام بیان تفاوت توبه و استغفار گفته‌اند توبه عقوبت گناه را دفع می‌کند و استغفار طلب پوشش از اغیار است تا کسی از آن مطلع و آگاه نگردد (همان). هم‌چنین انابه یکی دیگر از کلمات هم‌معنای با توبه است با این تفاوت که توبه در لغت ندامت از گناه و انابه توبیخ و ملامت خویش در محضر خداوند به خاطر ارتکاب گناه است. هم‌چنین گفته شده است توبه رجوع از احکام و تبعات طبیعت انسانی است به سوی روحانیت و فطرت و انابه رجوع از فطرت و روحانیت است به سوی خداوند و سفر کردن، مهاجرت نمودن از بیت نفس است به سوی سرمنزل مقصود پس منزل توبه مقدم بر منزل انابه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲).

۳. رشد اجتماعی

رشد در لغت به معنی راهیابی، راه یافتن به مقصد، رسیدن به واقع و از گمراهی به راه آمدن است. هم‌چنین ثبات و استقامت نیز از معانی رشد شمرده شده است. این کلمه در مقابل «غی»، به معنی انحراف پیدا کردن از حقیقت و دور شدن از واقع به کار می‌رود. راشد و رشید، اسم فاعل و وصف از آن است که دلالت بر استواری و پابرجا بودن، میکند. کلمه‌ی مرشد نیز از همین ماده گرفته شده است که به معنی راهنما و نشان‌دهنده راه است. در لسان العرب مینویسد: «رشد در مقابل ضلال و گمراهی است» (نظری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۴۵). دیدگاه مشهور بین فقها، رشد را به معنی اصلاح امور مالی و توان تدبیر در این زمینه میدانند. رشید هم کسی است که دارای این صفت باشد. مرحوم محقق حلی میگوید: «دومین شرط که برای واگذاری اموال کودک به او نیاز است، رشد است که به معنی اصلاح امور مالی است» (کلینی، ۱۴۳۲: ج ۲، ص ۱۴۶).

رشد اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن فرد آگاهی‌ها، ارزش‌ها، برقراری روابط اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کند و این اکتسابات او را قادر می‌سازد تا با جامعه وحدت یا به نحوی انطباق‌نیافته رفتار کند (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۲۴). رشد اجتماعی یکی از ابعاد مهم رشد است که بر تمامی جوانب زندگی تأثیر می‌گذارد. افرادی که از مهارت اجتماعی لازم برخوردارند، در مسیر زندگی با سهولت بیشتری با مسائل کنار می‌آیند و به‌طور کلی در موقعیت‌های زندگی موفق‌تر عمل می‌کنند. رشد اجتماعی به مجموعه متوازی از مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای انطباقی مربوط است که فرد را قادر می‌سازد با افراد دیگر روابط متقابل مطلوب داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامدهای منفی دارند، اجتناب ورزد. وجود مهارت‌هایی

۱. توبه

توبه در لغت به معنای رجوع (بازگشتن و برگشتن) است؛ اما در اصطلاح و در عرف، توبه عبارت است از: بازگشت و رجوع از گناه به راه صواب. به تعبیر دیگر، رجوع از دوری از درگاه خداوند و انجام معصیت به درگاه خداوند و تقرب به او. نتیجه توبه ترک گناهان و تصمیم بر ترک آن‌ها در آینده است (قرشی ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷). راغب اصفهانی در این باره می‌گوید: «توب (که عبارت دیگر توبه است)، به معنای ترک گناه به زیباترین صورت است و آن، رساترین و بلیغ‌ترین وجه از وجوه معذرت‌خواهی است؛ زیرا عذر خواستن بر سه نوع است: یا آنکه شخص معتبر (عذرخواهی) می‌گوید: فلان کار را نکرده‌ام، یا می‌گوید: آن کار را کرده‌ام، ولی منظورم از این کار چنین و چنان بوده است. به تعبیر بهتر، درصدد موجه جلوه دادن کار خویش برمی‌آید. یا اینکه می‌گوید: آن کار را کرده‌ام و بد کرده‌ام و دگربار تکرار نخواهم کرد و از آن دست خواهم کشید. این قسم همان توبه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲). در بسیاری از روایات پشیمانی از ارتکاب گناه، به عنوان حقیقت توبه شناخته شده است. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «الندامة توبه» توبه همان پشیمانی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد پشیمانی از گناه می‌فرماید: «الندم علی الذنب یمنع عن معاودة» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳). یعنی پشیمانی از گناه مانع از بازگشت به گناه می‌شود؛ و نیز امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «کفی بالندم توبه» یعنی در توبه پشیمانی کافی است (معین، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۶۱). توبه با سه امر تحقق می‌یابد:

الف) آگاهی به ضرر گناه

یعنی گناهکار متوجه گردد که گناه بین بنده و خداوند حجابی می‌افکند که مانع تقرب او به خداوند سبحان می‌گردد و به عبارت دیگر گناهکار به این شناخت و احساس برسد که گناه همانند سمی است که خوردن آن موجب هلاکت و نابودی می‌گردد.

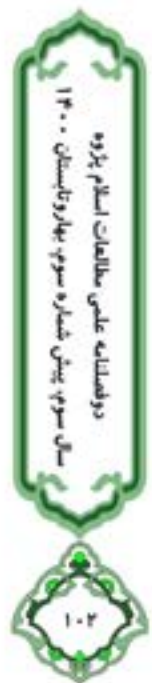
ب) پشیمانی

حالت پشیمانی پس از مرحله شناخت حاصل می‌گردد. تألم به خاطر از دست دادن محبوب و تأسف به خاطر انجام گناه و این تألم و تأسف به عنوان پشیمانی تعبیر می‌شود. (ج) قصد ترک گناه

ترک گناه باید در زمان حال و عدم بازگشت به گناه در زمان آینده و همچنین جبران گناهان گذشته باشد (نهج البلاغه، حکمت ۸۷، ص ۴۵۶).

۲. فرق توبه با استغفار و انابه

علاوه بر توبه موارد مشابهی نیز در همین معنا به کار رفته‌اند که از جمله می‌توان



ظاهر آیه شریفه در مقام بیان مسئله توبه کردن خدا است و این که هر جا توبه، به خدا نسبت داده می شود، معنایش برگشت رحمت خدا به سوی بنده است نه این که منظور از توبه خدا، توبه بنده باشد. اگرچه لازمه توبه خدا، توبه بنده نیز هست. چون وقتی شرایط توبه خدای سبحان تمام باشد، لازمه لاینفک آن این است که شرایط توبه عبد نیز تمام شود (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲ - ۲۳۱).

همچنین خداوند درجایی دیگر از قرآن، توبه را، راه نجات گروهی از اهل کتاب بیان می کند. «الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم» مگر آن ها که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند که من توبه آن ها را می پذیرم که من تواب و رحیم هستم (بقره: ۲۲۲). در تفسیر آیه مذکور آمده است: جمله «اُنا التواب الرحیم» مخصوصا با توجه به این که بعد از جمله «فاولئک اتوب علیهم» قرار گرفته دلالت بر نهایت محبت پروردگار نسبت به توبه کاران می کند و می گوید: اگر آن ها به اطاعت و بندگی بازگشت کنند من نیز به رحمت بازگشت می کنم و مواهبی را که قطع کرده بودم مجدداً به آن ها می بخشم. نکته قابل توجه این است که خداوند نمی گوید: شما توبه کنید تا توبه شمارا بپذیرم. می فرماید: «شما بازگردید من نیز باز می گردم فرق میان این دو تعبیر روشن است. علاوه بر این لفظ «انا» که ضمیر متکلم وحده است در مواردی به کار می رود که گوینده در مقام بیان رابطه مستقیم خود با شنونده باشد، مخصوصاً اگر شخص بزرگی بگوید: من خودم این کار را برای شما انجام می دهم بسیار فرق دارد تا بگوید ما چنین خواهیم کرد و لطف و محبتی که در تفسیر نهفته است بر هیچ کس پوشیده نیست (الهامی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). توبه، به خودی خود، دارای آثار مثبتی است. کسی که به این عمل مبادرت می کند و به این توفیق بزرگ دست می یابد، از منزلت و جایگاه رفیعی برخوردار می گردد. اکثر علمای اخلاق هر جا بحث از توبه کرده اند، به آثار آن نیز اشاره داشته اند (احسایی، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۲۳۷).

۱-۱. مستور ماندن گناه

فرد گناهکار همیشه نگران این است که دیگران از گناه او آگاه شوند و این آگاهی شخصیت اجتماعی او را خدشه دار کند اما این مزه به توبه کننده واقعی داده شده است که توبه او موجب پوشیده ماندن سوابق سوء او می گردد که اگر چنین نبود هیچ یک از افراد جامعه حاضر به هم زیستی با دیگران نبود و ثبات جامعه از بین می رفت. رسول گرامی (ص) فرمود: «التوبه تجب ما قبلها» (توبه دوران ماقبل خود را می پوشاند و مخفی نگه می دارد) علاوه بر این رسول خدا فرمود: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه نکرده است؛ و این نشانه بخشنده شدن گناهان می باشد (هندی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۰۷).

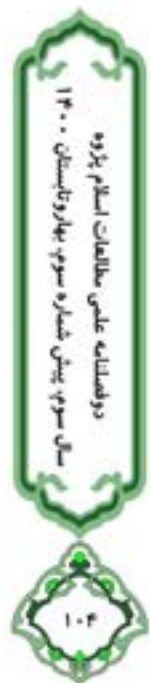


چون همکاری، مسئولیت‌پذیری، همدلی، خویشتن‌داری و خوداتکایی از مؤلفه‌های رشد اجتماعی به شمار می‌روند (نظری نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۷).

۱. نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان از منظر قرآن

واژه توبه در آیات متعددی از قرآن به‌کاررفته است. در برخی موارد، به معنای توبه انسان به‌سوی خدا و در برخی موارد به معنای توبه خدا به‌سوی انسان است. وجه مشترک هر دو معنا، بازگشت است ولیکن فرق توبه خدا با توبه انسان، آن است که توبه انسان، برگشتن به‌سوی خداوند با ترک گناه و تصمیم بر انجام ندادن آن گناه است؛ و توبه خداوند، بازگشت خدا به‌سوی بنده، باریک‌بینی و مغفرت و به معنای توفیق دادن به بنده برای توبه کردن است (گل وردی یزدی، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «انما التوبه علی الله للذین يعملون السوء بجهالة ثم یتوبون من قریب فاولئک یتوب الله علیهم وکان الله علیماً حکیماً» «توبه تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می‌دهند و سپس به‌زودی توبه می‌کنند، خداوند توبه چنین اشخاصی را می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است» (نور: ۳۱). لفظ (علی) قبل از کلمه - الله - و لفظ (لام) قبل از - الذین - روی هم معنای نفع و ضرر را می‌رسانند؛ و وجه این‌که دو کلمه (علی و لام) ضرر و نفع را می‌رسانند این است که، کلمه (علی) معنای تسلط و کلمه (لام) معنای ملکیت و استحقاق را می‌رساند؛ و لازمه‌اش این است که معانی مربوط به این دو طرف به نفع یک‌طرف و به ضرر طرف دیگر باشد، مانند حرب و قتال. قهراً این دو کلمه می‌فهماند که یکی از دو طرف حرب و قتال، غالب شده و دیگری مغلوب شده است و آن غالب شدن بامعنای ملکیت منطبق است؛ و چون غالب، چیزی عایدش شده که قبلاً نداشته و این مغلوب شدن بامعنای استعلا، منطبق است، چون شخص مغلوب تحت تسلط غالب قرار می‌گیرد (خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۳)؛ و چون مؤثر واقع شدن توبه به خاطر وعده‌ای است که خدای تعالی به بندگان داده و برحسب آن وعده، بر ضرر خود و به نفع بندگان، وفای به آن وعده را بر خود واجب ساخته است. توجه بفرماید که جمله بر ضرر خود صرفاً به‌منظور معنا کردن کلمه (علی) است نه این‌که به‌راستی خدا از آمرزش گناهکاران توبه‌کار، متضرر می‌شود، درنتیجه بر خود واجب کرده که توبه بندگان را قبول کند، اما نه به‌طوری‌که غیر او چیزی را بر او تکلیف و واجب کرده باشد، حال چه این‌که این غیر را عبارت بدانیم از عقل، بر خدا واجب می‌داند که توبه توبه‌کاران را بپذیرد و یا حق و یا چیز دیگر. چون ساحت خدای تعالی منزّه و مقدس‌تر از این است که محکوم حکم کسی، یا چیزی واقع شود، بلکه به این معنا است که خدای تعالی به بندگان خود، وعده داده که توبه توبه‌کاران را بپذیرد و او خلف وعده نمی‌کند، پس معنای قبول توبه توبه‌کاران این است (ابن منظور، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۵).



و آماده ورود به عرصه‌های مختلفی اجرایی در کشور هستند، اما برخلاف این ویژگی، ساختار بوروکراتیک کشور همچنان در دست نسل اول انقلاب قرار دارد و جابجایی نخبگان در ساختار با کندی صورت می‌گیرد. امری که منجر به ناامیدی و عدم تعهد نسل جوان به آرمان‌ها و اهدافی می‌شود که برای بهبود زندگی مردم تحقق آن‌ها ضروری است. از این رو با توجه به ضرورت نقش‌آفرینی جوانان، رهبر انقلاب اسلامی اواخر بهمن سال گذشته که بیانیه گام دوم را صادر کردند مخاطب اصلی آن را جوانان قراردادند. در این بیانیه رهبری به ترسیم راه طی شده در چهل سال گذشته و افق‌هایی که در گام دوم انقلاب باید مدنظر باشد، پرداختند.

این بیانیه به قلم مقام معظم رهبری به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۹۷ به جامعه ابلاغ شد تا علاوه بر نگاهی به دستاوردهای انقلاب به عنوان یک نقشه راه برای رسیدن به چشم‌اندازهای اسلامی عمل کند.

تبیین چشم‌اندازهای آینده و توصیه درباره آینده انقلاب اسلامی در هفت موضوع علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی مورد تأکید بیانیه گام دوم انقلاب قرار گرفته است.

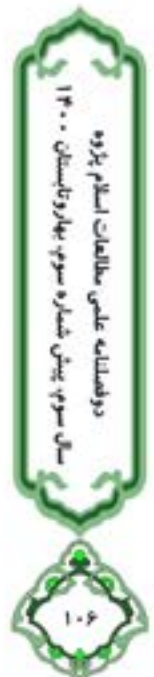
اگرچه مخاطب این بیانیه امت اسلامی است، اما هسته اصلی مخاطبان را در این بیانیه جوانان تشکیل داده‌اند و این مهم تا جایی پیش می‌رود که بعدها رهبر انقلاب برای برون رفت از مشکلات به تشکیل یک دولت جوان انقلابی و حزب الهی توصیه می‌کند.

یکی از موضوع‌های که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره شده است، لزوم معنویت و اخلاق برای نسل جوان است که وسیله‌ای می‌تواند باشد در جهت رشد اجتماعی جوانان. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های خود مکرراً به موضوع لزوم توبه و استغفار اشاره کرده‌اند از جمله سخنرانی ایشان در دیدار جمعی از مداحان که فرمودند: باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تطهیر کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمی‌شود رسید (سخنرانی مقام معظم رهبری در جمعی از مداحان، ۱۳۹۵/۱/۱۱).

توبه یعنی برگشت از راه غلطی که ما با گناهان خود، با غفلت‌های خود، آن راه را رفتیم. معنای انابه این است که توجه به خدای متعال پیدا کنیم برای حال و آینده. گفته‌اند فرق بین توبه و انابه این است که توبه مربوط به گذشته است، انابه مربوط به حال و آینده است. هم از گناهان، از خطاها، از کردار زشت خودمان در هر بخشی که از ما سرزده، پیش خدای متعال عذرخواهی کنیم، استغفار کنیم و برگردیم و هم انابه کنیم از حال و در آینده (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسئولین، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰).

مقام معظم رهبری پیشرفت جوانان را در رشد معنویت و اخلاق می‌دانند و از نظر





۱-۲. پیوند و همبستگی اجتماعی

توبه یکی از آثار مهم اجتماعی پیوند و همبستگی اجتماعی است. خداوند در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» پس اگر توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، برادران دینی شما هستند و ما آیات را برای قومی که می‌فهمند توضیح می‌دهیم (توبه: ۱۱).

۱-۳. افزایش توان و قدرت و نیرو

بهترین پیامدهای توبه، بهره‌مند شدن از لذات دنیوی و رزق و روزی و قدرت و توان و نیرو است. قرآن مجید می‌فرماید: از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آموزنده است تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما بفرستد و اموال و فرزندان را افزونی بخشد و باغ‌های سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد. علاوه بر این می‌فرماید: وای قوم من! از پروردگار خویش آموزش بخواهید و آنگاه به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما باران بیایی فرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید و مجرمانه روی برنمایید. «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۶).

۱-۴. بازیابی اعتماد ازدست‌رفته در جامعه

بازیابی اعتماد ازدست‌رفته در جامعه یکی از پیامدهای توبه است. خداوند در این باره می‌فرماید: و از شما آن دو تنی که به فحشاء اقدام کنند هر دو را آزار دهید. پس اگر توبه کردند و نیکوکار شدند، از آنان درگذرید به‌راستی خداوند توبه‌پذیر و مهربان است (نساء: ۱۶).

۱-۵. برخورداری از محیطی امن و آکنده از صلح و صفا

پالایش از گناه و تخلق به اخلاق الهی، مقدمه دستیابی انسان به مواهب دنیایی و ساختن جامعه‌ای آباد و سعادت‌مند است. چراکه هر کس می‌داند دروغ و تقلب و دزدی و فساد شیرازه زندگی اجتماعی را به هم می‌ریزد و می‌داند که ظلم و تبعیض و ... زندگی را تیره‌وتار می‌کند. پس پاک‌سازی دنیای وجود از آلودگی‌های گناه و فساد و آراستگی به ارزش‌های انسانی، جامعه را به‌سوی تکامل پیش می‌برد و محیطی امن و آکنده از صلح و صفا به وجود می‌آورد. انسان نیز از همین رهگذر می‌تواند بیشتر و بهتر از مواهب زندگی بهره‌مند و زندگی‌اش شیرین شود و این‌همه از آثار توبه و بازگشت به خدای متعال است. «تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا» به‌سوی او بازگردید تا به طرز نیکویی شما را بهره‌مند سازد (هود: ۳).

۲. نقش توبه در رشد اجتماعی جوانان از دید بیانیه گام دوم

جامعه ایران، جامعه جوانی به شما می‌رود که اکثر جوانان آن تحصیل‌کرده دانشگاهی

و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بیگمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را بازور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌های پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌کنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره‌ی پیشرو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود (بیانیه گام دوم انقلاب، دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸).



ایشان جوانان برای رشد در اجتماع و اعتماد به آن‌ها در کارهای مهم و سرنوشت‌ساز رشد معنویت در سایه خودسازی و آراسته شدن به اخلاق حسنه است که یکی از عوامل خودسازی توبه می‌تواند باشد. معظم له در قسمتی از بیانیه گام دوم انقلاب به افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه اشاره می‌کنند:

عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی

منابع

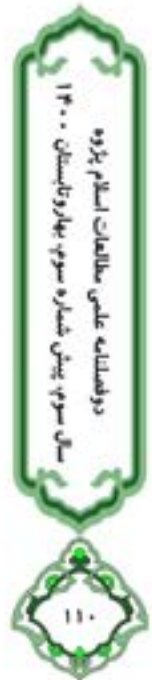
- قرآن مجید

۱. نهج البلاغه، نسخه استاد محمد دشتی.
۲. ابن منظور، جمال‌الدین، لسان العرب، دار صادر بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللالی، انتشارات سیدالشهداء، قم، چاپ اول، ۱۴۰ م.
۴. الهامی نیا، علی‌اصغر، اخلاق اسلامی، ناشر معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه، سال ۱۳۶۰.
۵. احسایی، احمد بن زین‌الدین، الفوائد، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۷.
۶. بهاری، محمد، تذکره المتقین، نور فاطمه، تهران، ۱۳۶۱.
۷. تمیمی آمدی، غرالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سال ۱۳۶۶.
۸. خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
۹. ظفر نوابی، خسرو، مقاله حقیقت توبه در عرفان و نهج‌البلاغه، نشر حوزه، قم، ۱۳۸۹.
۱۰. سهرابی، علی، احمدی، محمدرضا، روان‌شناسی رشد، چاپ ۲۶، بی‌جا، سمت، ۱۳۸۰.
۱۱. ستوده، منوچهر، مقاله رشد، بی‌نا، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. راغب اصفهانی، محمد، مفردات الفاظ قرآن، جلد ۹، بی‌جا، انتشارات مرتضوی،
۱۳. قرشی، سید علی‌اکبر، تفسیر أحسن‌الحديث، ج ۵، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه الهلال، بیروت، بی‌تا.
۱۵. کلینی، ابی جعفر علی‌اکبر، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸.
۱۶. گرما رودی، محمد، درس‌هایی از تربیت اسلامی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۱۷. گل وردی یزدی، حمیده، توبه، ناشر سیمای ولایت، قم، ۱۳۸۰.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی (معین)، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۲۴۲.
۱۹. مسعود، محمد، تفسیر عیاشی، العلمیه الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. وطن‌دوست، علی، مقاله آثار فردی و اجتماعی توبه از نظر اسلام، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۵.
۲۲. هندی، علاء‌الدین، کنز العمال، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ.
۲۳. هاشمیان، محمدرضا، مقاله جوان و رشد، محل نشر اولین کنفرانس ملی دولت همراه، تهران ۱۳۸۵.
۲۴. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، مرکز چاپ سپاه، ۱۳۹۷.



نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه در این تحقیق بیان شد، می‌توان گفت، توبه و بازگشت به‌سوی فطرت الهی، دری از درهای رحمت خداوند است که تنها به موجودی به نام انسان اختصاص داده تا همه آن‌ها در هر مرتبه و درجه‌ای که هستند به‌اندازه بهره‌ وجودی خویش از آن استفاده کنند و اگر بر اثر لغزش در دام شیطان گرفتار شوند، بتوانند از این راه خود را نجات دهند. خداوند مهربان در آیات بسیاری وعده پذیرش توبه را به بندگان خود داده است لکن توبه‌ای را خواهد پذیرفت که از اعماق جان و همراه با پشیمانی از گذشته باشد. در پرتو همین توبه حقیقی و خالصانه آثار و برکات درخشانی هم در دنیا و هم در آخرت نصیب شخص توبه‌کننده می‌گردد. این آثار و برکات توبه در بعد فردی و اجتماعی را می‌توان با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، هنری و با روش‌های فرهنگی، تبلیغی گسترش داد و آن‌ها به توبه‌ای که در عمق جان افراد نفوذ کرده و فطرت خداجوی آن‌ها را بیدار ساخته و آن‌ها را به اصالت خود رهنمون گردانیده، تبدیل ساخت و از این طریق جلوی بسیاری از مفاسد و جنایات گرفته‌شده و تحول و دگرگونی عظیمی در جامعه ایجاد شود.



آسیب‌شناسی رفتار حاکمان اسلامی در مواجهه با مردم از منظر نهج‌البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سیده محبوبه میرائی^۱

چکیده

مدیریت در جوامع، یک امر ضروری است. موضوع مدیریت را می‌توان از ابعاد مختلف موردبررسی قرارداد. مکتب اسلام با توجه به هدفی که برای آفرینش انسان لحاظ کرده، یعنی عبودیت و تقرب الی الله مدیریت را در همین راستا تعریف می‌کند. حضرت علی حکومت را تا زمانی مشروع می‌داند که در پی حق باشد؛ بنابراین جامعه بشریت همواره نیازمند بهره‌مندی از حکومت الهی است تا با استفاده از رویکرد صحیح در مسیر پیشرفت دین و تکامل بشر بکوشد و به هدف والای خلقت انسان و خشنودی پروردگار عالم دست یابد. این مقاله درصدد بررسی رفتار مدیران از منظر نهج‌البلاغه و بیانیه گام دوم و منویات رهبر معظم انقلاب است. هدف این نوشتار کشف آسیب‌های رفتاری حاکمان اسلامی از منظر نهج‌البلاغه برای مدیران اسلامی در جهت حصول توفیق در مسئولیت مربوطه می‌باشد. روش به‌صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و به مبانی فکری و اندیشه حضرت علی و سیره عملی ایشان در سیاست پرداخته است. در این مقاله اخلاق سیاسی حاکمان در نهج‌البلاغه با توجه سیره و سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) همگام با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی موردبررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: رفتار حاکمان اسلامی، آسیب‌شناسی، بیانیه گام دوم، نهج‌البلاغه.

۱. دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه عالی حضرت آئمه (علیهم‌السلام) قم، s.m.miraii58@gmail.com

مدیریت در تاروپود حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه گره خورده است. سوء مدیریت می‌تواند تمام پیشرفت‌ها را مختل نماید و حتی مخرب بوده و عامل عقب‌ماندگی جوامع است. هرکجای تاریخ نقطه درخشانی وجود دارد محصول تدبیر مدیران شایسته است که از دانش مناسب برخوردار بوده و یا از افکار دانشمندان بهره برده‌اند. کتاب‌هایی که در زمینه مدیریت از دیدگاه اسلام و روایات نوشته شده است پیرامون اصل مدیریت است و در مورد سوء مدیریت یا پیامدهای مدیریت سوء مبتنی بر روایات کمتر پرداخته شده، نکته دیگر اینکه این کتاب‌ها مباحث مدیریتی را اصل قرار داده و به روایات به عنوان مؤید پرداخته است و در ادبیات دانشگاهی مباحثی چون بیماری‌های مدیریت و یا آسیب‌شناسی مدیریت و آفات مدیریت مطرح شده است. حال سؤال این است وظایف حاکمان اسلامی در قبال مردم جامعه از منظر نهج‌البلاغه چیست و چه عواملی به آسیب و ایجاد مشکل در حاکمیت اسلامی منجر می‌شود؟ در این نوشتار سعی بر این است سیره مدیریتی حضرت علی (ع) اصل و اساس این بحث باشد همگام با بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب منتشر شد و وجه تمایز آن همین ارتباط با متن بیانیه گام دوم و مطابق با فرمان‌ها و دستورات حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌باشد. به بیان حکومت از دیدگاه امام علی (ع) پرداخته شده است، در ادامه به تشریح عوامل آسیب‌زا در حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه که جهل و ظلم‌پذیری، اختلاف و پراکندگی، بی‌تفاوتی در یاری حق، ترک امر به معروف و نهی از منکر، انزوای صالحان، بی‌عدالتی در رفتار و توزیع بیت‌المال، ضعف نظارت و استبداد رأی حاکمان از مصادیق بارز آن می‌باشد پرداخته شده و در پایان راه‌های رفع آسیب با توجه به کلام گهربار امیرالمؤمنین و فرمایشات مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم بیان شده است.

حکومت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه

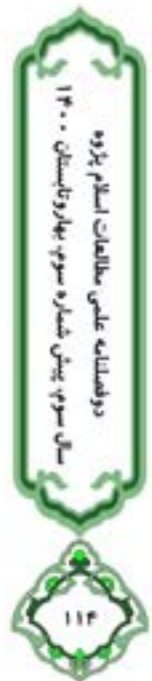
در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه حدودمرزها و زوایای یک حکومت الهی مطرح شده است. امام وجود حکومت را برای جامعه امری ضروری می‌داند و در این باره می‌فرماید: «و انه لا بد للناس من امیر برّ او فاجر» مردم را به زمامداری نیک یا بد نیاز است (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰). منظور امام از حکومت بر مردم همان نیست که در فرهنگ متداول جهان کهن و امروزی از آن فهمیده می‌شود، یعنی حکومت مترادف با سلطه، تحکم، فرمانروایی و در عین حال برخورداری حاکم از امتیازات ویژه در زندگی. از دید امام (ع) حکومت تنها شایسته کسانی است که دارای سه ویژگی در حد بالا باشند، آن سه ویژگی عبارت‌اند از علم، عدالت و توانمندی: «ایها الناس ان احق الناس بهذا الامر اقومهم عليه و اعلمهم بالله فيه» ای مردم سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن‌کسی است که در تحقق

مقدمه

از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و اجتماع هم یک شبکه درهم تنیده از روابط میان افراد انسانی است به ناچار نیازمند تدبیر و مدیریت است و به فرموده امیر مؤمنان علی (علیه السلام): «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ امِيرٍ بَرٍّ او فَاجِرٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). مردم بالضروره محتاج مدیرند نیک باشد یا بد، چراکه در جامعه بدون حاکم و مدیر به دلیل هرج و مرج و ناامنی راه تکامل و رشد برای همگان بسته می شود. از نگاه اسلام مدیریت مطلق از آن خداوند است زیرا او رب العالمین است و ربوبیت او همه عالم را فراگرفته است و تمام مدیریت ها به مدیریت الله بازمی گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵).

«شمایید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (علیه السلام) است نزدیک کنید» (بیانیه گام دوم، ص ۴، بند ۲). همواره بزرگترین آرمان بشریت به ویژه شیعیان عالم فرارسیدن دوران ظهور منجی موعود بوده و بدیهی است که قرار نبوده و نیست که دستیابی به این دوره طلایی از طریق معجزه الهی و بدون اراده و همت بشری رخ دهد و این سنت الهی است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) خداوند سرنوشت هیچ قوم و گروهی را تغییر نمی دهد مگر اینکه خود، آنچه درونشان است تغییر دهند. پس بشریت باید دست به کار تغییر شرایط شوند و با ایجاد تمدن نوین اسلامی زمینه را برای میزبانی آن حضرت در دوران ظهور فراهم نمایند. سه مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی در طول یکدیگر و از مهم ترین گام ها در راستای زمینه سازی ظهور محسوب می شوند.

رهبری در متن بیانیه می فرماید: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد: در گام نخست رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جانمایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد و جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد». درباره ضرورت مدیریت نیازی به سخن گفتن بیش از این نیست، اما مشکلاتی که از سوء مدیریت حاکمان و مدیریت حاکمان سوء در طول تاریخ زندگی بشر پدید آمده ضرورت این بحث را روشن می کند: چرا کشورهای اسلامی از اوج قدرتی که در گذشته داشتند به ابزار دست دشمنان تبدیل شده اند؟ چرا بیشترین ناامنی در کشورهای اسلامی وجود دارد و هرروز جان و مال مردم مورد تهدید قرار می گیرد؟ چرا فرهنگ وجدان کاری و استفاده از فرصت ها و مصرف بهینه در کشورهای اسلامی بسیار کم رنگ است؟ و چرا باوجود اینکه جمعیت مسلمانان حداقل یک پنجم جمعیت دنیاست هیچ گونه تأثیرگذاری در عرصه های بین المللی ندارند؟ تمام این مشکلات درآورد که انسان های باغیرت به خاطر آن خون دل می خورند ناشی از مدیران نالایق و وابسته در کشورهای اسلامی است.



- طهارت اقتصادی شرط مشروعیت
- ایجاد نهادهای نظارتی تیزبین و قاطع
- ایجاد صلاحیت‌های بالا در مبارزه کننده با فساد
- رفع محرومیت و شکاف عمیق طبقاتی
- جلوگیری از تبعیض، ویژه خواری و سایر مؤلفه‌های بی‌عدالتی
- اجرای سیاست‌های عدالت گرایانه از طریق جوانان مؤمن، انقلابی، دانا و کاردان

- بایسته‌های کارگزاران جامعه اسلامی برگرفته از متن بیانیه گام دوم
- ایمان، پاک دستی و جهادی بودن: «همه باید بدانند طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است».
- شجاعت، حکمت و جهادی بودن: «...این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید».
- کارآزمودگی در کار و پرانگیزه بودن در حراست از انقلاب: «شما باید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است نزدیک کنید».
- داشتن منش و رفتار اخلاقی و معنوی: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است... اخلاق و معنویت با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند».
- مجموعه جوان، دانا، مؤمن و متخصص میدان‌داران اصلی: «یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد».

آسیب‌شناسی

جوامع انسانی در طول تاریخ خود همواره از انواع انحرافات آسیب‌های اجتماعی رنج برده‌اند لیکن هر قدر به دوران جدید نزدیک‌تر می‌شویم، همان‌گونه که بر حجم آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده افزوده می‌شود بر میزان تلاش‌ها در جهت رفع ناهنجاری‌ها و ایجاد زمینه‌های مناسب برای عدم بازگشت به وضعیت‌های نامطلوب نیز بیش‌تر می‌شود. امراض و اختلالات اجتماعی و فرهنگی برخلاف امراض و اختلالات روانی جسمانی دارای تعاریف روشنی نیست و از این رو ممکن است یک آفت و آسیب برای جامعه‌ای آسیب و برای جامعه‌ای دیگر کاملاً عادی و بهنجار جلوه کند. درعین حال



حکومت توانمندتر و داناترین به امر الهی است (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). حکومت از منظر امام (علیه السلام) تنها وسیله‌ای است جهت دستیابی به اهداف بالاتر از جمله اقامه عدالت اجتماعی، یاری مظلومان، تأمین امنیت مردم، حاکمیت دین و مسائل مهم دیگر. امام علی (علیه السلام) نگرش خود را به ابزاری بودن حکومت با عبارات زیر به زیبایی نشان می‌دهد: «دنیاکم هذه أزه عندي من عطفه عز» دنیای شما نزد من از آب بینی بزی بی‌ارزش‌تر است (نهج البلاغه، خطبه ۳). امام (علیه السلام) در جای دیگری دنیا را از استخوان خوک مرده در دست مرد جذامی پست‌تر می‌شمارد: «والله لدنیاکم هذه أهونُ فی عینی من عراق خنزیر فی ید مجذوم» به خدا سوگند این دنیای شما در دیده من از استخوان خوکی در دست بیمار جذامی پست‌تر است (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۶). روشن است که امیر مؤمنان لزوم صلاحیت‌های اخلاقی را برای همیشه بیان کرده و پیروان اسلام راستین را به رعایت آن ملزم ساخته است چنانکه خود و پیامبر تا آنجا که امکان داشت مسئولین نظام را با چنان معیارهایی انتخاب می‌کردند. با توجه به توصیه‌های حضرت، یاد خدا، یاد مرگ، تمسک به قرآن و مراقبت از نماز به عنوان نمونه‌های از توصیه‌های مذهبی حضرت بیان شده است و خوش رفتاری و امانت‌داری و تواضع، دوری از تکبر، میانه‌روی و جلوگیری از اسراف، رازداری و پوشاندن عیوب مردم به عنوان توصیه‌های اخلاقی امیرالمؤمنین (علیه السلام) مطرح شده است (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ۵۳، ۵۶۹). مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم چهار مرتبه از صفت کارآمد در ترکیب‌هایی شامل جوان کارآمد، نیروی انسانی کارآمد، مدیران کارآمد و دستگاه کارآمد استفاده می‌کند که از لحاظ تحلیلی محور اصلی متن و راهکار ورود به مسائل اساسی آینده محسوب می‌شود. اشاره ایشان به اینکه «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی دینی است» از جمله عبارات مندرج در متن بیانیه است که بر ضرورت کارگزاران کارآمد تصریح می‌کند که در قالب گزاره‌ای استنتاجی می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که اگر ناکامی و کاستی‌هایی از گذشته تا امروز در حوزه‌های موضوعی مختلف کشور مشهود است، بخش درخور ملاحظه آن ریشه در ناکارآمدی کارگزاران آن دارد و از سوی دیگر پیش‌شرط و لازمه ورود به گام دوم مواجهه با مسائل اساسی کشور نیز وابسته به مدیران و کارگزاران کارآمد است. در بیانیه گام دوم فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی به عنوان توده چرکین کشورها و نظام‌ها قلمداد می‌شود که اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر به پا می‌کند و به مشروعیت آن‌ها ضربه مهلکی وارد می‌کند. از آنجاکه نظام جمهوری اسلامی نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، در این رهنامه بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از نیاز دیگر نظام‌ها به این مقوله نگرسته می‌شود. لذا برای تحقق این امر، راهبردهای ذیل ارائه می‌گردد:

- لازم و ملزوم بودن عدالت و مبارزه با فساد

«انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود و چپ و راست مدرنیته از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید تا تلاش گسترده برای خفه کردن آن هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند» (بیانیه گام دوم، ص ۳، ۱۳۹۷).

ج. جامعه سالم در گرو گذر از سختی ها و مشکلات

از مجموعه آیات و روایات معلوم می شود که تحقق امر نهایی و دستیابی به کمالات مادی و معنوی در جامعه تنها در سایه تلاش و گذر از سختی ها میسر است. حضرت در خطبه ۸۸ بر این حقیقت صحه گذاشته و نیل به تعالی را در سایه تحمل سختی ها می داند. ایشان می فرمایند: «خداوند استخوان های شکسته ی هیچ امتی را پیش از گذراندن دوران سختی و فشارترمیم نکرده است.» در متن بیانیه هم آمده است: «مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس با ذکر دعا و ایثار همراه شد و ماجرای صدر اسلام را زنده کرد. پدران و مادران و همسران از عزیزان خود دل کنند و سپس با پیکر خون آلود آنان روبرو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند».

د. اعمال ناپسند عامل سقوط و هلاکت

نهج البلاغه زشت کاری ها را از جمله عامل منع برکات الهی و در نهایت سقوط و هلاکت امت ها بر شمرده و به عنوان آسیبی جدی برای جامعه به آن اشاره کرده است: «از طنین فاجعه هایی که برای امت های پیشین به کیفر بدکاری های آن ها فرود آمد دوری کنید و در احوال نیک و بد چگونگی آن ها را به یاد آورید و از اینکه به چنان سرنوشتی دچار آید بهر اسبید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). در متن بیانیه رهبری می فرمایند: «وسوسه مال و مقام حتی در علوی ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین کسانی را لغزاند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد و ساده زیستی می دادند هرگز بعید نبوده و نیست.»

ه. گشایش، عزت و امنیت در سایه ایمان

حضرت ضمن دعوت مؤمنان به تأمل در احوال گذشتگان به این نکته توجه می دهد که در دوران طاغوت ها و فراعنه کسانی که صبوری پیشه کنند و از سوء رفتار آن ها به خدا پناه ببرند گشایش و عزت الهی را به ارمغان می برند. در سرگذشت مؤمنان پیشین نیک بیندیش که در سختی ها چگونه بودند... فرعون های زمان، آن ها را به بردگی گرفته بودند... تا این که خداوند تبارک و تعالی دید که آنان در محبت او تمام ناملایمات را تحمل می کنند پس تنگنای گرفتاری هایشان را به گشایش و خواری شان را به عزت تبدیل کرد و از کرامت خداوندی چندان بهره بردند که در عالم، همه آرزوی رسیدن به آن را ناممکن می دانستند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). مقام معظم رهبری می فرمایند: «صحنه های جهانی امروز شاهد پدیده هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری



وظیفه شناسایی و تشخیص آسیب‌های فرهنگی در جوامع دینی از آن‌رو که عناصر دینی با عناصر فرهنگی در آمیخته‌اند و فرهنگ جامعه شکل دینی است تا حدی آسان به نظر می‌رسد چراکه معیارها و ضوابط دینی برگرفته از قرآن و سنت عمدتاً ثابت و لایتغیر است. از آنجاکه بحث این مقاله آسیب‌شناسی در جامعه دینی است و نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از منابع معتبر در مجموعه منابع دینی عهده‌دار تحلیل‌های عقلانی اجتماعی و ازجمله توجه به افات و آسیب‌های زندگی اجتماعی می‌باشد، لذا در این زمینه از این کتاب شریف و گفتار گهربار امام علی بهره‌برداری شده، به‌ویژه که بخش زیادی از گفتار حضرت در دورانی است که مردم جامعه حکومت دینی را تجربه کرده و آن حضرت حاکمیت آن را به عهده دارد. بررسی علل و عوامل انحراف جامعه دینی به‌طور اساسی مبتنی بر شناخت و بررسی مجموعه‌ای از مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که عمدتاً در جهان‌بینی دین قابل بازیافت است. نهج‌البلاغه در کنار قرآن کریم یکی از محدود منابعی است که به بسیاری از این مبانی پرداخته و در این جهت توانسته است روزه‌ای بر صاحبان اندیشه بازنماید که از آن جمله بحث از سنت‌ها و قوانین الهی که بر حیات بشری و تاریخ او حاکم است. شهید محمدباقر صدر در کتاب سنت‌های تاریخ در قرآن سه ویژگی عمده سنت‌های اجتماعی تاریخی را این‌گونه بیان می‌کند که این سنت‌ها متناسب به خداوندند، سنت‌های الهی قابل تحویل و تبدیل نیستند و پذیرش قانونمندی روابط اجتماعی و حوادث تاریخی هیچ‌گونه ناسازگاری با مختار بودن انسان ندارد (آقای، ۱۷۵، ص ۱۳۸۰). سنت‌ها و قوانین حاکم بر جامعه از نگاه حضرت علی در نهج‌البلاغه این‌گونه بیان شده است:

الف. هدایت همیشگی در جامعه بشری

حضرت علی در نهج‌البلاغه به‌تبع قرآن حکیم هدایت الهی را به‌طور مستمر شامل حال انسان‌ها دانسته می‌فرماید: «راستی که اگر دیده بگشایید، حقیقت در نگاهتان نشانده‌اند و اگر گوش فرا دارید حقایق لازم را در گوشتان فرو خوانده‌اند و اگر هدایت را پذیرا باشید شمارا ره نموده‌اند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰). «انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی به دست نیامد» (بیانیه گام دوم، ص ۵، ۱۳۹۷).

ب. آزمایش حتمی و دائمی

بشر به‌حکم ضرورت در سرتاسر زندگی از آغاز تا پایان تحت آزمایش الهی است. از این‌رو تمام اعمال او محکی است برای سرنوشت ابدی او که در بخش‌های گوناگون نهج‌البلاغه می‌توان رد آن را گرفت. نمونه‌ای از آن را در نامه‌ای است که حضرت به معاویه نوشته در آن یادآوری می‌کند: بیگمان خدای سبحان دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی پس از آنجا قرار داده و آن را برای مردم بوته آزمونی ساخته تا هر آن که را نیکوکارتر است بازشناسد... و ما در این دنیا آمده‌ایم تا به آن آزمون شویم (نهج‌البلاغه، نامه ۵۵).

بشر در تمام اعصار و جوامع می‌باشد (گروه محققین، ۱۳۷۵). حضرت علی در بخشی از وصیت خود به امام حسن می‌فرماید: «بر پایه رویدادهای تاریخی گذشته در مورد آینده استدلال کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ و یا در بخش دیگری از همین وصیت‌نامه می‌فرماید: «فرزند عزیزم هرچند که من به اندازه تمام نسل‌های گذشته عمر نکرده‌ام اما در کار آنان نیک نگریده‌ام و در اخبارشان اندیشیده‌ام و در میان آثار به جای مانده از آنان گردیده‌ام آن‌چنان که خود یکی از آنان شده‌ام»؛ و یا در خطبه دیگری حضرت به این نکته اشاره دارد که: «ای بندگان خدا بی‌گمان زمانه آیندگان را می‌راند چونان که گذشتگان را راند» (همان) در توصیه‌ای هم به حارث حمدانی فرمودند: «از گذشته دنیا آینده‌اش را چراغ عبرتی بساز، چراکه پاره‌های تاریخ با یکدیگر همانند باشند و در نهایت پایانش به آغازش می‌پیوندد» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶).

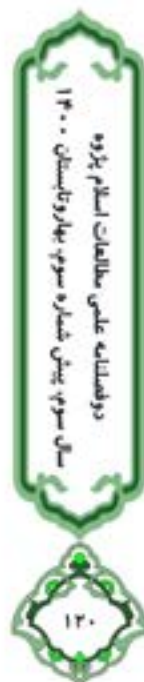
علل آسیب الف) جهل

شاید بتوان گفت نقش تخریبی جهل و نادانی در زندگی بشر با عمر او همسان است، اعم از جهالت قبایل و اقوام بی‌فرهنگ یا جهالت حاکمان مستبد و یا جهالت همراه با ظلم انسان‌هایی که به این حاکمیت تن می‌دهند. در بخش‌هایی از نهج البلاغه جهل به عنوان یکی از عوامل سقوط و نابسامانی تلقی شده است: «ای بندگان خدا بر جهل خویش تکیه نکنید و بر یوغ هوس‌هایتان گردن منهدید که هرکه چنین کند بر لبه‌ی پرتگاهی سست جای گرفته است» (نهج البلاغه، نامه ۶۹). در بخشی دیگر پس از گذر از دوران خلیفه‌ی دوم در هنگام تشکیل شورای خلافت وضعیت پیش آمده را معلول جهل و نادانی دانسته ضمن دعوت دیگران به اطاعت از خود می‌فرماید: «در آینده‌ای نه‌چندان دور جریان خلافت را به سرنوشتی دچار می‌بینید که شمشیرها آخته و عهد و پیمان‌ها شکسته خواهد شد چنان‌که گروهی از شما درحالی‌که جاهلان گذشته را پیرو هستدید، گمراهانی را رهبر شوید.» و بالاخره حضرت در خطبه‌ی قاصعه از جمله عوامل عمده‌ی وحدت‌شکنی را جهالت دانسته و تفرقه بین امت واحده را ناشی از روی آوردن به نادانی می‌داند: «زنها که اینک دست از رشته‌ی طاعت کشیده‌اید و با احکام جاهلیت بر دژ الهی که فرا گردتان کشیده شده است شکاف وارد آورده‌اید.» مقام معظم رهبری در متن بیانی به همین نکته اشاره می‌کنند: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است» (بیانیه گام دوم، ۹، ص ۱۳۹۷).

ب) ظلم و ظلم‌پذیری

بخشی از سخنان حضرت گویای این است که وجود روابط ظالمانه در جامعه و همچنین تن دادن به ظلم، زمینه‌ی هلاکت و نیستی جامعه را فراهم می‌کند. در روابط





اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه امریکا، گسترش حضور قدرتمندانه جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه و این‌ها بخشی از عزت جمهوری اسلامی است» (بیانیه گام دوم، ص ۳، ۱۳۹۷).

و. مستضعفان وارثان زمین

اگر یکی از اهداف عالی حکومت اسلامی و جامعه‌ی دینی و جهت حرکت آن رهانیدن بشریت از استضعاف باشد علی علیه السلام نیز به تبع قرآن یادآور می‌شوند که دنیا پس از سرکشی و چموشی‌هایی که علیه خوبان دارد، در نهایت با آن سر سازش خواهد گذاشت: «دنیا از پس دورانی که سرکشی کند با ما همچون اشتري چموش با فرزند خود مهربان خواهد شد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). در اینجا حضرت این آیه را تلاوت کردند «تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵). «در گام نخست رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد» (بیانیه گام دوم، ص ۶، ۱۳۹۷).

ز. پیروی و اطاعت از اهل بیت تنها راه نجات جامعه انسانی

در بخش‌هایی از نهج البلاغه آنجا که حضرت در صدد معرفی پیامبر گرامی و توصیف اهل بیت و همچنین شخص خود می‌باشد این گونه برداشت می‌شود که سرنوشت آینده‌ی حکومت‌های جهان تن دادن به پیروی از سنت اهل بیت خواهد بود. آنجا که می‌فرماید: «از این امت هیچ‌کس نیست که با آل محمد- که درود خدا بر او و خاندانش باد- شانه‌به‌شانه بساید و آن دیگران که همواره ریزه خوان نعمت ایشان هستند هرگز نمی‌توانند با آنان پهلوی زنند که این خاندان پایه و زیرساخت دین هستند، تندروان به سویشان باز آیند و واپس ماندگان کند رفتار ناگزیرند که خود را به ایشان برسانند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳). «و دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی تأییدشده‌ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و خیانت امکان‌پذیر نمی‌شد» (بیانیه گام دوم، ص ۵، ۱۳۹۷).

عوامل آسیب

در اینجا پیش از بررسی علل و عوامل انحطاط و آسیب‌شناسی آن مناسب است تا از نظرگاه حضرت علی علیه السلام ویژگی مشترک جوامع یعنی اشتراک همه در قوانین جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار گیرد. با مطالعه منابع دینی و روایی و بررسی گفته‌های جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان معلوم می‌شود که سیر حرکت امت‌ها در طول تاریخ نظیر هم و یکسان است. به این معنا که انسان‌ها در طول حیاتشان صرف‌نظر از تعلقات طبیعی، جغرافیایی، نژادی و ملیتی و همچنین صرف‌نظر از انتساب به زمان و عصر خاصی، مسیر مشترکی طی می‌کنند. از این نظر شباهت و تکرار، وجه مشخص رفتار عمومی و نوعی

انصاف بین یکدیگر می‌فرماید: «هنگامی که ملت بر زمام دار خود چیره شود و زمام دار از در زورگویی درآید، اختلاف کلمه روی می‌دهد نشانه‌های جور آشکار می‌شود، دغل‌کاری در دین افزایش می‌یابد و راه‌های اصلی سنت بی‌رهر و می‌ماند، هوا و هوس مبنای عمل قرار می‌گیرد و احکام به تعطیلی کشانده می‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۴). درواقع حضرت عدم هماهنگی در رعایت حق میان والی و مردم را از مصادیق اختلاف تلقی کرده در عین حال آن را تشدیدکننده‌ی اختلاف و درگیری بین مردم و حکومت می‌داند. در متن بیانیه هم به این مهم اشاره شده است: «...تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۳).

د) بی‌تفاوتی در یاری حق

یکی دیگر از عوامل گسترش انحرافات اجتماعی بی‌تفاوتی در یاری حق، سهل‌انگاری و تسامح در احقاق حقوق مظلومان است. از این رو حضرت در گفتار متعددی مردم را از خطر بی‌تفاوتی آگاه ساخته، داشتن روحیه‌ی مبارزه و عدم سکوت در مقابل ظلم را یادآور شده‌اند: «ای مردمان اگر شما در یاری حق بی‌اعتنا نمی‌ماندید و در کوباندن قاتل سستی نمی‌کردید کسانی که هم سنگ شما نبودند در شما طمع نمی‌کردند و اینان که امروز در برابر شما نیرو گرفته‌اند چنین نیرومند نمی‌شدند؛ اما افسوس که به سردرگمی دچار آمدید! به جان خودم سوگند این سردرگمی هر روز بیشتر خواهد شد چراکه شما حق را پشت سر نهادید و به دورترین و بیگانه‌ترین کسان پیوستید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶). همچنین در خصوص بی‌تفاوتی مردم در برابر آسیب‌های اجتماعی می‌فرماید: «فساد چهره نموده است، اما کسی به انکار و تغییرش بر نمی‌خیزد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). «هرگاه دل‌زدگی پیش آمده از روی گردانی مسئولان از ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۳).

ه) ترک امر به معروف و نهی از منکر

تواصی به ارزش‌ها، هنجارها و معروف‌های جامعه و تناهی از بدی‌ها و منکرهای اجتماعی، بر قوت و استحکام و شیرازه نظام باطنی و معنوی می‌افزاید و آن را از آسیب‌پذیری مصون می‌دارد. در این باره حضرت در بخشی از خطبه قاصعه می‌فرماید: «به‌درستی که خداوند سبحان دوران گذشته را مورد لعن قرار نداد مگر به سبب آن‌که آنان امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس او سفیهان را به سبب ارتکاب معصیت و به سبب ترک بازداشتن، آن‌ها را مورد لعن قرار داده است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۶)؛ و در نامه ۴۷ در وصیتی به فرزندان فرمودند «امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی بر شمارا به دست می‌گیرند، آنگاه هرچه دعا می‌کنید از شما



اجتماعی ظلم حاکی از توزیع نامساوی و تقسیم ناعادلانه‌ی ارزش‌های مطلوب نژادی خاص و محروم ماندن سایر اصناف از دستیابی به آن و محروم کردن افراد جامعه از اظهارنظر در مورد امور مهم سیاسی و حوادث مهم اجتماعی بیانگر وجود ظلم در جامعه است. در این رابطه حضرت در مقام بیان بعضی از علل انقراض اقوام گذشته می‌فرماید: و اما بعد همانا حاکمان ظالم که پیش از شما بودند هلاک شده‌اند آنان حق مردم را ندادند و یا با رشوه خریدند و به راه باطلشان بردند و آنان نیز پیروی کردند (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۹). «نماد پر ابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدوران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آن‌ها امریکای جنایتکار و جهان خوار روزبه‌روز برجسته‌تر شد» (بیانیه گام دوم، ۹، ص ۱۳۹۷). همچنین در بخشی از نامه حضرت به مالک آمده است «ای مالک هرگز مباد که خود بگویی مرا فرمانروایی داده‌اند، فرمان می‌دهم و باید بی‌درنگ اجرا شود که این سیاه‌کننده‌ی دل، ویرانگر دین و عامل نزدیکی به انفجارها است و هیچ‌چیز همچون ستمگری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد که خداوند شنوای دعای ستم دیدگان و در کمین ستمگران».

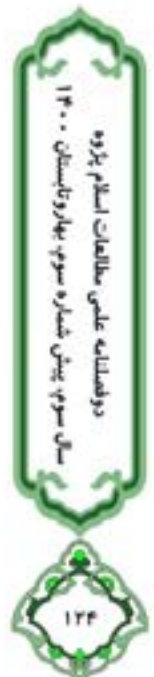
ج) اختلاف و پراکندگی زمینه‌ی شکست ملت

شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ در زمینه‌ی علل و عوامل انحطاط جامعه چهار عامل عمده را در این زمینه مورد تأکید قرار داده و آیات قرآنی ناظر به آن‌ها را نیز یادآور شده است که عبارت‌اند از بی‌عدالتی و ظلم، تفرقه و پراکندگی، ترک امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فساد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۵۸). از این مجموعه عوامل شاید مسئله‌ی تفرقه و پراکندگی بیشترین ضریب را داشته باشد، لذا است که در سراسر خطبه قاصعه مسئله‌ی اتحاد و اختلاف اساسی‌ترین محوری است که بر آن به‌عنوان پیروزی و شکست جوامع تکیه شده است. نکته‌ی قابل‌توجهی که در این خطبه مشهود است ارتباط این مسئله با استکبار است، به این معنا که اتحاد طبیعی آنگاه پیش می‌آید که رهبران جامعه از استکبار و خودمحوری وارسته باشند و از در دوستی با مردم درآیند و به‌جز خدمت هدف دیگری مطرح نباشد و چنین است که انگیزه‌های شخصی و طبقاتی که از آن به‌عنوان زمینه‌های اصلی پراکندگی یاد می‌شود همه در خداپرستی حل شود و اگر نه ناگزیر نموده‌ای استکبار زمینه‌ی پراکندگی‌ها خواهد بود. حضرت در بخشی از خطبه قاصعه می‌فرماید: «از هر جریانی که ستون فقرات امت‌های پیشین را درهم شکست اجتناب کنید... اینک با دقت به سرنوشت و پایان کار ایشان بنگرید، هنگامی که پراکندگی فراز آمد و شعارها و باورها دوگانه شد و اختلاف شاخه‌شاخه‌شان کرد، خداوند تن‌پوش کرامت از تنش بیرون آورد و نعمت‌های فراوانش را از آن بازگرفت و تنها غصه و خبرشان شمارا باقی ماند تا عبرت آموزان شمارا پندی باشد (معادی‌خواه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳۶). حضرت در بخشی دیگر از سخنان ضمن دعوت والی و مردم به رعایت

بعضی از مدیران خود را صاحب اختیار و مالک بیت المال می دانند و در مصرف بیت المال دقت لازم را ندارند. درحالی که بررسی سیره مدیریتی حضرت علی (علیه السلام) نشان می دهد ایشان نسبت به بیت المال بسیار دقیق بودند. از سخنان آن حضرت است به عبد ادله بن جمعه که از شیعیان بود و در ایام حکومت آن جناب به محضرش آمد و درخواست مالی کرد، فرمود: قطعاً این مال نه از من است نه از تو، بلکه غنیمت ملت اسلام و اندوخته ایشان و نتیجه شمشیر آنان در جبهه هاست. اگر با آنان در جهادشان شریک بودی تو را هم نصیبی همچون آنان است، وگرنه محصول زحمت آنان برای دهان دیگران نیست. آقا علی (علیه السلام) در خطبه ای با تأکید و قسم بیان می فرماید که هرگونه تصرف در بیت المال ظلم و حرام است هرچند کمک بدون ضابطه به فقرا باشد. «به خدا قسم اگر شب را به بیداری به روی خار سعدان به روز آرم و با قرار داشتن غل ها و بندها به بدنم روی زمین کشیده شوم، پیش من محبوب تر است از اینکه خدا و رسولش را در قیامت ملاقات کنم درحالی که به بعضی از مردم ستم نموده و چیزی از مال بی ارزش دنیا غصب کرده باشم! چگونه به کسی ستم کنم برای وجودی که به سرعت به سوی کهنگی و پوسیدگی پیش می رود و اقامتش در زیر توده خاک طولانی می شود؟!» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). امام خاتمه ای درباره عدالت می فرمایند: «عدالت در صدر هدف های اولیه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است، این کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین هاست و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (علیه السلام) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره ای کوتاه رفت و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

ح) ضعف نظارت

بسیاری از انسان هایی که گناه نمی کنند، به خاطر ترس از پیامدها، مجازات و بی آبرو شدن است؛ بنابراین ترس از پیامدها در کنار فراهم نبودن زمینه گناه، مهم ترین عامل ترک گناه است؛ بنابراین مسئولانی که با بی برنامه گی و نداشتن نظارت، زمینه لغزش کارکنان را فراهم می کنند، هیچ صلاحیتی برای مدیریت ندارند. چون پیش بینی انحرافات و پیشگیری از آن نشانه مدیریت صحیح است وگرنه دیدن جرم بعد از وقوع، همانند دیدن ماه در شب چهارده است در این صورت مقابله بعد از وقوع به معنای از دست دادن نیروهاست. اگرچه باید به تخلفات رسیدگی شود ولی مهم تر از آن پیشگیری است. نبود نظارت موجب از بین رفتن امانت داری است. وقوع جرم و از بین رفتن امانت داری، موجب ایجاد ناامیدی در مردم و گسترش بی اعتمادی می شود. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «جاسوسانی از اهل راستی و وفا بر آنان بگمار، زیرا بازرسی پنهانی تو از کارهای آنان



پذیرفته نمی‌شود.» در بیانیه گام دوم رهبر انقلاب خطاب به جوانان می‌فرمایند: «عزیزان، ندانسته‌ها را جز با تجربه یا گوش سپردن به دیگران نمی‌توان دانست... برای برداشتن گام‌های استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۳).

و) حاکمیت ناهلان و انزوای صالحان

از جمله پیامدهای انزوای صالحان حضور حکومت ناهلان در جامعه است که کم‌ترین پیامد آن سقوط ارزش‌های اجتماعی، دینی و آغاز سقوط و انحراف جامعه است. حضرت خطاب به مردمی که مکرر سرپیچی از دستوراتش داشته‌اند می‌فرماید: «من شمارا به سوی حق می‌رانم اما شما از آن گریزانید چونان رمیدن بزها از غرش شیران. هیئات که با شما بتوانم از چهره عدالت پرده بگیرم یا کژی‌های حق را راست کنم...» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۸). همچنین در پی تشریح وضعیت نامطلوب جامعه پس از پیامبر و تحریف مسیر خلافت می‌فرماید: «اما همین‌که خدا رسول خدا- که درود خدا بر او و خاندانش باد- فرا خویش خواند، گروهی به او پس گراییدند و در مغاک انحراف فرو رفتند و بر عناصر نفوذی جاهلیت تکیه زدند و به بیگانگان پیوستند و ساختار اسلام را از بنیاد جابجا کردند و در جایگاه غیرش نهادند. بدین‌سان سرگردان وادی حیرت شدند، گروهی از همه‌چیز بریدند و به دنیا تکیه زدند و گروهی در صفی جدا در برابر دین ایستادند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱). همواره به حضرت در دوران خلافت گزارش می‌رسید که سلطه یافتن یاران معاویه بر شهرها را تأکید می‌کرد. و یاران حضرت شکست‌خورده نزدش بازگشته بودند، در چنین فضای دردآلودی حضرت بر کرسی خطابه رفت و فرمود: «به من گزارش رسیده که بُسر بر یمن چیره شده است. به خدا سوگند که با چنین اوضاع و احوالی آینده را چنین می‌بینم که آنان با استفاده از نقطه‌ضعف‌های شما دولت را در اختیار گیرند! چراکه آنان بر محور باطل خویش جمع‌اند و شما از محور حقتان پراکنده‌اید. آنان در راه باطلشان مطیع رهبر خویش‌اند و شما در راه حق خود از رهبرتان سر می‌تابید... شما خیانت را به جایی رساندید که اگر به یکی از شما اعتماد کنم و قدحی چوبین به او بسپارم نگرانم دسته آن را بر باید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۰). رهبری در بیانیه به چالش با مستکبران اشاره می‌کنند: «ایران مقتدر امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنادار... و اگر آن روز گمان امریکا آن بود که بتند ایرانی خود فروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی شکست می‌خورد» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

ز) بی‌عدالتی در رفتار و توزیع بیت‌المال

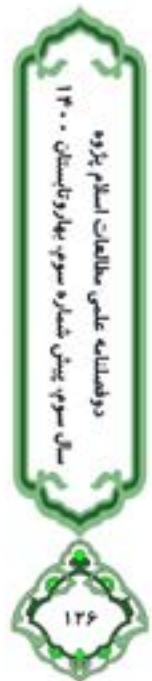
متأسفانه نگرش صحیحی نسبت به اهمیت بیت‌المال و نحوه مصرف آن وجود ندارد.

کرده اصلاح آنان را درگرو اصلاح بخش‌های دیگر دانسته به‌گونه‌ای که آن بخش‌ها نیز در صورتی به صلاح خواهند بود که حکومت توجه خود را بدان معطوف دارد، چراکه تنها حکومت دینی است که می‌تواند در سایه‌ی چنین فرصتی احقاق حق دیگران نماید. «بدان که ملت ترکیبی از قشرهای گوناگون است و هر جزء آن جزء در پیوند با جزء دیگر سامان نمی‌یابد و بخشی بی‌نیاز از بخشی دیگر نیست... و خداوند سهم خاص هر یک از آنان را در کتاب خود و سنت پیامبرش رقم‌زده در جایگاه بایسته‌اش نشانده که به‌عنوان پیمانی از او نزد ما سپرده است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). در بخشی دیگر حاکمیت عدل را منجی بشر و دین دانسته و اصلاح زمان و مکان را نیز درگرو این حاکمیت می‌داند «خداوند حقوق متقابل در روابط اجتماعی انسان‌ها را بخشی از حقوق خود رقم‌زده که بزرگ‌ترین بعد آن حقوق متقابل مردن و زمامداران است... پس هرگاه ملت حق والی را و والی حق مردم را بپردازد، حق در میان آنان شکوه میابد، راه‌های دین استوار می‌گردد. ولی هنگامی که ملت بر زمام دار خود چیره شود و حاکم از در زورگویی وارد شود اختلاف کلمه رخ می‌دهد، نشانه‌های ظلم آشکار می‌گردد و هوا و هوس مبنای عمل قرار می‌گیرد و احکام به تعطیلی کشیده می‌شوند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷).

در این فراز از سخنان حضرت به حدی نقش حکومت در اصلاح جامعه و سامان‌دهی آن روشن و مسلم است که کمتر آگاهی در این باره دچار شک و تردید می‌شود. «... در جمهوری اسلامی دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت را بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیم ناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به‌ویژه خواری و مدارا با فریب گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد به‌شدت ممنوع است و همچنین غفلت از قشرهای نیازمند به هیچ رو مورد قبول نیست» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

ج) حاکم عادل مجری عدالت اجتماعی

همان‌گونه که بیان شد فقدان عدالت و وجود ظلم ازجمله عوامل عمده‌ی سقوط است. از این رو تحقق عدالت اجتماعی از عوامل عمده‌ی سلامت بخشی به جامعه خواهد بود که در نگاه حضرت علی علیه‌السلام تنها در سایه حکومت صالح می‌توان به عدالت اجتماعی رسید. ایشان در نامه‌ای به یکی از عمال مورد اعتماد خود که پس از چندی راه خیانت در پیش گرفت می‌نویسد: «تقوای الهی پیشه کن و اموال این مردم شریف را به آنان بازگردان که اگر چنین نکنی و خداوند بر تو چیره‌ام کند، در پیشگاه خدا عذری روشن خواهم داشت و بی‌اندکی تردید با شمشیر خویش خواهمت زد» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۱). همچنین در فراز دیگری درباره‌ی بازگرداندن زمین‌هایی که عثمان به‌ناحق بخشیده بود فرمود: «به خدا سوگند اگر بدان قطایع دست‌یابم حتی اگر به کابین زنان رفته باشد یا



سبب امانت‌داری ایشان و مدارای با رعیت است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). مقام معظم رهبری هم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اشاره می‌کنند که دستگاه‌های نظارتی و دولتی با قاطعیت و حساسیت باید از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن در جامعه مبارزه کنند.

(ط) استبداد رأی

مشورت دارای فوایدی از قبیل بالا رفتن کیفیت و کمیت کارها، احترام به نظر دیگران، ایجاد محبت بین کارکنان و مدیران، مشارکت بیشتر در تصمیمات خصوصاً پیشنهادهایی که توسط خودشان صورت می‌گیرد، احساس مفید بودن، شناخت نقطه‌ضعف‌ها و موانع کار، بررسی همه زوایای یک تصمیم و... می‌باشد. بی‌توجهی و نپذیرفتن نظریاتی که برای مدیر درست بودن و راهگشا بودن آن روشن است، نوعی استبداد رأی است. انسان خودپسند و خودخواه، نظر خود را بهترین نظر می‌داند در کنار این باور، نظر همه را اشتباه می‌پندارد. لذا هیچ نظری را بر نظر خود ترجیح نمی‌دهد. «بدان خودبرتربینی دشمن درست اندیشی و آفت عقل است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

راه‌های رفع آسیب

نقش حاکمان حکومت اسلامی در رفع آسیب‌ها را باید در کارآمدی و موفقیت حکومت به‌ویژه نوع دینی آن که قانون الهی مبنای مشروعیت و اجرای قوانین الهی تنها وظیفه آن است، دانست. در موارد ذیل این نقش از نگاه نهج‌البلاغه و همگامی آن با بیانیه موردتوجه قرار گرفته است.

الف) بقا و حفظ دین در سایه اسلامی بودن حاکم و حکومت

با توجه به نقش حکومت در محافظت از ارزش‌ها و هنجارهای عالی انسانی از آنجاکه متعالی‌ترین این ارزش‌ها در سایه وحی الهی به بشر عطاشده حکومت اسلامی به‌عنوان حافظ دین و شریعت الهی یکی از حامیان عمل به ارزش‌های دینی و گسترش آن در قالب هنجارهاست. حضرت در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود به‌عنوان حامی دین اسلام می‌نویسد: «بی‌گمان تو از معدود کسانی هستی که در برپایی دین و پاس‌داری از مرزهای این سرزمین به نیرویشان تکیه‌دارم. پس در برخورد با آنچه بدان همت می‌گماری از خدا یاری جوی و سختی و قاطعیت را با نرمی و انعطاف درآمیز» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۵). «...انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد، چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح و آغاز فصل جدیدی را اعلام نمود...عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشم‌گیر افزایش داد» (بیانیه‌ی گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۶).

ب) اصلاح مردم و توجه به طبقات مختلف جامعه

حضرت علی (علیه‌السلام) در بخشی از نامه خو به مالک وی را متوجه طبقات گوناگون جامعه

در همین باره به مالک می‌نویسد: «برای داوری بین مردم افرادی را برگزین که نزد تو برترین هستند آنانی که امور گوناگون در تنگنایشان نگذارد، برخورد خصمانه طرف‌های درگیر به خشمشان نیاورد، در لغزش خود پای نفشارند... دست بخشش خویش را چنانشان بگشای که نیاز خود را پاسخ‌گو باشند و بر مردم کمتر نیازمند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) «همه باید بدانند طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند... این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کاربرد» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

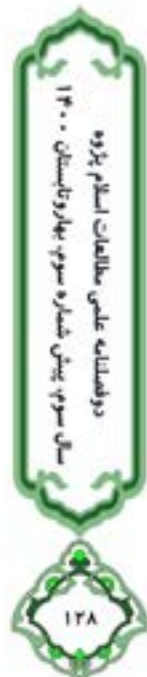
و) وحدت کلمه در سایه حکومت اسلامی

همان‌گونه که یادآوری شد پراکندگی و تفرقه یکی از آسیب‌های جدی و ریشه‌ای است که در صورت عدم برخورد جدی از ناحیه حکومت، اساس نظام اجتماعی را از هم می‌گسلد. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «و آنجا است که باید شاهد دشمنی‌هایی بود که به کمتر ذهنی خطور می‌کند و همه باهم سر ناسازگاری گذاشته، هیچ‌کسی به کسی مطمئن نخواهد بود و همه به سرگردانی دچار خواهند شد. در چنین محیطی کمرهای صاحب‌گوش و کوران صاحب چشم یافت می‌شوند که نه در برخورد‌ها صداقتشان هست و در هنگام گرفتاری برادرانی مورد اعتمادند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

از بین بردن چنین وضعیت اسفباری نیاز به یک دستگاه حکومتی کارآمد و صالح دارد تا در سایه رهبری صالح و همیاری رعیت به این مهم همت گمارد. استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است و هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی هستند و هر دو عطیه‌ی الهی به انسان و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دو هستند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله آن‌ها است.

بدیهی است که استقلال نباید به معنای زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود» (بیانیه‌ی گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۱). «...و به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۳).





به کار خرید کنیزان گرفته شده باشد، با قاطعیت همه را به بیت المال بازمی گردانم چراکه عدل را پهنه ای گسترده است و کسی که عدالت بر او تنگ آید بی تردید حلقه ای جرم او را تنگ تر است» (نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵). «در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت نشینان یا همسانان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها به ویژه مناطق دوردست در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه زیرساختی بودند... دستاوردهای مبارزه با بی عدالتی در این چهار دهه با هیچ دوره دیگر قابل مقایسه نیست» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۶).

د) حاکمان صالح عامل اصلاح روابط اقتصادی

یکی از محورهای اصلی نامه حضرت به مالک، توجه دادن او به خراج و مالیات و اصلاح نحوه پرداخت این وجوه شرعی و توجه به تأمین و تکثیر منابع درآمد است که واریسی آن تنها از عهده حاکمیت جامع نگر و خواهان اصلاح برمی آید. «جریان خراج را چنان واریسی کن که وضع خراج دهندگان سامان یابد که بی تردید سامان تمامی اصناف جامعه درگرو سامان خراج و خراج دهندگان باشد و دیگران جز با تکیه زدن بر اینان سامان نشان نباشد چراکه تمامی مردم نان خور خراج و خراج دهندگان هستند و سزاوارتر است که بیش از گردآوری خراج به عمران زمین بیندیشی، زیرا خراج جز از راه عمران به دست نمی آید و هر که بدون عمران خراج بگیرد، کشور را ویران و ملت را نابود می کند و فرمانروایی اش چندان نمی پاید» (نهج البلاغه، نامه ۲۰).

«نکته مهمی که آینده سازان باید در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می کنند که از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت ها با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی استفاده یا کم استفاده مانده است. همت های بلند و انگیزه های جوان و انقلابی خواهند توانست آن ها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷، ص ۸).

ه) اصلاحات قضایی در سایه حاکمان صالح

قطعاً در جامعه ای که انحرافات همچنان دامن گستر است و قشرهای گوناگون در موقعیت های متفاوت با نوعی از آن دست به گریبان اند، تنها عامل اجرایی که قادر به کاهش ارتکاب جرائم بوده، مردم را به سازگاری با شعایر دین و مراعات مصالح عمومی وادار می سازد، دستگاه قضایی و بخش های مربوط به آن است. البته آنچه از مطالعات جرم شناسی به دست می آید و در تحلیل های جامعه شناسان از جنایاتی کارآمد و فعال و در عین حال مبتنی بر قوانین الهی، تنها راه چاره برای مهار بخش اعظم انحرافات و برگرداندن سلامت جامعه است. به دلیل چنین اهمیتی بخش فراوانی از نامه ی حضرت به مالک اشتر و همچنین مواردی را که حضرت به خصوص به قاضیان خود نوشته است اختصاص به امر قضا دارد.

منابع

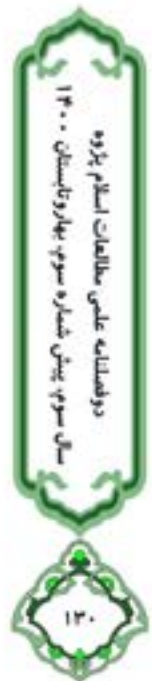
- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه
۱. ابوالنور محمد و زهیر المالکی، اصول الفقه، قاهره: مکتبه الازهریه للتراث، ۱۴۱۲ ق.
۲. آقایی، محمدرضا، آموزه‌هایی از نهج البلاغه، قم: معارف، ۱۳۷۹.
۳. آقایی، محمدرضا، آسیب‌شناسی جامعه دینی و نقش حکومت از منظر نهج البلاغه، ماهنامه معرفت، شماره ۵۱، ۱۳۸۰.
۴. بارانی، سمیه؛ پورشافعی، هادی، اخلاق سیاسی حاکمان در نهج البلاغه، سایت علم نت، ۱۴۰۰.
۵. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، سایت علم نت، ۱۴۰۰.
۶. حیدری، محمدصادق؛ یدالله پور، محمدهادی؛ ربیع، سید علی‌اکبر، معیارهای سلامت انتخاب حاکمان از دیدگاه نهج البلاغه. سایت علم نت، ۱۴۰۰.
۷. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، ۱۳۷۸.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۹. علی پور، عباس، پیامدهای مدیریت سوء از دیدگاه نهج البلاغه، قم: مرکز آموزش‌های تخصصی نهج البلاغه، ۱۳۹۱.
۱۰. قانع اردکان، مهدی، وظایف اخلاقی مردم و حاکمان اسلامی از منظر نهج البلاغه، سایت علم نت، ۱۴۰۰.
۱۱. گرجی، علی‌اصغر، دولت تراز بیانیه گام دوم انقلاب، قم: قرارگاه حوزوی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.
۱۲. گروه محققین، مسائل جامعه‌شناسی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، قم: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۸۵.
۱۳. معادی خواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، تهران، ۱۳۷۲.
۱۴. مقیمی، محمد، بیانیه گام دوم انقلاب رهنامه پیشرفت ایرانی اسلامی، فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۳، صص ۵-۱۳۹۷، ۱۴۰۰.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتاب.



نتیجه‌گیری

حضرت علی (علیه السلام) تنها زمامداری است که در اندیشه و عمل سیاست را تابع اخلاق می‌داند و تمام عناصر حکومت علوی باید چنین باشد و اصول اخلاق را بر اعمال و رفتار خود حاکم سازد. هدف از پژوهش حاضر بررسی آسیب‌هایی است که رفتار مبتنی بر اخلاق حاکمان اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و حضرت مکرراً در نامه‌ها و خطبه‌هایشان به آن‌ها اشاره کردند. در این مقاله از منظر نهج‌البلاغه و با تأکید و همگام‌سازی آن با بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، آسیب‌هایی چون جهل و ظلم و اختلاف، بی‌تفاوتی در یاری حق، امر به معروف و نهی از منکر، انزوای صالحان، بی‌عدالتی در رفتار حاکمان و توزیع بیت‌المال و ضعف نظارت و استبداد رأی حاکم از عوامل انحطاط و آسیب تشریح شده و راه‌های رفع آسیب را بقا و حفظ دین در سایه اسلامی بودن حاکمان و حکومت، توجه به طبقات مختلف جامعه، عدم تبعیض و وجود حاکمان عادل و صالح در جهت حفظ نظام اسلامی بیان می‌کنند. عدالت اجتماعی در همه شئون را حق مردم می‌داند و این نگاه عالمانه و متناسب با هر مکان و زمان خود دلیلی بر جامعیت این شخصیت در تاریخ جهان است.

با توجه به مبانی فکری و عملی حضرت علی (علیه السلام) در سیاست‌های حکومتی، رعایت حق محوری و رعایت حقوق مردم، آخرت‌گرایی و مبارزه با ظلم و فساد، جهت رسیدن به رشد و کمال جامعه اسلامی پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حضرت علی به‌عنوان الگوی جامع علمی و عملی موردتوجه قرار گیرند و سیاستمداران میزان موفقیت خود را در اندیشه و عملکرد سیاسی با توجه به دیدگاه ایشان بررسی نمایند و دولت‌ها وجوه مهم اندیشه امام علی علیه‌السلام درباره سیاست (حق‌مداری، عدالت، رعایت حدود الهی، وفای به عهد، نفی قدرت‌طلبی و حقوق مردم در حکومت) مدنظر قرار دهند.





Abstract

The position of women in the moral and spiritual excellence of society with emphasis on the statement of the second step of the Islamic Revolution

Fatemeh Samavati¹

Abstract

Women play a very important role in society. They are only half of the population of the society, but in the position of mother and wife, it is as if the whole society is made up of women. The excellence of the society depends on the excellence of the people who enter the society from the family. In the statement of the second step, while explaining the background of the revolution, the vision of the future is explained and expressed in several axes. Spirituality and morality are the second axis emphasized. The purpose of this article was to examine the position of women in Islam and the position of women in the moral and spiritual excellence of society as mothers, wives and individuals present in society, emphasizing the statement of the second step and the orders of the Supreme Leader. The contents and information of this article were collected by library method and processed descriptively-analytically. The results showed that a woman with moral and spiritual excellence of her children and husband, as well as by observing the components of morality and spirituality when attending society, has a special place in the moral and spiritual excellence of society.

Keywords: Statement of the second step of the Islamic Revolution, women, ethics, spirituality



1. Level 2 graduate, Hazrat Ameneh Theological Seminary, Qom f.sama1377@gmail.com

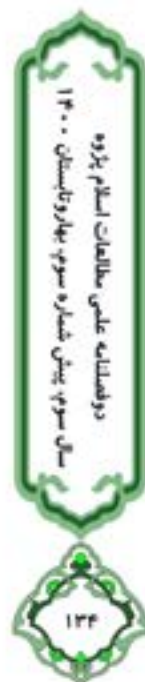
Educational characteristics of a desirable family The second step of the Islamic Revolution from the perspective of the Holy Quran

atiyah brghmadi¹

Abstract

The family, as the most central element in shaping the personality, thoughts and behavior of individuals, has a significant role in creating ideals and creating a flow in society. The statement of the second step of the Islamic Revolution is full of cases for which the family can be effective in laying the groundwork. These include entering the stage of revolution in self-construction, socialization and civilization, maintaining ideals and resisting temptations, thinking and wishing universally, returning to nature, being passive, accepting mistakes and the power to correct, building the past to have He pointed to a better future and jihadist management. Nurturing self-made people, strengthening the underlying characteristics of creating Mahdavi utopia, highlighting transcendent moral characteristics and innate values, trying to correct mistakes, avoiding arrogance and accepting arrogance, and striving for a better future are among the identified indicators for a desirable family. The second step is the Islamic Revolution.

Keywords: desirable family, characteristics, Quran, the second step of the Islamic Revolution.



1. Educated at the level of two seminaries of Hazrat Ameneh (PBUH) in Qom
atibarghamadi1367@gmail.com

The position of the population in the realization of the new Islamic civilization with emphasis on the statement of the second step of the revolution

Seyedeh Zahra Abedian¹

Abstract

Population and childbearing are of great value in the strength and development of a civilization. Raising the flag of the new Islamic civilization is the education of a generation that is brave, literate, religious, innovative, pioneering, self-confident, zealous. The objective realization of such a civilization will be possible by nurturing a young generation. The statement of the second step of the Islamic Revolution as a turning point in the Islamic Republic of Iran in order to create a new civilization, talented and efficient manpower is the most important hopeful capacity of the country in the realization of a new Islamic civilization. According to the statements of the Supreme Leader in the statement of the second step of the revolution, talented manpower is a key role in the formation of the Islamic Ummah; It plays the economic, defense-security and political empowerment of the country and provides the necessary conditions for the formation of a strong nation. Considering the damage done to the Islamic Ummah due to population decline, paying attention to the orders of the Supreme Leader as the Supreme Leader and Mujtahid of the Society of Conditions, can pave the way for the realization of a new Islamic civilization and witnessed significant progress in this regard.

Keywords: Fertility, Population, New Islamic Civilization, Statement of the Second Step of the Revolution.



1. Level 2 graduate, Hazrat Ameneh Theological Seminary of Qom and Master of International Law s.z.abedian@gmail.com

Dignity of women, radio and television advertisements and the second step of the revolution

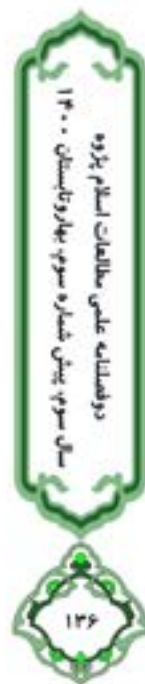
Seyedeh Zeinab Tavassoli¹

Abstract

The issue of women's dignity and worth is an issue that has been forgotten in some human societies. In such societies, women are treated as a second sex and even lower as a machine and tool of exploitation. Preserving the dignity of women is one of the concepts that has been emphasized in Islamic discourse and in the second step statement. Values that should be given special attention, because accurate knowledge and discovery of its relationship with other elements, attention to the key and sensitive role of women in the family and society, the recommendations of the Supreme Leader in the second step of the revolution, to achieve real status and preserve human dignity. The role of the Radio and Television Organization in managing the culture and public opinion of the society clarifies the need to address this issue. In this article, an attempt has been made to examine the challenges in the promotion of goods by women in the national radio and television and the preservation of women's human dignity. Emphasis on the human dimension of women, emphasizing the basic duties of women in the family in planning and encouraging their serious and effective presence in various political and social arenas with regard to women's duties in the family and also paying attention to the impact of women in the development of society and civilization in planning. And ... is one of the suggested solutions in this field. This research is written in the form of library and descriptive study.

Keywords: Islamic dignity, the second step of the Islamic revolution, women, radio, propaganda.

1. Educated at the level of two seminaries of Hazrat Ameneh (PBUH) in Qom
708somita@gmail.com



Pathology of the behavior of Islamic rulers in the face of the people from the perspective of Nahj al-Balaghah and the statement of the second step of the Islamic Revolution

Seyedeh Mahboubeh Miraei¹

Abstract

Management in communities is a must. The issue of management can be considered from different dimensions. The school of Islam defines management in this regard according to the goal it has set for the creation of man, namely worship and closeness to God. Imam Ali legitimizes the government as long as it seeks the truth; Therefore, human society always needs to benefit from the divine government in order to use the correct approach to the progress of religion and human development and to achieve the lofty goal of human creation and the pleasure of the Lord of the universe. This article seeks to examine the behavior of managers from the perspective of Nahj al-Balaghah and the statement of the second step and the menus of the Supreme Leader of the Revolution. The purpose of this article is to discover the behavioral harms of Islamic rulers from the perspective of Nahj al-Balaghah for Islamic managers in order to succeed in their respective responsibilities. The method is descriptive-analytical and deals with the intellectual foundations and thought of Imam Ali and his practical life in politics. In this article, the political ethics of the rulers in Nahj al-Balaghah has been examined according to the biography and words of Imam Ali (as) along with the statement of the second step of the Islamic Revolution.

Keywords: Behavior of Islamic rulers, pathology, second step statement, Nahj al-Balaghah.



1. Learned at the level of two seminaries of Hazrat Ameneh (PBUH) in Qom, s.m.miraii58@gmail.com

The role of repentance in the social development of youth in the Qur'an and the statement of the second step of the Islamic Revolution

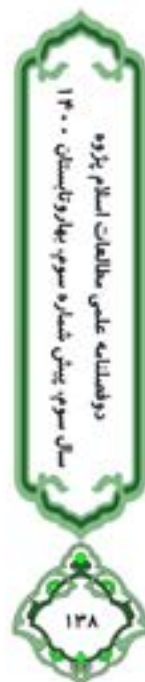
Holy trustworthy

1

Abstract

In this article, first the semantics of the word repentance has been discussed and after explaining the difference between repentance and istighfār and anaba, the importance and necessity of the subject of repentance has been stated. After that, the role of repentance in the personal development of young people has been studied using moral books and Quranic verses, which include popularity with God, forgiveness of sins, enjoying the prayers of angels, salvation and salvation, purification of the soul from evil, error and savior from destruction, turning sin into Goodness, the descent of a day, the preservation of the spirit of hope and social effects include: the concealment of sin, the descent of the mercy of bondage and social solidarity, the increase of power and strength, and the restoration of lost trust. This collection seeks to find the role of repentance in the social development of young people in the Qur'an and the statement of the second step of the revolution. The method of collecting information was in the form of a library whose contents were collected in the form of phishing.

Keywords: Youth, Social Development, Repentance, Quranic Perspective and the Statement of the Second Step of the Revolution.



1. Learned at the level of two seminaries of Hazrat Ameneh (PBUH) in Qom mohammad65rbm@gmail.com



خلاصه المحتويات

مكانة المرأة في التميز الأخلاقي والروحي للمجتمع مع التأكيد على بيان الخطوة الثانية من الثورة الإسلامية

فاطمة السماطات^١

الملخص

تلعب المرأة دورًا مهمًا جدًا في المجتمع. هم فقط نصف سكان المجتمع ، لكن في موقع الأم والزوجة ، يبدو الأمر كما لو أن المجتمع بأكمله يتكون من النساء. تميز المجتمع يعتمد على تميز الأفراد الذين يدخلون المجتمع من الأسرة. في بيان الخطوة الثانية ، أثناء شرح خلفية الثورة ، يتم شرح رؤية المستقبل والتعبير عنها في عدة محاور. الروحانية والأخلاق هي المحور الثاني الذي تم التأكيد عليه. كان الغرض من هذا المقال هو دراسة مكانة المرأة في الإسلام ومكانتها في التفوق الأخلاقي والروحي للمجتمع كأم وزوجة وأفراد حاضرين في المجتمع ، مع التأكيد على بيان الخطوة الثانية وأوامر المجلس الأعلى. زعيم. تم جمع محتويات ومعلومات هذه المقالة بطريقة المكتبة ومعالجتها وصفيًا - تحليليًا. وأظهرت النتائج أن المرأة ذات التميز الأخلاقي والروحي في أبنائها وزوجها ، وكذلك من خلال مراعاة مكونات الأخلاق والروحانية عند حضورها المجتمع ، لها مكانة خاصة في التميز الأخلاقي والروحي للمجتمع.

الكلمات المفتاحية: بيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية ، المرأة ، الأخلاق ، الروحانية



۱. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة أمانة عليه السلام

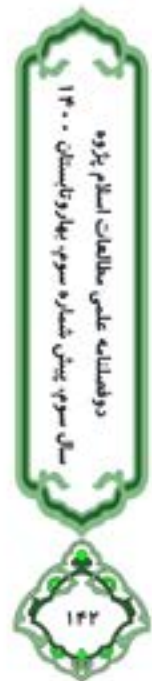
الخصائص التربوية للأسرة المرغوبة الخطوة الثانية للثورة الإسلامية من منظور القرآن الكريم

عطيه بر غمدى^١

الملخص

الأسرة ، باعتبارها العنصر الأكثر مركزية في تشكيل شخصية وأفكار وسلوك الأفراد ، لها دور مهم في خلق المثل العليا وخلق تدفق في المجتمع. إن بيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية مليء بالقضايا التي يمكن للأسرة أن تكون فعالة في إرساء الأساس لها. وتشمل هذه دخول مرحلة الثورة في بناء الذات ، والتنشئة الاجتماعية والحضارة ، والحفاظ على المثل ومقاومة الإغراءات ، والتفكير والرغبة العالمية ، والعودة إلى الطبيعة ، والسلبية ، وقبول الأخطاء ، والقدرة على التصحيح ، وبناء الماضي ليشير إليه. مستقبل أفضل وإدارة جهادية. إن رعاية الأشخاص العصاميين ، وتقوية الخصائص الكامنة وراء إنشاء اليوتوبيا المهدوية ، وإبراز الخصائص الأخلاقية الفائقة والقيم الفطرية ، ومحاولة تصحيح الأخطاء ، وتجنب الغطرسة وقبول الغطرسة ، والسعي من أجل مستقبل أفضل من بين المؤشرات المحددة لعائلة مرغوبة الخطوة الثانية هي الثورة الإسلامية.

كلمات مفتاحية: الأسرة المرغوبة ، الصفات ، القرآن ، الخطوة الثانية للثورة الإسلامية.



١. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة آمنة ع.

مكانة السكان في تحقيق الحضارة الإسلامية الجديدة مع التأكيد على بيان الخطوة الثانية للثورة

السيدة زهرة عبيديان^١

الملخص

السكان والإنجاب لهما قيمة كبيرة في قوة الحضارة وتطورها. رفع علم الحضارة الإسلامية الجديدة هو تربية جيل شجاع ، متعلم ، ديني ، مبتكر ، رائد ، واثق من نفسه ، متحمس. سيكون التحقيق الموضوعي لمثل هذه الحضارة ممكناً من خلال رعاية جيل شاب. إن بيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية كنقطة تحول في جمهورية إيران الإسلامية من أجل خلق حضارة جديدة ، وقوى بشرية موهوبة وكفوءة ، هي أهم قدرة مأمولة للبلاد في تحقيق حضارة إسلامية جديدة. وبحسب تصريحات المرشد الأعلى في بيان الخطوة الثانية للثورة ، فإن القوى البشرية الموهوبة تلعب دوراً أساسياً في تكوين الأمة الإسلامية. إنه يلعب التمكين الاقتصادي والدفاعي والأمني والسياسي للبلاد ويوفر الظروف اللازمة لتشكيل أمة قوية. بالنظر إلى الأضرار التي لحقت بالأمة الإسلامية بسبب انخفاض عدد السكان ، فإن الاهتمام بأوامر المرشد الأعلى باعتباره المرشد الأعلى ومجتهد مجتمع الشروط يمكن أن يمهد الطريق لتحقيق حضارة إسلامية جديدة وشهدت تقدماً كبيراً في هذا الصدد.

الكلمات المفتاحية: الخصوبة ، السكان ، الحضارة الإسلامية الجديدة ، بيان الخطوة الثانية للثورة.



١. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة أمانة عليهما السلام وماجستير في القانون الدولي

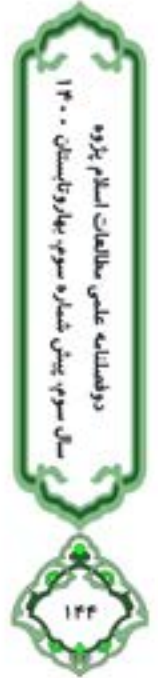
كرامة المرأة والإعلانات الإذاعية والتلفزيونية والخطوة الثانية للثورة

السيدة زينب تفسولي^١

الملخص

قضية كرامة المرأة وقيمتها قضية تم نسيانها في بعض المجتمعات البشرية. في مثل هذه المجتمعات ، يتم التعامل مع النساء كجنس ثانٍ وحتى أقل كآلة وأداة للاستغلال. الحفاظ على كرامة المرأة من المفاهيم التي أكد عليها الخطاب الإسلامي وبيان الخطوة الثانية. قيم يجب أن تحظى باهتمام خاص ، لأن المعرفة الدقيقة واكتشاف علاقتها بالعناصر الأخرى ، والاهتمام بالدور الأساسي والحساس للمرأة في الأسرة والمجتمع ، توصيات المرشد الأعلى في الخطوة الثانية من الثورة لتحقيق الوضع الحقيقي والحفاظ على كرامة الإنسان إن دور هيئة الإذاعة والتلفزيون في إدارة ثقافة ورأي المجتمع يوضح ضرورة معالجة هذه القضية. في هذا المقال ، بُذلت محاولة لدراسة التحديات التي تواجه الترويج للسلع من قبل النساء في الإذاعة والتلفزيون الوطنيين والحفاظ على الكرامة الإنسانية للمرأة. التأكيد على البعد الإنساني للمرأة ، والتأكيد على الواجبات الأساسية للمرأة في تنظيم الأسرة ، وتشجيع حضورها الجاد والفعال في مختلف المجالات السياسية والاجتماعية فيما يتعلق بواجبات المرأة في الأسرة ، والاهتمام بآثر المرأة في الأسرة. تنمية المجتمع والحضارة في التخطيط .. و .. من الحلول المقترحة في هذا المجال. هذا البحث مكتوب في شكل مكتبة ودراسة وصفية.

الكلمات المفتاحية: الكرامة الإسلامية ، الخطوة الثانية للثورة الإسلامية ، المرأة ، الإذاعة ، الدعاية.



١. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة آمنة عليه السلام في قم

باتولوجيا سلوك الحكام الإسلاميين في مواجهة الناس من منظور نهج البلاغة وبيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية

سيدة محبوبة میراڤي^١

الملخص

الإدارة في المجتمعات أمر لا بد منه. يمكن النظر في مسألة الإدارة من أبعاد مختلفة. تحدد مدرسة الإسلام الإدارة في هذا الصدد وفقاً للهدف الذي حددته لخلق الإنسان ، وهو العبادة والقرب من الله. الإمام علي يشرعن الحكومة ما دامت تبحث عن الحقيقة. لذلك ، يحتاج المجتمع البشري دائماً إلى الاستفادة من الحكومة الإلهية من أجل استخدام النهج الصحيح لتقدم الدين والتنمية البشرية وتحقيق الهدف النبيل المتمثل في خلق الإنسان وإرضاء رب الكون. يسعى هذا المقال إلى فحص سلوك المديرين من منظور نهج البلاغة وبيان الخطوة الثانية وقوائم المرشد الأعلى للثورة. الغرض من هذا المقال هو اكتشاف الأضرار السلوكية للحكام المسلمين من منظور نهج البلاغة للمديرين الإسلاميين من أجل النجاح في مسؤوليات كل منهم. المنهج الوصفي التحليلي ويتناول الأسس الفكرية وفكر الإمام علي وحياته العملية في السياسة. في هذا المقال ، تم فحص الأخلاق السياسية للحكام في نهج البلاغة من سيرة وكلمات الإمام علي^b مع بيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية. **الكلمات المفتاحية:** سلوك حكام الإسلام ، علم الأمراض ، بيان الخطوة الثانية ، نهج البلاغة.



۱. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة أمانة^{عليه السلام} في قم

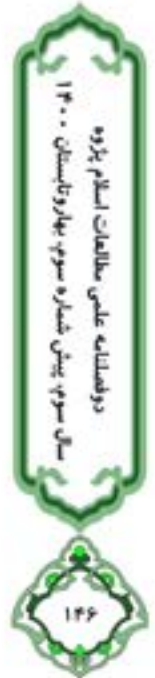
دور التوبة في التنمية الاجتماعية للشباب في القرآن وبيان الخطوة الثانية للثورة الإسلامية

المقدسة جديرة بالثقة^١

الملخص

في هذا المقال نوقش أولاً دلالات كلمة التوبة وبعد شرح الفرق بين التوبة والاستغفار والعنابة ، تم بيان أهمية وضرورة موضوع التوبة. بعد ذلك تمت دراسة دور التوبة في النمو الشخصي للشباب باستخدام الكتب الأدبية والآيات القرآنية التي تشمل الشعبية عند الله ، وغفران الذنوب ، والتمتع بصلاة الملائكة ، والخلص والخلص ، وتطهير النفس من الشر. والخطأ والمنقذ من الهلاك ، وتحويل الخطيئة إلى خير ، ونزول يوم واحد ، والحفاظ على روح الأمل ، والآثار الاجتماعية تشمل: إخفاء الخطيئة ، ونزول رحمة العبودية والتضامن الاجتماعي ، وزيادة القوة. والقوة واستعادة الثقة المفقودة. تسعى هذه المجموعة إلى معرفة دور التوبة في التنمية الاجتماعية للشباب في القرآن وبيان الخطوة الثانية للثورة. كانت طريقة جمع المعلومات في شكل مكتبة تم جمع محتوياتها في شكل تصيد احتيالي.

الكلمات المفتاحية: الشباب ، التنمية الاجتماعية ، التوبة ، المنظور القرآني ، بيان الخطوة الثانية للثورة.



١. تلقى تعليمه على مستوى مدرستين لحضرة آمنه (عليها السلام) في قم

